





۴۰

در مراسم رونمایی از کتاب
«تاثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد ایران»
در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز مطرح شد

پایداری اقتصاد ایران افزایش یافت

۱۱

تحولات بین‌المللی بر اقدامات بانک‌های مرکزی تاثیر مستقیم دارد

"تام لی"، استاد دانشگاه
پومونا آمریکا



۵



اثرگذاری سیاست‌های بانک مرکزی تورم را کاهش می‌کند

مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی

۳۰



دولت با کنترل مخارج از بانک مرکزی حمایت کند

آقابزرگی
کارشناس مسائل اقتصادی

۱۳



همه ابزارهای کنترل تورم در اختیار بانک مرکزی نیست

کاظم‌نژاد، رئیس سابق هیات مدیره
بانک مسکن

۱۸

اعتبار بانک مرکزی انتظارات تورمی را کنترل می‌کند

۵۳

اجرای سیاست‌های چندگانه عبور از هسته سخت تورم

۵۶

کسری بودجه ۱۴۰۳ چراغ راه انضباط مالی در ۱۴۰۴

۷۳

موج سنگین حملات سایبری بر علیه بانک‌ها

۲۴



مجلس از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی حمایت می‌کند

ایزدخواه، عضو کمیسیون
اقتصادی مجلس

۳۴



بانک مرکزی در کنترل تورم موفق بود

شهبازی
کارشناس مسائل اقتصادی



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• مدیرمسئول و سردبیر:

علی احمد قاسمی

• مشاور سردبیر و ناظر محتوایی:

فاطمه محمدی

• مشاور سردبیر:

سینا احدیان

• همکاران این شماره:

جواد حیران نیا، حمید کمار، رضا فراهانی

حسین کمال زارع، سید مهدی میرحسینی

امیرحسین موسوی، پوریا صادقی، هانیه محمدی

هانیه اسماعیلی، نرگس کافی و حسین جعفری

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• دبیر سایت:

دنیا نظرسروش

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)

نبش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله

ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

سرمقاله

۴	مراقب جوسازی های قیمتی در بازار ارز باشید
۵	انترگذاری سیاست های بانک مرکزی تورم را کاهش می دهد
۱۱	تحولات بین المللی بر اقدامات بانک های مرکزی تاثیر مستقیم دارد
۱۳	همه ابزارهای کنترل تورم در اختیار بانک مرکزی نیست
۱۸	اعتبار بانک مرکزی انتظارات تورمی را کنترل می کند
۲۳	کسری بودجه زمینه افزایش نرخ تورم را فراهم می کند
۲۴	مجلس از سیاست های ارزی بانک مرکزی حمایت می کند
۲۹	بانک مرکزی در شرایط دشوار اقتصادی نرخ ارز را مدیریت می کند
۳۰	دولت با کنترل مخارج از بانک مرکزی حمایت کند
۳۲	مدیریت بانک مرکزی مانع افزایش شدید نرخ ارز می شود
۳۴	بانک مرکزی در کنترل تورم موفق بود
۳۵	بار تسهیلات تکلیفی باید از دوش بانک ها برداشته شود
۳۹	وجود کسری بودجه کنترل نقدینگی را دشوار می کند
۴۰	پایداری اقتصاد ایران افزایش یافت
۴۹	اتکا تا مین کسری بودجه به رشد نقدینگی باید قطع شود
۵۳	اجرای سیاست های چندگانه عبور از هسته سخت تورم
۵۶	کسری بودجه ۱۴۰۳ چراغ راه انضباط مالی در ۱۴۰۴
۵۹	چالش بانکداران مرکزی جهان با مسئله مدیریت نقدینگی
۶۳	رویکرد مدیریت نقدینگی در کره جنوبی چگونه نتیجه داد؟
۶۶	تسلط شرکت های بزرگ اروپایی بر بانک های بلغارستان
۷۳	موج سنگین حملات سایبری بر علیه بانک ها
۷۷	خیز بانک های جهان برای استفاده از هوش مصنوعی

مراقب جوسازی‌های قیمتی در بازار ارز باشید

طلا و سکه در بازارهای داخلی نیز تحت تأثیر افزایش قیمت اونس جهانی طلا قرار گرفته است. روند جهانی طلا همواره تابعی از شرایط اقتصادی و سیاسی جهانی است و معمولاً با فراز و نشیب‌های موقتی همراه است. بنابراین، پس از تثبیت قیمت اونس جهانی، انتظار می‌رود قیمت طلا و سکه در بازار داخلی نیز روند باثباتی به خود بگیرد و از نوسانات فعلی کاسته شود.

در این شرایط، آنچه مهم است، پرهیز از هیجانات و واکنش‌های احساسی در بازار ارز از سوی کارگزاران اقتصادی و عموم مردم جامعه است. تجربه نشان داده است که ورود مردم به این بازارها تحت تأثیر موج‌سازی‌های روانی و اخبار کذب، تنها موجب زیان‌های بیشتر افراد خواهد شد. باید توجه داشت که برخی از جریان‌ها با تقاضای سفته‌بازانه و سوداگری و با انتشار شایعات و خبرسازی‌های متعدد، سعی در افزایش نرخ ارز دارند و این امر به هیچ وجه با تحولات شاخص‌های اقتصادی کشور همخوانی ندارد.

در نهایت، مردم عادی، سرمایه‌گذاران، صاحبان کسب و کار و به‌طور عام تمامی کارگزاران اقتصادی باید با دیدی منطقی، مبتنی بر داده‌های حقیقی تحولات بخش‌های مختلف اقتصادی و به دور از هیجان به بازار ارز نگاه کنند و توجه خود را به تحولات حقیقی اقتصاد معطوف کنند. بانک مرکزی با اجرای سیاست‌های پولی و ارزی فعال از یک سو و تداوم اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، زمینه ثبات ارزی را فراهم خواهد کرد و آرامش در بازار ارز حاکم خواهد ماند.

در هفته‌های اخیر، بازار ارز با نوساناتی همراه بوده است، اما باید توجه داشت که این نوسانات، بیشتر از جو روانی و هیجانات موهومی نشأت می‌گیرد تا اینکه نمود روشنی از تحولات بخش حقیقی اقتصاد باشد. گروهی از ذی‌نفعان افزایش نرخ ارز، با هدف کسب منافع کوتاه‌مدت و کسب عایدی از نوسانات ارزی سعی می‌کنند با تحریک افکار عمومی و تشدید انتظارات تورمی، التهاباتی در این بازار ایجاد کنند. بر اساس متغیرهای بنیادین اقتصاد و شاخص‌های موثر اقتصاد کلان، وضعیت نرخ ارز امکان جهش‌های قیمتی را ندارد و می‌تواند در کریدوری مشخص به ثبات نسبی خود ادامه دهد و نوسانات فعلی مقطعی و گذرا خواهد بود.

از عوامل کلیدی در تعیین نرخ ارز، رشد نقدینگی، وضعیت درآمدهای ارزی، وضعیت تجاری و رشد اقتصادی است. طی سال‌های اخیر، مهار رشد نقدینگی و سیاست‌های اتخاذشده توسط بانک مرکزی در ثبات بخشی به بازارهای مالی و دارایی، مانع از جهش‌های مقطعی در نرخ ارز شده است. وضعیت تجاری کشور و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و غیرنفتی، به طور کلی تحولات مثبتی را به ثبت رسانده است. از سوی دیگر، رشد اقتصادی پایدار و سایر عوامل بنیادین اقتصاد به نحوی است که تداوم ثبات نرخ ارز را نشان می‌دهد.

همزمان با افزایش سطح ریسک ژئوپلیتیک، نرخ انس جهانی طلا روندی صعودی را تجربه کرده است و بر همین اساس، افزایش قیمت



احمد مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

اثرگذاری سیاست های بانک مرکزی تورم را کاهشی کرد

- استقلال بانک مرکزی کلید اصلی، حل معضل تورم و کاهش قدرت خرید مردم است
- بسیاری از کشورها به دنبال آن هستند که به صورت منطقه ای در مبادلات خود دلار را حذف کنند، از اینرو پیش بینی می شود تقاضا برای دلار کاهش یابد
- محدودیت های موجود در اختیارات بانک مرکزی، به ویژه در زمینه نرخ بهره، مانع حفظ ارزش پول ملی می شود
- تحقیقات نشان داده که رابطه معناداری بین مدت زمان ریاست بانک مرکزی و نرخ تورم در کشورهای مختلف وجود دارد
- بانک مرکزی تا حدودی توانسته است بازار ارز را مدیریت کند



وضعیت
بانک‌های
نامطلوب فشار
زیادی به بانک
مرکزی وارد
می‌کند و باعث
افزایش تورم
می‌شود

ناترازی بانک‌ها یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی و اقتصادی ایران است که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به آن جلب شده است. این مشکل به‌ویژه در شرایط کنونی که کشور با تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی مواجه است، به یک معضل جدی تبدیل شده و اثرات منفی آن بر اقتصاد ملی به وضوح قابل مشاهده است. ناترازی به شکل‌های مختلفی تفسیر می‌شود، از جمله ناترازی نقدینگی و ناترازی نسبت تسهیلات به سپرده‌ها، که هر کدام پیامدهای خاص خود را دارند. در حال حاضر، برخی بانک‌ها تسهیلاتی بیشتر از میزان سپرده‌های خود پرداخت می‌کنند و این وضعیت به افزایش حجم نقدینگی و در نتیجه، تورم منجر می‌شود.

تورم نه تنها به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، بلکه به کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی نیز دامن می‌زند. در این شرایط، رشد اقتصادی کشور نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سرمایه‌گذاری کافی برای توسعه زیرساخت‌ها و صنایع ضروری به دست نمی‌آید. به‌ویژه در سال‌های اخیر، با توجه به کاهش درآمدهای نفتی و کسری بودجه دولت، بانک‌ها ناگزیر از استقراض از بانک مرکزی شده‌اند که این امر نیز بر ناترازی‌های موجود می‌افزاید.

در گفت‌وگو با احمد مجتهد، رییس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی به بررسی ابعاد مختلف ناترازی بانک‌ها و تأثیرات آن بر اقتصاد ایران خواهیم پرداخت. همچنین، راهکارهایی برای بهبود وضعیت فعلی و کاهش ناترازی‌های بانکی، از جمله ضرورت هماهنگی بین سیاست‌های مالی و پولی و تقویت استقلال بانک مرکزی، مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نهایت، هدف ما بررسی این نکته است که چگونه می‌توان با اتخاذ سیاست‌های مناسب، به بهبود شرایط اقتصادی و رفع ناترازی‌های موجود کمک کرد.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نظام بانکی و اقتصاد ما، ناترازی بانک‌هاست. اخیراً توجه ویژه‌ای به این موضوع شده و راه‌حل‌های مختلفی نیز ارائه

شده است. نظر شما در خصوص اثرات منفی این موضوع بر اقتصاد ایران چیست؟

در مورد ناترازی بانک‌ها، این موضوع به شکل‌های مختلفی تفسیر می‌شود. ابتدا باید دیدگاه خود را در این زمینه بیان کنم. ناترازی ممکن است به چندین شکل وجود داشته باشد؛ اگر منظور ناترازی نقدینگی یا ناترازی نسبت تسهیلات به سپرده‌ها باشد، هر کدام از این موارد معانی متفاوتی دارند. در حال حاضر، آنچه در بانک مرکزی مطرح می‌شود، این است که برخی بانک‌ها تسهیلاتی بیشتر از میزان سپرده‌های خود (پس از کسر سپرده‌های قانونی و ذخایر) پرداخت می‌کنند. این وضعیت به این معناست که این بانک‌ها یا مطالبات بالایی دارند یا ناگزیرند برای تأمین تسهیلات، از بانک مرکزی استقراض کنند.

این ناترازی به افزایش حجم نقدینگی منجر می‌شود که خود عاملی برای ایجاد تقاضا در جامعه است و در نهایت به تورم منجر می‌شود. تورم نه تنها بر تمامی اقشار جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه ارزش پول ملی را در برابر ارزهای دیگر کاهش می‌دهد و این یک مشکل اساسی برای کشور به شمار می‌آید.

در شرایط کنونی و با وجود تحریم‌ها، رشد اقتصادی ما پایین است. یکی از دلایل این امر، عدم سرمایه‌گذاری کافی است؛ به‌طوری که در برخی سال‌ها، میزان استهلاک از رشد سرمایه‌گذاری بیشتر بوده است. این بدان معناست که نتوانسته‌ایم زیرساخت‌های قبلی مانند راه‌آهن، جاده‌ها، نیروگاه‌ها و به‌ویژه صنایع نفت را به‌درستی جایگزین کنیم. با توجه به رشد جمعیت و توسعه شهرنشینی، نیاز به این زیرساخت‌ها روز به روز افزایش می‌یابد.

بنابراین، تعدادی از بانک‌ها (نه همه آن‌ها) ناتراز هستند و ناگزیر از بانک مرکزی استقراض می‌کنند و در برخی مواقع اضافه برداشت دارند. این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد تقاضای اضافی و بروز مشکلات در جامعه شود. در سال‌های گذشته، مجلس شورای اسلامی دولت را از استقراض از بانک مرکزی محدود کرده بود، اما بانک مرکزی ناچار است برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر، به بانک‌ها وام دهد.

متأسفانه، برخی از بانک‌ها وام‌هایی داده‌اند که بازپرداخت نشده و به مطالبات معوق تبدیل شده‌اند، یا سرمایه‌گذاری‌هایی انجام داده‌اند که بازدهی پایین داشته و نتوانسته‌اند آن‌ها را بفروشند. در نتیجه، برخی بانک‌ها در سال‌های

اخیر ناگزیر شده‌اند نرخ‌های بالاتری از نرخ‌های مصوب بانک مرکزی ارائه دهند که این امر رقابت بین بانک‌ها را افزایش می‌دهد و در عین حال، بانک‌ها را زیان‌ده می‌کند. این زیان‌ها به دلیل عدم تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری، از طریق استقراض از بانک مرکزی یا اضافه برداشت جبران شده است.

زیرا هیچ بانکی نمی‌تواند بگوید که تعهدات خود را انجام نمی‌دهد. اگر مشتریان احساس کنند که بانکی قادر به پرداخت مطالباتشان نیست، به بانک‌های دیگر منتقل می‌شوند و این امر می‌تواند آن بانک را به ورشکستگی بکشاند. طبق ماده ۱۴۱ قانون تجارت، بانک‌هایی که بیش از ۵۰ درصد زیان‌ده هستند، ورشکسته محسوب می‌شوند و باید تحت نظارت بانک مرکزی قرار گیرند و ساختار جدیدی برای خروج از ورشکستگی ایجاد شود.

با توجه به اطلاعاتی که بانک مرکزی ارائه کرده و شرایط خاص موجود، نمی‌توان به دقت گفت، اما تقریباً می‌توان گفت که از ۲۹ بانکی که داریم، ۱۵ تا ۱۶ بانک در شرایط خوبی قرار ندارند. این مسئله فشار زیادی به بانک مرکزی وارد می‌کند و متأسفانه باعث افزایش تورم در این سال‌ها شده است. از طرفی، دولت با کسری بودجه مواجه است که بخشی از آن از طریق بانک مرکزی تأمین می‌شود و هنوز هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم ادامه دارد. بخشی از کسری بودجه از طریق اوراق قرضه جبران شده، اما ناترازی هنوز هم زیاد است.

به دلیل تحریم‌های کشورهای غربی، فروش نفت که بخش قابل توجهی از بودجه کشور را تشکیل می‌دهد، کاهش یافته و این نقصان از طریق درآمد مالیاتی جبران نشده است. بنابراین، دولت ناچار است کسری خود را از طریق استقراض از مردم (به صورت اوراق قرضه) یا از بانک مرکزی تأمین کند. در نهایت، بانک‌هایی که ناتراز هستند، همان‌هایی هستند که اضافه برداشت داشته یا از بانک مرکزی استقراض کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین عوامل ناترازی‌ها که در صحبت‌های شما ذکر شد، فشارهایی است که خارج از حوزه بانکداری به نظام بانکی کشور وارد می‌شود، از جمله تسهیلات تکلیفی مجلس و کسری بودجه دولت. در این خصوص، بسیاری بر این باورند که راهکارهایی مانند هماهنگی بانک مرکزی و دولت و کاهش سلطه سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی می‌تواند مؤثر باشد. نظر شما در این زمینه چیست و تا چه اندازه دخالت‌های خارجی در ایجاد ناترازی در نظام بانکی کشور مؤثر است؟

بانک مرکزی وظیفه حفظ ارزش پول ملی را بر عهده دارد؛ به این معنا که باید از کاهش ارزش پول ملی جلوگیری کند. کاهش ارزش پول ملی پیامدهای متعددی دارد، از جمله افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم. این وضعیت می‌تواند به فقر منجر شود.

در چنین شرایطی، استقلال بانک مرکزی کلید اصلی برای حل این مشکلات است. بانک مرکزی طبق قانونی که در سال ۱۳۵۱ تصویب شد، مستقل بود و نظارت آن توسط هیئت نظارت مستقلی انجام می‌شد. رئیس کل بانک مرکزی برای مدت پنج سال انتخاب می‌شد و تغییرات در این سمت محدود بود. اما پس از انقلاب، به تدریج این اختیارات کاهش یافت و اکنون نظارت بر بانک مرکزی توسط چند سازمان انجام می‌شود. بسیاری از رؤسای بانک مرکزی دوره پنج ساله خود را کامل نکرده‌اند و این تغییرات مکرر، سیاست‌ها را دچار نوسان کرده است.

سلطه مالی بر سیاست‌های پولی به این معناست که دولت برای تأمین هزینه‌های

برخی بانک‌ها در سال‌های اخیر ناگزیر شده‌اند نرخ‌های بالاتری از نرخ‌های مصوب بانک مرکزی ارائه دهند که این امر رقابت بین بانک‌ها را افزایش می‌دهد و در عین حال بانک‌ها را زیان‌ده می‌کند



تقویت اختیارات بانک مرکزی، منجر به ثبات اقتصادی می‌شود

توصیه من به دولت و بانک مرکزی این است که بر روی تقویت استقلال و اختیارات بانک مرکزی تمرکز کنند و اجازه دهند که این نهاد به طور مؤثر سیاست‌های پولی را اجرا کند این اقدام می‌تواند به ثبات اقتصادی و کاهش ناترازی‌ها کمک کند.

خود، به‌ویژه پرداخت حقوق، ناگزیر است از بانک مرکزی استقراض کند. در شرایط کنونی، درآمدهای نفتی نیز با محدودیت‌هایی مواجه شده و دولت نمی‌تواند به‌راحتی مالیات‌ها را افزایش دهد. هزینه‌های دولت به‌طور مداوم در حال افزایش است، به‌ویژه با توجه به پیری جمعیت و افزایش تعداد بازنشستگان. همچنین، مجلس در سال‌های گذشته تعهداتی را برای دولت ایجاد کرده که اکنون به بار مالی سنگینی تبدیل شده است.

به‌عنوان مثال، تغییر سن بازنشستگی از ۳۰ سال برای خانم‌ها به ۲۰ سال، بار مالی بیشتری را بر دوش دولت گذاشته است. همچنین، درآمدهای شناسایی شده در بودجه دولت، مانند فروش دارایی‌ها، معمولاً قابل وصول نیستند. این موارد باعث می‌شود که دولت برای تأمین هزینه‌های خود، به استقراض از بانک مرکزی متوسل شود و این استقراض به ناترازی بانک‌ها منجر می‌شود.

به‌طور کلی، عدم انسجام در سیاست‌های پولی و مالی موجب شده که تورم به بالاترین سطوح برسد. تعهدات دولت، از جمله پروژه‌های عمرانی که به‌طور مکرر کلنگ‌زنی می‌شوند، در عمل با مشکلات مالی مواجه هستند و دولت قادر به تأمین مالی آن‌ها نیست. این وضعیت، کسری بودجه را تشدید می‌کند و به ناترازی‌های بانکی دامن می‌زند.

اگر رئیس بانک مرکزی اقتدار کافی داشته باشد، می‌تواند ارزش پول ملی را حفظ کند. اما محدودیت‌های موجود در اختیارات بانک مرکزی، به‌ویژه در زمینه نرخ بهره، مانع از این امر می‌شود. در شرایطی که تورم به ۳۵ تا ۵۰ درصد رسیده، بانک مرکزی نمی‌تواند نرخ سپرده‌ها را افزایش دهد و این موضوع به کاهش قدرت خرید مردم و در نتیجه، به ناترازی‌های مالی دامن می‌زند.

به‌علاوه، دولت با تعیین قیمت‌های دستوری برای برخی کالاها، مشکلات بیشتری را ایجاد می‌کند. این قیمت‌گذاری‌های دستوری منجر به ایجاد بازارهای غیررسمی و کمبود کالاها می‌شود و در نهایت، به زیان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خواهد شد. به‌طور کلی، هر بار که دولت سعی می‌کند یک مشکل را حل کند، مشکلات جدیدی ایجاد می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که برای حل ناترازی‌های بانکی و مالی، نیاز به هماهنگی بیشتر بین دولت و بانک مرکزی و کاهش سلطه سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی وجود

دارد. این هماهنگی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تورم کمک کند.

اشاره کردید که منشأ بیشتر ناترازی‌ها خارج از نظام بانکی است، اما برخی از مشکلات نیز به شیوه‌های مدیریتی بانک‌ها برمی‌گردد. اقداماتی که بانک مرکزی در جهت برطرف کردن این ضعف‌های داخلی انجام داده، مانند کنترل ترازنامه بانک‌ها و ادغام‌های صورت گرفته، تا چه اندازه مؤثر بوده است؟

متأسفانه ناترازی بانک‌ها از زمانی آغاز شد که تعدادی از صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌طور غیرقانونی و بدون نظارت کافی شروع به فعالیت کردند. برخی از بانک‌های دولتی و نیمه‌دولتی نیز مجوزهایی دریافت کردند و در نتیجه دچار مشکلات مالی شدند. یکی از اقداماتی که بانک مرکزی در یک مقطع انجام داد، ادغام این صندوق‌های قرض‌الحسنه بود. اما ادغام موسسات زیان‌ده به‌طور معمول مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند زیان‌ها را تشدید کند. بسیاری از این موسسات در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کرده بودند که ارتباطی با فعالیت‌های قرض‌الحسنه نداشت و در نتیجه زیان‌ده شدند.

این ادغام‌ها باعث شد که زیان‌های این صندوق‌ها به بانک‌ها منتقل شود و در نهایت، بانک‌ها نیز زیان‌ده شدند. در این شرایط، بانک مرکزی مجبور شد به این بانک‌ها وام و اعتبار با نرخ‌های پایین ارائه دهد تا مشکلات را موقتی حل کند. این روش منجر به افزایش تعداد بانک‌های زیان‌ده شد.

نظارت و کنترل بانک مرکزی بر این بانک‌ها به دلیل نفوذ برخی از سهامداران و نهادها به‌درستی انجام نشد. در این مدت، بانک مرکزی اقداماتی مانند انحلال برخی موسسات اعتباری را انجام داد، اما این اقدام نیز با چالش‌هایی همراه بود، زیرا مشتریان این موسسات باید به کجا منتقل می‌شدند.

ادغام بانک‌های نظامی در یک بانک نیز یکی از اقداماتی بود که به‌عنوان یک گام مثبت تلقی می‌شد، اما در عمل باعث افزایش زیان‌های این بانک شد. اکنون حدود ۱۵ تا ۱۶ بانک وجود دارند که یا زیان‌ده هستند یا کفایت سرمایه آن‌ها طبق مقررات مورد نیاز نیست.

هرچه مدت
ریاست
بانک مرکزی
طولانی تر و ثبات
بیشتری داشته
باشد نرخ تورم
پایین تر خواهد
بود

مرکزی در سال اول تغییر نکند، اما به نظر من این ثبات باید حفظ شود. تحقیقات نشان داده اند که رابطه معناداری بین مدت زمان ریاست بانک مرکزی و نرخ تورم در کشورهای مختلف وجود دارد. به ویژه، اگر صندوق بین المللی پول این تحقیق را انجام داده باشد. هر چه مدت ریاست بانک مرکزی طولانی تر باشد و ثبات بیشتری داشته باشد، نرخ تورم پایین تر خواهد بود.

زیرا برخی از سیاست های پولی زمان بر هستند. اگر من امروز رئیس بانک مرکزی باشم و سیاستی را برای کاهش تورم اتخاذ کنم، رئیس بانک مرکزی بعدی ممکن است این سیاست را تغییر دهد و این تغییر می تواند به ادامه تورم منجر شود. بنابراین، سیاست های پولی به طور طبیعی زمان بر هستند و نمی توان انتظار داشت که با تغییرات سریع، نرخ تورم ۵۰ درصدی به ۶ درصد کاهش یابد. این کار نیاز به زمان دارد و تدریجی است و به ویژه نیازمند همکاری و هماهنگی بین سیاست های پولی و مالی است.

اگر این هماهنگی وجود نداشته باشد، بانک مرکزی عملاً قادر نخواهد بود سیاست های پولی بلندمدت خود را به درستی اجرا کند. بنابراین، رئیس بانک مرکزی باید دوره ای بلندمدت داشته باشد تا بتواند سیاست های خود را به طور مؤثر اعمال کند و به ثبات اقتصادی کمک نماید.

آیا نکته یا توصیه ای دارید که

به دولت جدید و بانک مرکزی

پیشنهاد کنید که انجام دهند؟

نکته اساسی در تمامی بحث های مربوط به سیاست های پولی و اقتصادی این است که باید از اصول علم اقتصاد پیروی کنیم. زمانی که این اصول کنار گذاشته می شوند، به طور طبیعی با ناترازی مواجه خواهیم شد. علم اقتصاد به ما می گوید که عرضه و تقاضا باید در تعادل باشند. وقتی با قیمت های دستوری و اعمال محدودیت ها وارد یک سیستم می شویم، این خود به ناترازی منجر می شود. در شرایط خاص، مانند جنگ، ممکن است این رویکرد لازم باشد، اما در شرایط عادی باید اجازه دهیم عرضه و تقاضا به طور طبیعی با یکدیگر تعادل برقرار کنند.

سیاست های پولی و مالی به یکدیگر وابسته اند. اگر سیاست مالی دولت منجر به کسری بودجه شود، این کسری باید از جایی تأمین شود، که

در این شرایط، اجازه ورشکستگی بانک ها می تواند به بهبود وضعیت بانک های سالم کمک کند. در کشورهای دیگر، ورشکستگی بانک ها امری طبیعی است و به طور مداوم تعدادی از آن ها منحل می شوند. اما در ایران، این روند به دلیل ملاحظات اجتماعی و اقتصادی، به سختی انجام می شود.

گسترش بیش از حد شعب بانک ها نیز یکی دیگر از مشکلات است. بسیاری از بانک ها هزاران شعبه دارند که با توجه به پیشرفت بانکداری الکترونیک، دیگر نیازی به آن ها نیست. این موضوع نه تنها به افزایش هزینه های بانک ها منجر می شود، بلکه بیکاری نیز ایجاد می کند. در این شرایط، بانک مرکزی تحت فشار قرار می گیرد و مجبور می شود تا پرسنل بانک های منحل شده را به بانک های دیگر منتقل کند، که این نیز بار مالی بیشتری به آن ها تحمیل می کند.

در نهایت، برای حل این مشکلات نیاز به سرمایه گذاری داخلی و خارجی داریم. تا زمانی که سرمایه گذاری کافی وجود نداشته باشد، رشد اقتصادی و اشتغال نیز افزایش نخواهد یافت. در شرایط کنونی، با وجود تحریم ها، راه حل سریع و منسجمی وجود ندارد و هر پیشنهادی نیاز به زمان دارد.

بانک مرکزی باید اقتدار خود را حفظ کند و اختیارات کافی برای مدیریت سیاست های پولی داشته باشد. در غیر این صورت، شاهد ادامه مشکلاتی مانند تورم، بیکاری و کاهش ارزش پول ملی خواهیم بود. برنامه ریزی های بانک مرکزی برای مدیریت بانک های زیان ده و بهبود کفایت سرمایه آن ها، در صورتی که به درستی اجرا شود، می تواند به بهبود وضعیت کمک کند. اما ادغام بانک های زیان ده به تنهایی راه حل مؤثری نخواهد بود و باید به انحلال آن ها نیز توجه شود، البته با در نظر گرفتن مشکلات مربوط به کارکنان آن ها.

با توجه به مواردی که گفتید، آیا

ثبات مدیریتی در بانک مرکزی

را به دولت توصیه می کنید؟

۱۰۰ درصد همان طور که اشاره کردم، در قانون پولی و بانکی، دوره ریاست بانک مرکزی باید از دوره ریاست جمهوری و مجلس بیشتر باشد. این تصمیم به دلیل این است که تغییرات سیاسی و مدیریتی در مجلس یا ریاست جمهوری نباید بر ثبات سیاست های پولی تأثیر بگذارد. متأسفانه، این قانون تغییر کرده و گفته شده که رئیس بانک



رئیس
بانک مرکزی
باید دوره‌ای
بلند مدت
داشته باشد
تا بتواند
سیاست‌های
خود را به طور
مؤثر اعمال کند

معمولاً یا از طریق اوراق قرضه است که باید از مردم تأمین شود یا از بانک مرکزی. در این شرایط، ناترازی به وجود می‌آید و بانک مرکزی، در صورت نداشتن اختیارات کافی، نمی‌تواند جلوی این ناترازی را بگیرد.

به عنوان کسی که در مباحث اقتصادی و بانکداری فعالیت داشته‌ام، اعتقاد دارم که باید اختیارات بانک مرکزی را به رسمیت بشناسیم و از دخالت در آن خودداری کنیم. بانک مرکزی باید اجازه داشته باشد که سیاست‌های خود را به طور مستقل اجرا کند. در سال اخیر، بانک مرکزی تا حدی موفق شده است که سیاست‌های پولی را اعمال کند، هرچند که این اقدامات ناقص بوده است. با این حال، کاهش تورم نشان‌دهنده پیشرفت است. وقتی تورم پایین می‌آید، کارمندان و حقوق‌بگیران احساس می‌کنند که ارزش پول‌شان به تدریج بازمی‌گردد.

با این حال، ما همچنان شاهد افزایش قیمت کالاها و مواد خوراکی هستیم، حتی با تمهیداتی که دولت برای واردات برخی کالاها انجام داده است. تولیدکنندگان، مانند مرغ‌داران، در پاسخ به قیمت‌های تحمیلی، ممکن است از ادامه فعالیت خودداری کنند و این امر منجر به کمبود کالا می‌شود. دولت ممکن است به واردات یا تأمین از سردخانه‌ها روی آورد، اما این‌ها پیامد سیاست‌های دستوری هستند. تولیدکنندگان باید سودآور باشند تا بتوانند ادامه دهند؛ در غیر این صورت، زیان‌های آن‌ها بر دوش همه ملت خواهد افتاد و دولت ناچار به افزایش مالیات‌ها خواهد بود.

بنابراین، باید بر روی کاهش تورم تمرکز کنیم. اگر تورم کاهش یابد، سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند، می‌توانیم سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنیم و فعالیت‌های اقتصادی را رشد دهیم. این امر به طور مستقیم به وجود یک بانک مرکزی قوی و مستقل وابسته است. ارزیابی من این است که در یک سال اخیر، به طور کلی در این جهت حرکت کرده‌ایم، هرچند که هنوز بانک مرکزی اختیارات کافی ندارد.

در نهایت، توصیه من به دولت و بانک مرکزی این است که بر روی تقویت استقلال و اختیارات بانک مرکزی تمرکز کنند و اجازه دهند که این نهاد به طور مؤثر سیاست‌های پولی را اجرا کند. این اقدام می‌تواند به ثبات اقتصادی و کاهش ناترازی‌ها کمک کند.

در هفته‌های اخیر قیمت جهانی طلا افزایش‌های قابل توجهی را تجربه کرده است، برخی از کارشناسان افزایش نرخ طلا را ناشی از رشد نرخ‌ها در بازارهای جهانی عنوان می‌کنند. ارزیابی جنابعالی از این موضوع چیست؟

قیمت طلا در بازارهای جهانی در حال افزایش است. زمانی نرخ هر اونس طلا ۱۴۰۰ دلار بود که در حال حاضر به ۲۸۰۰ دلار رسیده است، یعنی نزدیک به دو برابر رشد قیمت را تجربه کرده است. البته دلایلی برای آن می‌توان مطرح کرد، از جمله درگیری‌های روسیه و اوکراین، درگیری‌ها در منطقه خاورمیانه و غیره.

روسیه و چین سعی بر تبدیل ذخایر دلاری خود به طلا دارند و با توجه به این موارد، تقاضا برای طلا در سطح جهانی مرتباً در حال افزایش است. از سوی دیگر، برخی کشورهای اروپایی ذخایر کشورهایی مانند چین و روسیه را تحت عنوان تحریم و غیره مسدود می‌کنند و این‌ها نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد. در شرایط فعلی، بیشترین میزان ذخایر دلار را چین و روسیه به میزان ۱۰۰۰ میلیارد دلار به خود اختصاص داده‌اند و البته برخی کشورها نیز به دنبال جایگزینی برای دلار می‌گردند. در حال حاضر، بسیاری از کشورها به دنبال آن هستند که به صورت منطقه‌ای یا بلوکی در مبادلات‌شان دلار را حذف کنند و بر این اساس پیش‌بینی می‌شود که تقاضا برای دلار کاهش یابد. در کشورمان طلا و دلار به عنوان دو مقوله به هم مرتبط مطرح هستند. اگر فرضاً با افزایش قیمت طلا در بازارهای جهانی، بانک مرکزی ایران بخواهد در داخل جلوی افزایش نرخ آن را بگیرد، باید عرضه را بیشتر کند و این به معنای خروج ارز بیشتر از کشور است. بعید است که رشد قیمت طلا بیش از ارزش دلار شود، البته بانک مرکزی این موارد را مدیریت کرده است. در عین حال، وقتی تورم بالا باشد، مردم برای حفظ ارزش پول خود به سراغ خرید کالاهای بادوام مثل ارز و طلا می‌روند. این موضوع را هم باید یادآور شد که طلا کالای مورد نیاز مردم نیست و صرفاً به عنوان ذخیره خریداری می‌شود، بنابراین با توجه به این مسائل، افزایش قیمت آن طبیعی است و بانک مرکزی اجباری برای پایین نگه داشتن قیمت طلا ندارد و باید اجازه دهد که قیمت آن با توجه به نرخ‌های جهانی همسو باشد و اگر بانک مرکزی بخواهد در این راستا طلا وارد کند، اقتصادی نیست.

"تام لی"، استاد دانشگاه پومونا آمریکا در گفت وگو با تازه‌های اقتصاد:

تحولات بین‌المللی بر اقدامات بانک‌های مرکزی تاثیر مستقیم دارد

- افزایش درآمد و طراحی سیاست‌های اقتصادی برای حل مشکل بیکاری، می‌تواند انتظارات منفی جامعه را کاهش دهد

- تدوین سیاست‌های پولی مناسب و سیاست‌های انقباضی توسط بانک‌های مرکزی در کاهش تورم اثرگذار است

- رسانه‌ها بر افکار عمومی تاثیرات غیرقابل اجتنابی دارند و می‌توانند انتظارات تورمی ایجاد کنند



۱۱



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

فشار قیمت‌ها که ناشی از درگیری‌های ژئوپلیتیکی و اختلالات عرضه در دریای سرخ است، وجود دارد. جهان در شرایط فعلی راه‌های زیادی برای کنترل تورم فزاینده پیش روی خود نمی‌بیند. موج‌های تورمی پیاپی، اقتصادها را فرسوده کرده و فشار زیادی به رفاه خانوارها و به ویژه افراد کم‌درآمد و دارای درآمد ثابت وارد می‌کند،

"تام لی" معتقد است که درست مانند بیماری همه‌گیر کرونا، جنگ‌ها بر عملکرد بانک‌های مرکزی در سراسر جهان تاثیرگذار بوده است. چشم‌انداز اقتصاد جهانی تعادل شکننده‌ای دارد و تورم بر آن تاثیر می‌گذارد.

در حالی که به نظر می‌رسد تورم جهانی در حال کاهش است، خطر موج دوم

تدوین
سیاست‌های
مالیاتی
منصفانه
افزایش تولید
و در نتیجه
افزایش درآمد
مردم می‌تواند
باعث کاهش
تورم در اقتصاد
شود



• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

چرا که نمی‌توانند درآمد خود را به اندازه تورم افزایش دهند. علاوه بر این، بازار کار قوی‌تر از حد انتظار می‌تواند تقاضای مصرف‌کننده و قیمت‌ها را افزایش دهد. در حالی که به نظر می‌رسد شوک‌های تورمی ناشی از همه‌گیری کرونا تمام شده است، برخی عوامل می‌توانند تورم را افزایش دهند. فشارهای ژئوپلیتیکی، افزایش هزینه‌های حمل و نقل به دلیل درگیری در خاورمیانه و دریای سرخ و قیمت انرژی می‌تواند در عرضه اختلال ایجاد کرده و تورم را افزایش دهد. همچنین تقاضای زیاد مصرف‌کننده و رشد مداوم دستمزدها که در سال ۲۰۲۳ حدود دو برابر میانگین قبل از همه‌گیری در کشورهای پیشرفته افزایش یافت نیز می‌تواند باعث افزایش مصرف و رشد قیمت‌ها شود. افزایش هزینه‌های مسکن و تهیه سرپناه، حدود یک سوم از شاخص قیمت مصرف‌کننده را تشکیل می‌دهد که به طور کلی بزرگترین جزء آن است. اگر قیمت‌ها شتاب بگیرند، ریسک‌های تورمی قوی‌ای را به همراه دارد. در این راستا هفته‌نامه "تازه‌های اقتصاد"، گفت‌وگویی با "تام لی"، استاد دانشگاه پومانا آمریکا داشته که در ادامه می‌آید. حوزه‌های مطالعاتی وی امنیت پژوهی است. مقالات و کارهای مطالعاتی وی در نشریات و رسانه‌های معتبر بین‌المللی از جمله مجله "امنیت و امور بین‌الملل آسیایی"، "فارن افیرز"، واشنگتن پست، هیل و دیپلمات منتشر شده است. وی مدرک دکترای خود را از دانشگاه کالیفرنیا، ایروین گرفته است. وی محقق سابق فولبرایت و عضو بنیاد صلح ساساکاوا ژاپن است.

مسئله تورم و کاهش قدرت خرید، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائلی است که بسیاری از کشورها با آن مواجه هستند. راهکارهای نوین برای مهار تورم چیست؟

تدوین سیاست‌های مالیاتی منصفانه، افزایش تولید و در نتیجه افزایش درآمد مردم می‌تواند باعث کاهش تورم در اقتصاد شود. هر اقتصادی ویژگی‌ها و نقاط ضعف مخصوص خود را دارد، اما اینگونه سیاست‌ها در هر جامعه اقتصادی، جهت کاهش تورم تأثیرگذار خواهد بود. افزایش درآمد جامعه، تدوین سیاست‌های اقتصادی جهت حل مشکل بیکاری و افزایش اشتغال می‌تواند انتظارات منفی را در جامعه کاهش دهد.

بانک‌های مرکزی در مواجهه با معضل تورم چگونه باید رفتار کنند؟ چقدر جلوگیری از بروز نوسان در بازار ارز، می‌تواند به حل مسئله تورم کمک کند؟

تدوین سیاست‌های پولی مناسب و سیاست‌های انقباضی توسط بانک‌های مرکزی می‌تواند در کاهش تورم اثرگذار باشد. اما موج تورمی که اکنون بیشتر اقتصادها با آن درگیر هستند و تحت تأثیر بیماری همه‌گیر کرونا نیز تقویت شده است، به تلاش‌های بیشتری نیاز دارد.

نقش سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای بانک‌های مرکزی را در کاهش انتظارات منفی جامعه و آگاه‌سازی مردم نسبت به تصمیمات ضد تورمی دولت‌ها موثر می‌دانید؟

سیاست‌های رسانه‌ای تأثیرگذار هستند. رسانه‌ها بر افکار عمومی تأثیرات غیرقابل اجتنابی دارند و می‌توانند انتظارات تورمی ایجاد کنند. اما نباید در مورد نقش رسانه‌ها بزرگنمایی کرد و از سایر متغیرها غافل بود. درآمد مردم و توان خرید، مسائلی هستند که توسط مردم در جامعه لمس می‌شوند، بنابراین باید برای این قبیل مسائل تمرکز کرد.

آیا وقوع تنش‌های سیاسی، جنگ‌ها و تحولات ناگهانی در جهان، بر اقدامات بانک‌های مرکزی تأثیر منفی دارند؟ آیا تنش سیاسی، اثرگذاری تصمیمات بانک‌های مرکزی را کاهش می‌دهد؟

بله تنش‌های سیاسی، اثرگذاری تصمیمات بانک‌های مرکزی را کاهش می‌دهد. تحولات بین‌المللی مانند بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ به شدت زنجیره تأمین را تحت تأثیر قرار داد و باعث افزایش تورم در سراسر جهان شد. جنگ اوکراین و جنگ در غزه نیز بر عملکرد بانک‌های مرکزی در سراسر جهان تأثیرگذار بوده است. بنابراین این نکته حائز اهمیت است که تأثیرات منفی بر اقتصاد، صرفاً مولفه‌ها و متغیرهای اقتصادی نیستند. عوامل سیاسی و متغیرهای ژئوپلیتیک نیز بر اقتصادها تأثیرگذار هستند و تصمیمات بانک‌های مرکزی را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

عیسی کاظم نژاد، رئیس سابق هیات مدیره بانک مسکن
در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

همه ابزارهای کنترل تورم در اختیار بانک مرکزی نیست

- کنترل مؤثر نرخ تورم، نیاز به ابزارهای متنوعی دارد که تنها در اختیار بانک مرکزی نیست
- یکی از علل اصلی ناترازی بانک ها، تکالیف سنگینی است که بردوش آنها گذاشته شده است
- اگر دولت چهاردهم بتواند مذاکراتی را برای گشایش در امور بانکی انجام دهد، شاهد کاهش نرخ ارز و تورم خواهیم بود
- بانک مرکزی در دو سال گذشته تلاش های زیادی برای کنترل نرخ تورم انجام داده است
- پیشنهاد من به دولت این است که هزینه های خود را کمتر از طریق بانک ها تأمین کند و بار کمتری بردوش آنها بگذارد



۱۳



اقتصاد تازه ها

• شماره ۶۳ - آبان ۱۴۰۳ •

اگر تمام تکالیف دولت بردوش سیستم بانکی قرار گیرد این سیستم نمی تواند به درستی به مردم خدمات ارائه دهد

در سال های اخیر، اقتصاد ایران با چالش های جدی نظیر نرخ بالای تورم و نوسانات شدید ارزی مواجه بوده است. در این راستا، بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول سیاست گذاری پولی، اقداماتی را برای ایجاد ثبات در بازار و کنترل تورم انجام داده است. بر این اساس، نرخ تورم در سال گذشته روند نزولی به خود گرفته و آمارهای اقتصادی خبر از تداوم این روند می دهد. در گفت و گو با عیسی کاظم نژاد، رئیس سابق هیات مدیره بانک مسکن، به بررسی اقدامات بانک مرکزی در دو سال گذشته و تأثیر آن بر ناترازی بانک ها خواهیم پرداخت. ناترازی بانک ها، به دلیل افزایش هزینه ها و کاهش درآمدها، به یکی از مسائل اساسی تبدیل شده است که نیاز به توجه ویژه دارد. همچنین، بررسی چگونگی تأثیر این ناترازی بر اضافه برداشت بانک ها و رشد پایه پولی و به تبع آن کنترل نرخ تورم از دیگر مباحث مهم این گفت و گو خواهد بود. با توجه به اصلاح قانون بانک مرکزی، اقداماتی که این نهاد می تواند در مقابل تکالیف دولت انجام دهد و چشم انداز اقتصادی ایران در آینده، محورهای اصلی بحث ما خواهند بود.

یکی از اقدامات بانک مرکزی در دو سال گذشته ثبات نرخ بازار و کنترل نرخ تورم بوده است. در این زمینه نظرتان چیست؟

بانک مرکزی در دو سال گذشته تلاش های زیادی برای کنترل نرخ تورم انجام داده است. با این حال، در سال گذشته کاهش تورم از آنچه هدف سیاست گذار بود کندتر رخ داد. برای کنترل مؤثر نرخ تورم، نیاز به ابزارهای متنوعی است که تنها در اختیار بانک مرکزی نیست. بنابراین، نیاز به سیاست ها و ابلاغ های جدید احساس می شود و امیدواریم که در دولت چهاردهم شاهد تغییرات مثبتی در این زمینه باشیم و به کاهش نرخ تورم دست یابیم.

بانک مرکزی اقداماتی را برای رفع ناترازی بانک ها و تلاش هایی را برای کنترل کسری بودجه انجام داده است. این اقدامات را چگونه ارزیابی می کنید؟

بانک ها به طور کلی سه منبع درآمد اصلی دارند:

اول، دارایی و سرمایه ای که خودشان دارند، که به خصوص در مورد بانک های دولتی، این سرمایه معمولاً محدود و غالباً غیرمنقول است. دوم، وجوهی که از سپرده گذاران جمع آوری می کنند و وظیفه بانک ها واسطه گری پولی است، یعنی پول را از سپرده گذاران دریافت کرده و در اختیار تولیدکنندگان قرار می دهند و در عوض سود و کارمزد دریافت می کنند. سوم، کارمزدهای خدمات بانکی و خدمات ضمانت نامه ها که معمولاً رقم قابل توجهی نیست. افزایش هزینه ها و کاهش درآمدها بانک ها منجر به ناترازی در حساب های آنها شده است. در قانون بودجه، تکالیفی برای بانک ها تعیین می شود که باید از محل منابع سپرده گذاران انجام شوند. این تکالیف به راحتی بر نمی گردند و زمان زیادی برای جبران نیاز دارند. در این میان، بانک ها باید به سپرده گذاران سود پرداخت کنند و اگر تسهیلاتی که پرداخت کرده اند به موقع بازنگردد، کمبود نقدینگی ایجاد می شود. این موضوع بانک ها را مجبور می کند تا هزینه های خود را از منابع دیگر تأمین کنند، در حالی که ۸۵ تا ۹۰ درصد هزینه های بانک ها هزینه عملیاتی به ویژه سودهای پرداختی به سپرده گذاران است که باید به موقع پرداخت شود. تکالیف سنگینی که بر دوش بانک ها قرار دارد، به ویژه در قانون بودجه اخیر، باعث شده است که اگر بانک ها نتوانند این تکالیف را انجام دهند، با تخلفات انتظامی مواجه شوند. به همین دلیل، بسیاری از بانک ها با احتیاط بیشتری تسهیلات پرداخت می کنند و برخی از آنها تسهیلات را قفل کرده اند. آنها ناچارند برای تأمین نقدینگی از تسهیلات بین بانکی یا منابع بانک مرکزی استفاده کنند، که این امر منجر به افزایش پایه پولی و در نهایت تورم می شود. بانک مرکزی تلاش دارد تا جلوی این مشکلات را بگیرد، اما به دلیل تکالیف سنگین، وضعیت بانک ها به ویژه بانک های دولتی همچنان چالش برانگیز است. برای مثال، بسیاری از متقاضیان وام قرض الحسنه ازدواج بیش از یک سال در انتظار پرداخت هستند و طرح های ملی مانند نهضت ملی مسکن و اشتغال زایی نیز بر دوش بانک ها قرار دارد. در شرایطی که تورم بالای ۴۰ درصد است، تولیدکنندگان به نقدینگی بیشتری نیاز دارند و تقاضایشان از بانک ها افزایش می یابد. اگر بانک ها نتوانند این تقاضاها را پاسخ دهند، تولیدکنندگان مجبور به کاهش تولید یا تأمین منابع از بازارهای

دیگر با هزینه‌های بالاتر می‌شوند که این امر به افزایش قیمت‌ها و تشدید تورم منجر می‌شود. به طور کلی، اگر قرار است اقدامی مؤثر برای کاهش تورم انجام شود، نیاز است که همه این عوامل به صورت هماهنگ تنظیم شوند تا به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تورم منجر شود.

بانک مرکزی پیش‌بینی کرده با توجه به بهبود روند کل‌های پولی از جمله کاهش نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی، زمینه کاهش تورم فراهم شده است. با روندی که در پیش گرفته شده، چه توصیه‌ای برای سیاست‌گذاران پولی دولت چهاردهم دارید؟

پیشنهاد من به دولت این است که هزینه‌های خود را کمتر از طریق بانک‌ها تأمین کند و بار کمتری بر دوش آنها بگذارد. به اعتقاد من، در طبیعت وقتی جایی با مشکل مواجه می‌شود، آن را رها می‌کنند و می‌گویند که طبیعت خود را بازسازی می‌کند. به همین ترتیب، اگر دولت در بودجه سنواتی آینده تکالیف کمتری بر دوش بانک‌ها بگذارد، این بانک‌ها می‌توانند در چند سال آینده به ثبات مطلوبی دست یابند. اما اگر تکالیف ادامه یابند، سیستم بانکی قادر نخواهد بود به درستی عمل کند. سیستم بانکی به خصوص امسال در شرایط سختی قرار دارد. بسیاری از بانک‌ها حتی در پرداخت وام‌های خُرد نیز مشکل دارند و به دلایل مختلف، به جمع‌آوری منابع با درصدهای بالای سود روی آورده‌اند تا خط قرمزهای برداشت از بانک مرکزی را رعایت و از تخلفات انتظامی جلوگیری کنند. یکی از نکات منفی، انتشار اوراق با نرخ ۳۰ درصد بود که باعث شد بسیاری از سپرده‌ها تبدیل شوند و هزینه‌های بانک‌ها افزایش یابد.

سیستم بانکی با رقبایی مانند طلا، ارز، بورس، خودرو و مسکن مواجه است. امیدواریم دولت چهاردهم با توجه به تیم اقتصادی قوی خود اقدامات مؤثری انجام دهد. در این مدت کوتاه شاهد ثبات قیمت‌ها هستیم و امیدواریم این ثبات ادامه یابد. اقتصاد کشور ما به شدت به سیاست وابسته است و به محض تغییر سیاست‌ها، تغییرات شدیدی در اقتصاد مشاهده می‌شود. امیدواریم در این بخش نیز تعادلی برقرار شود تا وضعیت اقتصادی کشور بهبود یابد.

با توجه به اینکه بازار ارز تا حدی در کنترل بانک مرکزی قرار گرفته است، ادامه این روند چقدر در کنترل نرخ تورم مؤثر خواهد بود؟

مسلماً اگر ثبات و کاهش نرخ ارز داشته باشیم، تأثیر مثبتی بر کاهش تورم خواهد داشت. زیرا بیشتر مواد اولیه اساسی ما از خارج تأمین می‌شود و وابستگی به ارز خارجی داریم. اگر ارز به اندازه کافی در دسترس باشد، می‌تواند تأثیر اصلی را بر کنترل تورم داشته باشد. یکی از مشکلات اساسی ما این است که به دلیل تحریم‌ها و عدم ارتباط با سیستم‌های بانکی بین‌المللی، نمی‌توانیم ارز را به راحتی وارد کشور کنیم. سال‌هاست که سیستم سوئیفت بسته شده و ما مجبور به استفاده از صرافی‌ها و واسطه‌ها برای انتقال ارز هستیم که این امر هزینه‌هایی را برای کسب و کارها و تولیدکنندگان به همراه دارد. تا زمانی که نتوانیم ارتباط خود را با بازارهای بین‌المللی برقرار کنیم و ارز کافی وارد کنیم، مشکلات موجود در بازار ادامه خواهد داشت. بانک مرکزی نیز به دلیل محدودیت‌های ارزی، نمی‌تواند تمام درخواست‌های مردم را تأمین کند و به همین دلیل اولویت‌بندی کرده و بر

اگر دولت در بودجه سنواتی آینده تکالیف کمتری بر دوش بانک‌ها بگذارد، بانک‌ها می‌توانند در چند سال آینده به ثبات مطلوبی دست یابند



همکاری بانک مرکزی و دولت برای بازگشت مطالبات بانکی

یکی از مسائل کلیدی که باید به آن پرداخته شود، مطالبات معوق بانک هاست. بانک مرکزی و دولت باید همکاری کنند تا این مطالبات به چرخه اقتصادی برگردند. این کار می‌تواند به بهبود نقدینگی بانک‌ها و افزایش توان آنها در ارائه تسهیلات جدید کمک کند.

بانک مرکزی به دلیل محدودیت‌های ارزی نمی‌تواند تمام درخواست‌های مردم را تأمین کند و به همین دلیل اولویت‌بندی کرده و بر روی کالاهای اساسی تمرکز دارد

روی کالاهای اساسی تمرکز دارد. وجود چند نرخ ارز در سیستم نیز به دلیل محدودیت‌های بانک مرکزی است. این محدودیت‌ها باعث افزایش تقاضا و قیمت در بازار می‌شود. مانتها زمانی می‌توانیم به ثبات برسیم که ارز مورد نیاز جامعه تأمین شود. طبق آمار، مردم به طور نقدی ارز را در خانه‌های خود نگه می‌دارند تا ارزش ریالی دارایی‌هایشان را حفظ کنند و نه برای داد و ستد. افرادی که ارز نگه می‌دارند، عمدتاً به دنبال حفظ ارزش دارایی‌های خود هستند. اگر دولت چهاردهم بتواند مذاکراتی را برای گشایش در امور بانکی انجام دهد و انتقال ارز به کشور را تسهیل کند، قطعاً شاهد کاهش نرخ ارز و تورم خواهیم بود و وضعیت اقتصادی بهبود خواهد یافت. این موضوع به سیاست‌های اتخاذ شده بستگی دارد. بسیاری از تولیدکنندگان صادراتی با مشکلاتی در بازگشت ارز خود مواجه هستند و زمانی که ارز خود را برمی‌گردانند، مجبورند آن را با قیمتی کمتر از بازار بفروشند. بنابراین، حوزه‌های مختلفی مانند ماشین، مسکن، طلا و ارز باید به طور هماهنگ عمل کنند تا این مشکلات حل شود. امیدواریم دولت چهاردهم با توجه به تیم اقتصادی قوی خود، اقدامات مؤثری را انجام دهد. همچنین، بانک مرکزی به عنوان ناظر بر عملکرد بانک‌ها، باید نظارت بیشتری بر بانک‌های غیردولتی داشته باشد. در سال‌های گذشته، نظارت کافی بر بانک‌های غیردولتی وجود نداشته و این موضوع منجر به بروز مشکلاتی برای آنها شده است. بنابراین، امیدواریم نظارت بانک مرکزی به طور کامل و یکپارچه بر تمام بانک‌ها اعمال شود.

چه اقدامات پیشگیرانه‌ای می‌توان انجام داد تا بانک‌ها دچار ناترازی نشوند؟

یکی از علل اصلی ناترازی بانک‌ها، تکالیف سنگینی است که بردوش آنها گذاشته شده است. به همین دلیل، بانک مرکزی باید تلاش کند تا این تکالیف را به ویژه برای بانک‌هایی که ناترازی بیشتری دارند، کاهش دهد. علاوه بر این، بانک مرکزی باید نظارت دقیقی بر هزینه‌ها و تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت می‌کنند، داشته باشد. این نظارت در حال حاضر در حال انجام است، اما اهمیت آن در کنترل ناترازی بانک‌ها بیشتر می‌شود. یکی از جنبه‌های کلیدی که باید تحت

کنترل قرار گیرد، سودهای پرداختی بانک‌ها به سپرده‌گذاران است. برخی از بانک‌ها سودهای بالاتری پرداخت می‌کنند که این موضوع باید به دقت کنترل شود. در بانک‌های دولتی، به دلیل ناترازی، پرداخت سود به سپرده‌گذاران به شدت محدود شده است، در حالی که بانک‌های خصوصی به دلیل عدم وجود تکالیف، می‌توانند در این زمینه انعطاف بیشتری داشته باشند. بانک مرکزی باید در این زمینه تفکر اساسی کند. اگر تمام تکالیف دولت بر دوش سیستم بانکی قرار گیرد، این سیستم نمی‌تواند به درستی به مردم خدمات ارائه دهد. نیاز است که اگر تکالیفی ایجاد می‌شود، به طور عادلانه بر دوش همه نهادها تقسیم شود و هر نهاد به اندازه توان خود این تکالیف را انجام دهد. همچنین، بانک‌های دولتی باید فرصتی برای تنفس داشته باشند تا بتوانند به بهبود وضعیت خود بپردازند و در نتیجه به اقتصاد کمک کنند. در نهایت، ایجاد یک نظام نظارتی مؤثر و عادلانه، همچنین کاهش بار تکالیف بردوش بانک‌ها، می‌تواند به پیشگیری از ناترازی و تقویت ثبات مالی در سیستم بانکی کمک کند.

بانک مرکزی باید چه اقداماتی انجام دهد تا بانکی که دچار ناترازی شده است، از این وضعیت خارج شود؟

برای خروج یک بانک از وضعیت ناترازی، این بانک باید ابتدا سیاست‌های کلی خود را تدوین و تنظیم کند تا بتواند هزینه‌ها و درآمدهای خود را به تراز برساند. در این راستا، بانک باید برنامه‌ریزی دقیقی برای مدیریت هزینه‌ها و درآمدها داشته باشد. این شامل وصول مطالبات معوق و فروش اموال مازاد است که می‌تواند به بهبود وضعیت مالی کمک کند. بانک مرکزی نیز باید نظارت دقیقی بر فعالیت‌های آن بانک داشته باشد، به ویژه در زمینه پرداخت تسهیلات و مدیریت هزینه‌ها. این نظارت می‌تواند به شفافیت و بهبود عملکرد بانک کمک کند. بانک مرکزی باید از ارائه خط اعتباری به بانک‌های ناتراز خودداری کند، زیرا این امر می‌تواند به افزایش پایه پولی و در نتیجه افزایش تورم منجر شود. همچنین، برداشت از حساب بانک مرکزی نیز باید با احتیاط انجام شود تا از بروز مشکلات اقتصادی جلوگیری شود. بانک مرکزی می‌تواند با ایجاد مشوق‌هایی



اگرارز به
اندازه کافی
در دسترس
باشد، می تواند
تأثیر اصلی را
بر کنترل تورم
داشته باشد

با توجه به ابلاغ قانون جدید بانک مرکزی، این نهاد در مقابل تکالیفی که دولت بر دوشش می گذارد، چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟

بانک مرکزی باید به طور فعال با دولت در ارتباط باشد و آنها را متقاعد کند که ادامه وضع موجود می تواند پیامدهای منفی جدی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. بانک مرکزی باید به دولت توضیح دهد که برای تحقق تکالیفی مانند حمایت از بورس، بانکها نیاز به نقدینگی کافی دارند. بدون تأمین این نقدینگی، بانکها نمی توانند وظایف خود را به درستی انجام دهند. یکی از مسائل کلیدی که باید به آن پرداخته شود، مطالبات معوق بانکهاست. بانک مرکزی و دولت باید همکاری کنند تا این مطالبات به چرخه اقتصادی برگردند. این کار می تواند به بهبود نقدینگی بانکها و افزایش توان آنها در ارائه تسهیلات جدید کمک کند. بانک مرکزی می تواند پیشنهاداتی برای توسعه سیاستهای حمایتی از بانکها ارائه دهد که به آنها کمک کند تا از بار تکالیف دولت کاسته و به بهبود وضعیت مالی خود بپردازند. در این راستا، بانک مرکزی می تواند سازوکارهای جدیدی برای تأمین مالی و مدیریت ریسکهای مرتبط با تکالیف دولت ایجاد کند که به بانکها در انجام وظایف خود کمک کند.

با توجه به اقدامات انجام شده، چه چشم اندازی را برای اقتصاد ایران متصور هستید؟

انتظار مردم از دولت چهاردهم این بود که چشم اندازی روشن برای اقتصاد کشور فراهم کند. این چشم انداز شامل جلوگیری از رشد تورم، کاهش قیمت ها و ایجاد ثبات اقتصادی و ارزی است. دولت چهاردهم با تشکیل تیمی متعهد به این اهداف اعلام کرده است که قصد دارد این مسائل را مدیریت کند. امیدوارم با سیاست هایی که تدوین می شود، به خواسته های مردم دست بایم. اما باید توجه داشت که دستیابی به این اهداف به سیاست خارجی نیز بستگی دارد. برای مثال، وارد کردن ارزهای خارجی به کشور و برقرار کردن روابط بانکی با سایر کشورها می تواند تأثیر قابل توجهی داشته باشد. اگر ارتباطات بین بانکی با دیگر کشورها بهبود یابد، بسیاری از مشکلات اقتصادی به صورت خودکار حل خواهد شد.

برای بانک های ناتراز، آنها را به بهبود عملکرد و مدیریت بهتر منابع مالی تشویق کند و ارائه آموزش های لازم به مدیران بانک های ناتراز در زمینه مدیریت مالی و ریسک نیز می تواند به آنها در بهبود وضعیت کمک کند. در نهایت، سیاست های داخلی بانک باید به گونه ای تنظیم شود که به تعادل مالی برسد و از وابستگی به منابع بیرونی جلوگیری کند. این اقدامات می توانند به خروج بانک ها از ناترازی و بهبود وضعیت کلی سیستم بانکی کمک کنند.

رفع ناترازی بانکها چقدر می تواند به جلوگیری از اضافه برداشت بانکها، مهار رشد پایه پولی و کنترل نرخ تورم کمک کند؟

رفع ناترازی بانکها و کنترل تورم به شدت به یکدیگر وابسته هستند. زمانی که بانکی تسهیلاتی پرداخت می کند، این عمل معمولاً با ضرب افزایشی حدود ۵ درصد همراه است. به این معنا که هر واحد پولی که به عنوان تسهیلات پرداخت می شود، می تواند به طور بالقوه چندین واحد پولی جدید را در اقتصاد خلق کند. اگر بانکی به دلیل ناترازی، مجبور به برداشت از بانک مرکزی شود، در واقع پول جدیدی خلق می کند و این پول به بازار تزریق می شود که نتیجه آن افزایش پایه پولی و در نهایت افزایش نرخ تورم خواهد بود. بنابراین، اگر ناترازی بانکها به درستی مدیریت و رفع شود، می تواند به طور قابل توجهی به کاهش اضافه برداشت ها کمک کند و از رشد پایه پولی جلوگیری کند. بانک های دولتی به دلیل تکالیفی که بر دوش آنها قرار دارد، ممکن است ناچار به اقداماتی شوند که به ناترازی منجر شود. اما بانک های خصوصی که این تکالیف را ندارند، باید بتوانند با سیاست های مناسب و مدیریت بهینه منابع مالی خود، ناترازی را کاهش دهند. در نتیجه، رفع ناترازی بانکها نه تنها به بهبود وضعیت مالی آنها کمک می کند، بلکه می تواند به مهار پایه پولی و کنترل نرخ تورم نیز کمک شایانی نماید. اگر بانکها بتوانند به تراز مالی مناسب دست یابند، می توانند از وابستگی به منابع بانک مرکزی کاسته و در نتیجه ثبات بیشتری به اقتصاد کشور ببخشند.



محمد رضا عبداللهی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

اعتبار بانک مرکزی انتظارات تورمی را کنترل می‌کند

- تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل ترازنامه شبکه بانکی منجر به کاهش رشد نقدینگی و نزولی شدن نرخ تورم شده است
- بالا بودن انتظارات تورمی در جامعه، یکی از دلایل اصلی عدم تحقق کاهش چشمگیر نرخ تورم است
- بانک مرکزی باید اعتبار کافی در میان مردم کسب کند تا بتواند بر انتظارات تورمی اثر بگذارد
- تصویب قانون جدید بانک مرکزی در مجلس، ظرفیت‌های خوبی برای افزایش استقلال این نهاد پیش‌بینی کرده است



در بحث‌های اقتصادی، یکی از موضوعات کلیدی که همواره مورد توجه قرار دارد، تأثیر انتظارات بر نرخ تورم است. در ادبیات اقتصاد کلان، تورم به عنوان یک پدیده پولی شناخته می‌شود که عوامل مختلفی از جمله نرخ رشد نقدینگی بر آن تأثیر می‌گذارند. با این حال، در کوتاه‌مدت، نوسانات نرخ تورم می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای دیگری نیز قرار گیرد. یکی از این متغیرهای مهم، انتظارات تورمی است که به عنوان یک عامل کلیدی در تعیین رفتار اقتصادی افراد و نهادها نقش دارد. انتظارات تورمی به ویژه در شرایطی که اقتصاد با شوک‌های بیرونی و داخلی مواجه است، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشته باشد. در اقتصاد ایران، با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز و تأثیرات تحریم‌ها، انتظارات تورمی به طور خاص به چالشی جدی تبدیل شده است. به علاوه، سیاست‌گذاران پولی باید به طور مستمر این انتظارات را پایش کنند تا بتوانند با استفاده از ابزارهای موجود، نوسانات نرخ تورم را کنترل کنند. در گفت‌وگو با محمدرضا عبداللهی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس، به بررسی عمیق‌تر تأثیر انتظارات تورمی بر نرخ تورم و چالش‌های ناشی از آن خواهیم پرداخت. همچنین، نقش استقلال و اعتبار بانک مرکزی در مدیریت این انتظارات و تأثیرات آن بر سیاست‌های پولی و مالی کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نهایت، با توجه به شرایط خاص اقتصادی ایران، به تحلیل راهکارهایی خواهیم پرداخت که می‌تواند به کاهش انتظارات تورمی و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. این بحث می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از دینامیک‌های تورم و انتظارات اقتصادی در کشور داشته باشیم.

انتظارات چه تأثیری بر رشد تورم دارد؟

در ادبیات اقتصاد کلان و پولی، تورم در بلندمدت بیشتر به عنوان یک پدیده پولی شناخته می‌شود و متغیرهایی مانند نرخ رشد نقدینگی، به عنوان عوامل توضیح‌دهنده تورم در بلندمدت مطرح می‌شوند. اما این بدان معنا نیست که در کوتاه‌مدت نیز تنها رشد نقدینگی می‌تواند نرخ تورم را توضیح دهد. نوسانات نرخ تورم در کوتاه‌مدت می‌تواند با متغیرهای دیگری نیز توضیح داده شود. یکی از عوامل کلیدی که می‌تواند نوسانات نرخ تورم را در کوتاه‌مدت توضیح دهد، انتظارات تورمی است. این

انتظارات به روش‌های مختلفی محاسبه می‌شوند، اما چالش‌های جدی در نحوه محاسبه آنها وجود دارد، زیرا انتظارات تورمی یک متغیر غیرقابل مشاهده و بیشتر ذهنی است. با این حال، به نظر می‌رسد که سیاست‌گذار پولی باید به طور مداوم انتظارات تورمی را مورد پایش قرار دهد تا بتواند اثرات منفی آن را کاهش دهد و از طریق ابزارهای موجود، نوسانات کوتاه‌مدت نرخ تورم را کنترل کند. در اقتصاد ایران، مثال‌های مختلفی وجود دارد که نشان‌دهنده نقش جدی انتظارات تورمی است. به عنوان مثال، در دوره اخیر، تلاش‌های بانک مرکزی برای کنترل ترانزنامه شبکه بانکی منجر به کاهش رشد نقدینگی شده است. این اقدام باعث نزولی شدن نرخ تورم نیز شده است. با این حال، انتظاری که داشتیم مبنی بر اینکه نرخ تورم به میزان کاهش رشد نقدینگی کاهش یابد، محقق نشده است. یکی از دلایل اصلی این موضوع، بالا بودن انتظارات تورمی در جامعه است. بنابراین، به نظر می‌آید که نیاز است سیاست‌ها و ابزارهای مؤثری اتخاذ شود تا انتظارات تورمی کنترل شود و به این ترتیب، اهداف تورمی که سیاست‌گذار مدنظر دارد، محقق شود.

چقدر استقلال و اعتبار بانک مرکزی به کاهش انتظارات تورمی کمک می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هدایت انتظارات تورمی، اعتبار بانک مرکزی است. در واقع، در بیشتر کشورهای دنیا، بانک‌های مرکزی که از اعتبار و مقبولیت بیشتری در بین مردم برخوردارند، در کنترل انتظارات تورمی، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، موفق‌تر عمل می‌کنند. اگر این گزاره را بپذیریم، مهم‌ترین عاملی که به اعتبار بانک مرکزی می‌افزاید، استقلال آن است. استقلال بانک مرکزی می‌تواند تضمین کند که سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند، به طور مستقل و بدون تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی یا اقتصادی اتخاذ می‌شود. این نوع سیاست‌گذاری می‌تواند به ثبات اقتصاد کلان، کاهش نوسانات نرخ ارز و کنترل نرخ تورم کمک کند. اخیراً شاهد تصویب قانون جدید بانک مرکزی در مجلس هستیم که ظرفیت‌های خوبی برای افزایش استقلال این نهاد پیش‌بینی کرده است. امیدواریم این تغییرات برکات زیادی در حوزه سیاست پولی کشور و کنترل تورم به همراه داشته باشد.

یکی از چالش‌های اقتصاد ایران، تورم است. در این زمینه، چه اقداماتی می‌توانیم برای مقابله با تورم انجام دهیم؟

استقلال بانک مرکزی می‌تواند تضمین کند که سیاست‌های اتخاذی به طور مستقل و بدون تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی باشد



بانک مرکزی در سال‌های اخیر اقدامات مثبتی را از جمله تشدید نظارت بر شبکه بانکی آغاز کرده و در حال انجام است

بانک مرکزی در سال‌های اخیر اقدامات مثبتی را آغاز کرده و در حال انجام است، از جمله تشدید نظارت بر شبکه بانکی. به‌ویژه، سیاست حدگذاری ترازنامه که به طور قابل توجهی توانسته است رشد نقدینگی را کاهش دهد. با این حال، تدویم این سیاست‌ها به نظر می‌رسد با چالش‌هایی مواجه باشد. بانک مرکزی باید با شناخت دقیق از بخش‌های اسمی و حقیقی اقتصاد، بازخوردهای لازم را از این دو بخش دریافت کرده و سیاست‌ها را متناسب با آن اصلاح کند. به عنوان مثال، در حال حاضر گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه برخی بخش‌های تولید با مشکل جدی در تأمین مالی مواجه شده‌اند. نرخ‌های تأمین مالی که در اوایل امسال به طور غیرمعمولی افزایش یافته، باعث بروز مشکلات جدی برای برخی صنایع شده است. همچنین، برخی صنایع مانند لوازم برقی و فروشندگان فرش در فروش خود با مشکلاتی روبرو شده‌اند. این مسائل نشان‌دهنده این است که برخی از چالش‌ها ناشی از سیاست‌های بانک مرکزی است. این به معنای اشتباه بودن این سیاست‌ها نیست، بلکه نشان می‌دهد که نمی‌توان سیاستی ثابت و بدون تغییر در نظر گرفت و باید بازخوردهای اجرای آن را مدنظر قرار داد. بانک مرکزی باید حتماً از بخش‌های حقیقی و اسمی اقتصاد بازخورد بگیرد و براساس آن، سیاست‌های خود را اصلاح کند. این رویکردی است که تمامی بانک‌های مرکزی در دنیا انجام می‌دهند. در حوزه نقدینگی، به نظر می‌رسد بانک مرکزی عملکرد خوبی داشته است. همچنین در کنترل انتظارات تورمی، بانک مرکزی با مصاحبه‌های منظم ریاست کل، سعی کرده تا حدی سیاست ارتباطی مؤثری اتخاذ کند و بر انتظارات افراد اثر بگذارد. با این حال، بخش مهمی از انتظارات تورمی تحت تأثیر عوامل خارجی است که بر اقتصاد ایران و نرخ ارز بازار آزاد تأثیر می‌گذارد و ممکن است بانک مرکزی نتواند به طور کامل بر آنها مداخله کند. علاوه بر این، بانک مرکزی باید اعتبار کافی در میان مردم کسب کند. به نظر می‌رسد اتخاذ سیاست‌های درست و رویه‌های مناسب توسط بانک مرکزی، نه تنها در کوتاه‌مدت، بلکه در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند به ترمیم چهره این نهاد نزد آحاد جامعه کمک کند. این امر به گونه‌ای است که روزی ریاست بانک مرکزی بتواند مصاحبه‌ای انجام دهد که اثر مثبتی بر انتظارات تورمی مردم داشته باشد. این رویکرد در بسیاری از کشورهای دنیا دنبال می‌شود و به اعتبار بانک مرکزی‌های آنها بستگی دارد. به طور کلی، درباره اقداماتی که انجام شده، هرچند ممکن است به برخی از سیاست‌ها مانند سرکوب‌های

ارزی نقدهایی داشته باشم، اما در زمینه کنترل حدگذاری ترازنامه، تشدید نظارت‌ها بر شبکه بانکی و اقدامات محدود در حوزه اثرگذاری بر انتظارات، عملکرد بانک مرکزی نسبتاً خوب ارزیابی می‌شود.

تورم ایران چقدر ناشی از عوامل بیرونی و چقدر ناشی از تورم وارداتی است؟

در خصوص تورم کالاهای وارداتی باید تفکیک کنیم که کالاهای وارداتی ناشی از دو عامل تغییر قیمت دارند، یکی تغییرات قیمت‌های جهانی و دیگری تغییرات نرخ ارز. این دو عامل می‌تواند به عنوان عوامل مؤثر بر قیمت کالاهای وارداتی و بالتبع قیمت کالاهای در بازارها تأثیرگذار باشند. در دوره کرونا به طور خاص و مقطعی مشاهده کردیم که قیمت‌های جهانی نوسانات قابل توجهی داشته‌اند، به‌ویژه در کالاهای اساسی که کمترین را تجربه کرده بودیم. اما در قیاس با نرخ‌های تورمی که در اقتصاد ایران تجربه می‌کنیم، تغییرات قیمت کالاهای اساسی که عمده واردات ما را تشکیل می‌دهد، طی دوره‌های اخیر خیلی زیاد نبوده است، البته دوره کرونا مستثناست. بنابراین، آن چیزی که تحت عنوان تورم کالاهای وارداتی می‌خواهیم لحاظ کنیم، بخش مهمی از آن احتمالاً تحت تأثیر تغییرات نرخ ارز در اقتصاد ایران اتفاق می‌افتد. باید بررسی کنیم که آیا کانال اثرگذاری نرخ ارز از طرف هزینه تولید و هزینه‌ها بر شاخص قیمت است و یا اینکه از کانال‌های دیگری نیز می‌تواند اثرگذار باشد. راهبردی که دنبال شده این بوده که نرخ ارز از کانال هزینه بر تورم تأثیرگذار است. سیاست‌هایی که عمدتاً اتخاذ شده، شامل نرخ ارز ترجیحی در دولت‌های مختلف (۱۳۲۶، ۴۲۰۰، ۲۸۵۰۰ تومان) با نرخ‌های بازاری تری مانند نرخ‌های نیما است که این نرخ‌ها با نرخ بازار آزاد و غیررسمی نیز متفاوت بوده‌اند. این سیاست‌ها اثراتی در کنترل قیمت‌ها داشته و بدون تأثیر نبوده است. به عنوان مثال، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی تأثیر قابل توجهی بر سطح عمومی قیمت‌ها و قیمت‌های اقلامی که ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌گرفتند، داشته است. اما اگر فرض کنیم که نرخ تورم فقط ناشی از هزینه و متأثر از نرخ ارز است، به نظر می‌رسد این گزاره تا حدی مشکل‌دار باشد. مطالعات مختلف در ایران نشان می‌دهد که نرخ ارز لنگر اسمی انتظارات تورمی است و صرفنظر از اینکه بانک مرکزی نرخ ترجیحی یا نرخ نیما را چگونه کنترل می‌کند، نرخ ارز بازار آزاد است که انتظارات تورمی افراد را شکل می‌دهد. هرچند که همه انتظارات تورمی تحت تأثیر نرخ ارز بازار آزاد نیست، ولی بخش مهمی از آنها تحت تأثیر این نرخ

قرار دارد. این واقعیت را باید قبول کنیم و اگر این گزاره را بپذیریم، به این معنی است که بانک مرکزی علاوه بر توجه به نرخ کالاهای وارداتی، باید به نرخ بازار غیررسمی نیز توجه کند، زیرا این نرخ جایی است که انتظارات تورمی شکل می گیرد و می تواند منجر به تورم شود. به عنوان مثال، در حوزه خودرو، سیاست های مختلفی اتخاذ می شود. مثلاً ارز نیمايي برای واردات قطعه یا خودرو لحاظ می شود، اما قیمت خودرو در بازار بیشتر براساس انتظارات تورمی افراد و تغییرات نرخ ارز بازار آزاد تعیین می شود. بنابراین، بانک مرکزی باید برای واردات و نرخ کالاهای وارداتی برنامه مشخصی داشته باشد و از شوک هایی که ممکن است در نرخ وارداتی کالاهای اتفاق بیفتد، اجتناب کند. اما این به این معنا نیست که فقط این نرخ را تصویب کند و انتظار کنترل تورمی داشته باشد، زیرا نرخ ارز بازار آزاد نیز می تواند تأثیرگذار باشد، به ویژه از گانال انتظارات تورمی. اگر بخواهیم بگوییم اثر تورم وارداتی چیست، با توجه به کنترل هایی که اتفاق افتاده، واقعاً می بینیم که تورم وارداتی ما به اندازه تحولات ارز بازار آزاد افزایش پیدا نکرده که این خبر خوشحال کننده ای است. همچنین، وقتی به PPI (شاخص قیمت تولیدکننده) نگاه می کنیم، می بینیم که رشد این شاخص به میزان قابل توجهی کاهش یافته که نشان می دهد هزینه های تولید و قیمت تولیدکننده نیز تا حدود خوبی تحت تأثیر کنترل نرخ ارز وارداتی کاهش یافته است. با این حال، مصرف کننده کالا را از بازار تهیه می کند و باید بدانیم که CPI (شاخص قیمت مصرف کننده) در بازار شکل می گیرد و ممکن است با قیمت کالاهای وارداتی و قیمت کارخانه ای محصولات مختلف متفاوت باشد. بنابراین، باید به این موضوع توجه شود که هر چند نرخ های وارداتی مهم هستند، اما انتظارات تورمی و نرخ ارز بازار آزاد در این بستر سیاست گذاری اهمیت دارند و باید به آنها توجه شود.

عملکرد نظارتی بانک مرکزی در حوزه رفع ناترازی بانکها را چقدر در کنترل تورم موثر می دانید؟

خوشبختانه در سال های اخیر، نظارت های بانک مرکزی بر شبکه بانکی بهبود قابل توجهی داشته و آثار مثبتی نیز به همراه داشته است. بانک مرکزی به ویژه در کنترل نسبت های کلیدی در شبکه بانکی، سخت گیری های بیشتری را اعمال کرده است. هر چند هنوز تا رسیدن به وضعیت ایده آل فاصله داریم، اما در مسیر درستی قرار داریم که می تواند به ثبات بیشتر بخش مالی و پولی کشور کمک کند. به

نظرمی رسد که اراده خوبی در دولت و بانک مرکزی برای ساماندهی بانک های ناتراز وجود دارد. اگر این مسیر ادامه یابد، می توان انتظار داشت که ناترازی های موجود در برخی بانک ها کاهش یابد. این موضوع می تواند خبر خوشایندی از منظر کنترل رشد کل های پولی و در نتیجه کنترل تورم باشد.

کسری بودجه یکی از عوامل ناترازی بانکها است. برای حل مشکل کسری بودجه چه راهکارهایی وجود دارد؟

در سال های اخیر، دولت دو راهبرد مشخص را برای مدیریت کسری بودجه دنبال کرده است. نخست، در سمت هزینه ها، کنترل هایی اعمال شده است. یکی از مهم ترین این اقدامات، عدم افزایش متناسب حقوق کارمندان دولت با تورم بوده است. به طوری که در برخی سال ها، افزایش حقوق حتی به نصف نرخ تورم نیز نرسیده است. این سیاست به منظور کنترل مخارج و هزینه های دولت اتخاذ شده، هر چند که ممکن است اثرات منفی بر رفاه و بهره وری کارمندان داشته باشد. دومین راهبرد، افزایش اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی بوده است. در این راستا، پایه های مالیاتی جدیدی تعریف و تلاش هایی برای کنترل فرارهای مالیاتی صورت گرفته است. هدف از این اقدامات، کاهش کسری بودجه تا حد ممکن بوده است. با وجود این، با اینکه این رویکردها که توانسته اند کسری بودجه عمومی را تا حدی کنترل کنند، برخی سیاست ها باعث شده اند که کاهش پیش بینی شده کسری بودجه، به ویژه در افق ۱۴۰۳، محقق نشود. به عنوان مثال، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و تعدیل قیمتی ناشی از آن، منابع و مصارف این سیاست به درستی برآورد نشده و در نتیجه، چالش هایی برای سیاست گذاران در سال های بعد به وجود آورده است. همچنین، در تبصره ۱۴ سابق بودجه، منابع مورد انتظار تحقق نیافته است. به ویژه، فروش داخلی و صادرات فرآورده ها به دلیل عدم تعدیل قیمت حامل های انرژی، منجر به افزایش مصرف و در نتیجه کاهش منابع مالی دولت شده است. در حوزه بودجه عمومی، انتظار بر این بود که حقوق کارمندان متناسب با تورم افزایش یابد، اما دولت با رویکرد کنترل کسری بودجه، سعی کرده است که افزایش حقوق را کمتر از نرخ تورم نگه دارد. اگرچه این سیاست در یک بازه زمانی قابل دفاع بود، اما تداوم آن می تواند اثرات منفی بر رفاه و بهره وری کارمندان داشته باشد. به نظرمی رسد دولت باید راهبردهایی را اتخاذ کند که شامل حذف ساختارهای موازی و بهبود کارایی نهادهای دولتی

بانک مرکزی
باید حتماً از
بخش های
حقیقی و
اسمی اقتصاد
بازخورد بگیرد
و براساس آن
سیاست های
خود را اصلاح
کند



نظارت‌های بانک مرکزی بر شبکه بانکی بهبود قابل توجهی داشته و آثار مثبتی نیز به همراه داشته است

باشد. برخی نهادهای دولتی که در دهه ۸۰ و در زمان وفور درآمدهای نفتی ایجاد شده‌اند، اکنون ممکن است ضرورت ادامه فعالیت‌شان وجود نداشته باشد. دولت باید شجاعت لازم را برای اتخاذ تصمیمات سخت داشته باشد و به بازطراحی ساختارها بپردازد تا از منابع موجود به بهترین نحو استفاده کند و خدمات بیشتری ارائه دهد. در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد رضایتمندی مردم از خدمات بهداشتی و آموزشی دولتی کاهش یافته است، که این موضوع می‌تواند به کاهش بهره‌وری کارمندان دولت مرتبط باشد. دولت باید به این مسئله توجه کند که با وجود هزینه‌های بالا و کسری بودجه، نارضایتی در جامعه از خدمات دولتی همچنان وجود دارد و این موضوع می‌تواند به افزایش تورم و مشکلات اقتصادی دامن بزند.

بانک مرکزی یک سازمان تقریباً تخصصی و فنی است. رابطه بانک مرکزی و دولت چگونه باید تعریف شود تا سیاست‌ها حداکثر کارایی را داشته باشند؟

بانک مرکزی باید در تعامل نزدیک با دولت قرار گیرد. این تعامل نزدیک می‌تواند به کنترل تورم، که یکی از اهداف اصلی بانک مرکزی است، کمک کند و اثرات رکودی را که ممکن است بر اقتصاد تحمیل شود، کاهش دهد. بنابراین، این تعامل از اهمیت بالایی برخوردار است، اما باید توجه داشت که این تعامل نباید به معنای وابستگی یا در خدمت دولت بودن تفسیر شود. به نظر می‌رسد که در عین تعامل، بانک مرکزی باید استقلال نظر کارشناسی و استقلال سیاستی خود را حفظ کند. این استقلال به بانک مرکزی این امکان را می‌دهد که از ابزارهای موجود به درستی استفاده کند و اهداف تعیین شده در قانون بانک مرکزی را محقق سازد. به عبارتی، می‌توان گفت که تعامل با دولت بله، اما تبدیل شدن به یک نهاد وابسته به دولت به هیچ وجه برای بانک مرکزی توصیه نمی‌شود. تجربه‌های گذشته در اقتصاد ما نشان می‌دهد که در دوره‌های طولانی، وابستگی بانک مرکزی به دولت منجر به بی‌انضباطی مالی شده است. در این شرایط، هر بار که دولت با مشکلی مواجه شده، از طریق بانک مرکزی یا شبکه بانکی اقدام به تأمین مالی کرده و این تأمین مالی به هزینه تورم برای مردم منجر شده است. استقلال سیاست‌های بانک مرکزی باید به گونه‌ای باشد که ضمن آگاهی از مسائل کشور و ناترازی‌های موجود، یک نقشه راه مشخص برای تعامل با دولت داشته باشد. این نقشه راه باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها به صورت مقطعی

و در کوتاه‌مدت، بلکه در یک افق زمانی مشخص، بانک مرکزی بتواند سیاست‌های پولی خود را مستقل از سیاست‌های مالی دولت اتخاذ کند و به اثرگذاری مطلوبی دست یابد.

برخی کارشناسان معتقدند که ارز باید تک‌نرخی شود. با توجه به تحریم‌ها و شرایط ذخیره‌ارزی، آیا اکنون شرایطی برای تک‌نرخی کردن ارز فراهم است؟ اگر هست بانیست، چه چالش‌هایی در این زمینه داریم؟

تک‌نرخی کردن ارز در شرایط فعلی اقتصاد ایران که تحت تأثیر شوک‌های قابل توجه بیرونی قرار دارد، نه به صلاح است و نه شدنی. از این منظر می‌گویم که شدنی نیست، زیرا سیاست‌گذاران به خوبی می‌دانند که نرخ ارز کالاهای وارداتی و کالاهای اساسی چقدر برای آنها مهم است، چرا که این موضوع می‌تواند تبعات اجتماعی برای دولت به همراه داشته باشد. دلیل اینکه می‌گویم به صلاح نیست، بیشتر به این دلیل است که در شرایطی که شوک‌های بیرونی قابل توجهی را تجربه می‌کنیم، گره زدن سفره خانوار به نرخ ارز بازار که ممکن است نوساناتی داشته باشد، کار درستی نیست. راهکار این است که بانک مرکزی باید استراتژی مشخصی برای نزدیک شدن به نرخ تعادلی داشته باشد. این نرخ تعادلی می‌تواند از نرخ ارز بازار آزاد متفاوت باشد، اما باید ویژگی‌هایی داشته باشد که متغیرهای کلان اقتصادی آن را حمایت کنند. به این ترتیب، بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از منابع ارزی خود، بازار را بهتر کنترل کند و اثرات منفی بر تولید را کاهش دهد. تولیدکنندگان نیز باید در این سیاست‌ها در نظر گرفته شوند. حمایت از تولیدکنندگانی که با هزینه‌های بالای تأمین مالی و شرایط سخت اقتصادی کالا تولید می‌کنند، اهمیت دارد. اگر ما به آنها بگوییم که کالاهای خود را با نرخ ارز آزاد تولید و صادر کنند و از خود رها به نرخ نیمه بازگردانند، انگیزه‌های تولید آنها کاهش پیدا می‌کند. در نهایت، جمع‌بندی این است که باید به نرخ تعادلی نزدیک شویم و بانک مرکزی بتواند آن را حمایت کند. این استراتژی می‌تواند گزینه‌ای ایده‌آل در شرایط فعلی باشد، به شرطی که شرایط بین‌المللی و شوک‌های بیرونی کاهش یابند و ثباتی در این حوزه برقرار شود. در اینصورت، بانک مرکزی می‌تواند تصمیم بگیرد که به سمت تک‌نرخی کردن نرخ ارز پیش برود، همانطور که در سال‌های ۹۳ به بعد این استراتژی دنبال شد و نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز مرکز مبادله اختلافات ناچیزی داشتند.

کسری بودجه زمینه افزایش نرخ تورم را فراهم می‌کند

حسین ابویی مهریزی

معاون اسبق وزیر صمت



● یکی از اصلی‌ترین علل تورم در ایران
خلق پول و افزایش پایه پولی است

● دولت و مجلس باید به پیش‌بینی‌های دقیق‌تری
در خصوص درآمدها و هزینه‌های بودجه بپردازند و از
بارگذاری هزینه‌ها بر دوش دولت جلوگیری کنند

دولت هزینه‌هایش از درآمدهایش بیشتر است، این کسری بودجه به خلق پول و افزایش نقدینگی منجر می‌شود. برای حل این مشکل، دولت و مجلس باید به پیش‌بینی‌های دقیق‌تری در خصوص درآمدها و هزینه‌ها بپردازند و از بارگذاری هزینه‌ها بر دوش دولت جلوگیری کنند. برای حل مشکل ناترازی بانک‌ها، بانک مرکزی باید نظارت و کنترل بیشتری بر فعالیت‌های بانکی اعمال کند. این نظارت شامل بررسی میزان تسهیلات‌دهی، شرایط اعطای تسهیلات و وثایق مربوطه است. همچنین، شفاف‌سازی در سیستم بانکی و اطلاع‌رسانی به عموم در خصوص تسهیلات اعطایی می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. بانک مرکزی باید بر اساس اصول کارشناسی و با دقت، تسهیلات را بررسی کند و در صورت نیاز، اقدام به اصلاح و بهبود فرآیندها نماید. در صورتی که بانکی ورشکسته شود، باید این موضوع به اطلاع عموم برسد تا مردم از سرمایه‌گذاری در آن بانک خودداری کنند. برای مقابله با تورم در ایران، نیاز است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با دقت و بر اساس تحلیل‌های علمی و کارشناسی انجام شود. شفافیت در سیستم بانکی، نظارت دقیق بر فعالیت‌های اقتصادی و توجه به شرایط خاص کشور می‌تواند به کاهش تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. با شناسایی ریشه‌های تورم و اتخاذ راهکارهای مناسب، می‌توان به سمت یک اقتصاد پایدار و متعادل حرکت کرد.

تورم به عنوان یک پدیده اقتصادی، ناشی از عوامل مختلفی است که در تعامل با یکدیگر قرار دارند. یکی از اصلی‌ترین علل تورم در ایران، خلق پول و افزایش پایه پولی است. بر اساس آمار بانک مرکزی، این امر منجر به افزایش نقدینگی و در نتیجه ناترازی بودجه دولت می‌شود. ناترازی بودجه به معنای فاصله بین درآمدها و هزینه‌های دولت است که به افزایش کسری بودجه و در نهایت تورم منجر می‌شود. علاوه بر این، موانع موجود بر سر راه تولید نیز تأثیر زیادی بر تورم دارند و هزینه‌های بالای مبادله، به ویژه در شرایط تحریم، باعث افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات می‌شود. این موضوع به کاهش رقابت‌پذیری در صادرات و افزایش قیمت‌ها در بازار داخلی منجر می‌شود. همچنین، تورم انتظاری که تحت تأثیر جو سیاسی و اجتماعی قرار دارد، می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و نوسانات اقتصادی دامن بزند. تحریم‌ها و شرایط بین‌المللی نیز نقش مهمی در ایجاد تورم دارند. هزینه‌های بالای مبادله و محدودیت‌های تجاری، قیمت تمام شده کالاها را افزایش می‌دهند و این موضوع به نوبه خود بر تورم تأثیر می‌گذارد. در کنار این، مسائل روانی و اجتماعی نیز می‌توانند به افزایش تورم انتظاری و نوسانات قیمت‌ها کمک کنند. به عنوان مثال، اظهارات مقامات سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی می‌تواند بر بازار داخلی تأثیرگذار باشد.

کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها از دیگر عوامل مؤثر بر تورم در ایران هستند. در شرایطی که



روح‌الله ایزدخواه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

مجلس از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی حمایت می‌کند

- بانک مرکزی در کانون سیاست‌های اقتصادی امروز کشور قرار دارد
- در دوره فعلی، سیاست‌های بانک مرکزی رویکردی به سمت ثبات‌گرایی رانشان می‌دهد
- امروز مدیریت ارزی یک مسئله ملی و نیازمند کار جهادی است
- سیاست درست بانک مرکزی، کاهش سهم بازار غیررسمی ارز است



۲۴



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

در سال‌های اخیر، به ویژه در یک سال گذشته تنش‌های سیاسی و اقتصادی در کشور ما به شدت افزایش یافته است. این وضعیت باعث شده تا بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاست‌گذار ارزی کشور، با چالش‌های زیادی در راستای حفظ ثبات بازار ارز مواجه شود. در این شرایط، بانک مرکزی همواره سعی کرده است تا با اتخاذ تدابیر لازم، نوسانات نرخ ارز را کنترل کرده و به ثبات اقتصادی بیشتری دست یابد. با وجود پیش‌بینی‌هایی مبنی بر افزایش نرخ دلار به رقم‌های نجومی، اما شاهد آن هستیم که نرخ ارز به طور نسبی با ثبات باقی مانده و این نکته نشان‌دهنده موفقیت‌های بانک مرکزی در مدیریت این بحران است. در گفت‌وگو با روح‌الله ایزدخواه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به بررسی نقش بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز و ثبات بازار طلا خواهیم پرداخت. همچنین، به سیاست‌های اتخاذ شده توسط این نهاد و تأثیر آن بر کاهش تورم و بهبود شرایط اقتصادی کشور می‌پردازیم. بررسی تأثیر سیاست‌های انقباضی و رویکردهای ثبات‌گرایانه بانک مرکزی، از جمله موضوعاتی است که در این گفت‌وگو به آن پرداخته خواهد شد.

در یک سال و نیم اخیر، به ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی، تنش‌های سیاسی زیادی رخ داده است. بانک مرکزی با توجه به وظایف خود همواره سعی کرده است تا ثبات بازار ارز را حفظ کند. تا اواخر سال ۱۴۰۱، بسیاری پیش‌بینی می‌کردند که دلار به ۱۲۰ هزار تومان خواهد رسید. نقش بانک مرکزی و سیاست‌های آن را در ثبات بازار ارز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بانک مرکزی طبق قانون، سیاست‌گذار ارزی کشور است و تمامی پول و ارز کشور تحت سیاست‌های این نهاد مدیریت می‌شود. در شرایط کنونی، ما با چالش‌هایی نظیر تضعیف ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم مواجه هستیم که این مسائل بحرانی برای اقتصاد کشور به شمار می‌روند. رهبر انقلاب

نیز بارها از دولت‌ها خواسته‌اند که در خصوص کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم، تصمیمات جدی اتخاذ کنند. به همین دلیل، بانک مرکزی در قانون سیاست‌های اقتصادی امروز کشور قرار دارد و مأموریت سنگینی بر عهده‌اش است. در مجموع، در دوره فعلی، سیاست‌های بانک مرکزی رویکردی به سمت ثبات‌گرایی را نشان می‌دهند. مدیران بانک مرکزی در تلاشند تا فضای اقتصادی را تثبیت کنند، که این یک پدیده مثبت است. هر چند در حال حاضر نمی‌توانیم از وضعیت نرخ ارز و ارزش پول ملی دفاع کنیم و این وضعیت قطعاً نیاز به یک جراحی اساسی دارد، اما رویکرد ثبات‌گرایی بانک مرکزی را تأیید می‌کنیم.

بانک مرکزی سیاست تثبیت اقتصادی را به اجرا درآورده است. نتیجه این سیاست، کاهش قابل توجه نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی بوده که در نهایت به کاهش تورم منجر شده است. با توجه به اثرگذاری اقدامات بانک مرکزی بر کاهش نرخ تورم، ارزیابی شما نسبت به اجرای این سیاست‌ها چیست؟

نقدینگی موضوعی چندبُعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً از منظر تورم مدیریت کرد. در کنار بحث تورم، موضوع رکود نیز وجود دارد و باید مراقب بود که کاهش تورم منجر به افزایش رکود نشود. سیاست کلان کشور باید بر محور جهش تولید متمرکز باشد، یعنی کاهش تورم باید از مسیر افزایش تولید صورت گیرد و در غیراینصورت، ممکن است به رکود منجر شود. بنابراین، در اینجا نیاز به یک سیاست‌گذاری چندلایه‌ای در حوزه نقدینگی داریم. امروز، تورم بیشتر ناشی از طرف عرضه است تا تقاضا. به عبارت دیگر، محرک‌های موجود به سمت افزایش هزینه‌های تولید می‌روند و تولیدکنندگان با تورم افسارگسیخته‌ای در زمینه مواد اولیه روبرو هستند. هر چند که تورم طرف تقاضا نیز وجود دارد و قیمت کالاها برای مصرف‌کننده افزایش یافته، اما این افزایش ناشی از افزایش تقاضا نیست، بلکه به دلیل افزایش هزینه‌های تولید است. بانک مرکزی باید علاوه بر کنترل نقدینگی و نظارت بر سیستم بانکی، وضعیت تأمین سرمایه تولید را نیز تحت نظر داشته باشد تا از این ناحیه آسیب

بانک مرکزی باید علاوه بر کنترل نقدینگی و نظارت بر سیستم بانکی وضعیت تأمین سرمایه تولید را نیز تحت نظر داشته باشد تا از این ناحیه آسیب نبیند



منابع مالی
تنها به منابع
بانکی یا
دولتی محدود
نمی شود و
ما باید کیک
اقتصاد را
بزرگ کنیم و به
تأمین و جذب
سرمایه های
مردمی توجه
داشته باشیم

نبیند. تسهیلات سرمایه در گردش و سایر منابع مالی باید در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد. چالش اصلی در اینجا این است که بانک مرکزی باید با دستگاه های سیاست گذار تولید مانند وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، و وزارت نفت هماهنگی داشته باشد تا سیاستی را دنبال کند که ضمن کنترل نقدینگی، چرخ تولید نیز بچرخد و جهش تولید محقق شود. متأسفانه در این زمینه کارهای زیادی باقی مانده است و معمولاً در کنترل نقدینگی، سیاست های یک سویه اتخاذ می شود. امروز تولید با کمبود سرمایه و منابع مالی مواجه است و واحدهای تولیدی خواستار توجه بیشتری از سوی مجلس هستند تا این مشکلات رفع شود. عملکرد تبصره های بودجه در حوزه تسهیلات نیز در چند سال اخیر موفق نبوده و پرداخت ها به مراتب کمتر از آنچه که پیش بینی شده بود، انجام شده است. برای حل این مشکلات، به نظرمی رسد که نیاز به وحدت فرماندهی در حوزه اقتصادی داریم. یکپارچگی بین دستگاه های سیاست گذار تولید و دستگاه های سیاست گذار نظام اقتصاد کلان و نظام پولی و مالی ضروری است. امیدوارم در دوره جدید، این هم افزایی و هماهنگی به وقوع بپیوندد.

نگاه بانک مرکزی در اجرای سیاست تثبیت اقتصادی به عنوان یک سیاست انقباضی، یک رویکرد کوتاه مدت بوده که هدف آن جلوگیری از تورم افسارگسیخته و ایجاد روندی باثبات است تا بتوانیم به سمت سیاست های توسعه ای حرکت کنیم. با توجه به اینکه کسری بودجه نیز نقش مهمی در ایجاد تورم دارد، نقش سایر دستگاه ها در کنار بانک مرکزی برای کمک به کاهش پایدار تورم چیست؟

راهکار اساسی در این زمینه حرکت به سمت اقتصاد مردمی است. تأکید رهبر انقلاب بر مردمی سازی اقتصاد، یک شعار نیست، بلکه یک راهبرد اساسی است که می تواند به خلق راهکارهای متعددی منجر شود. در حوزه تأمین منابع مالی، باید به سمت مردمی سازی اقتصاد برویم. منابع مالی تنها

به منابع بانکی یا دولتی محدود نمی شود، ما باید کیک اقتصاد را بزرگ کنیم و به تأمین و جذب سرمایه های مردمی توجه کنیم. این امر نیازمند روش ها و مشوق هایی است که منابع عظیم مردمی را از فعالیت های غیرمولد و سوداگرانه به سمت فعالیت های مولد سوق دهد. بنابراین، باید روش های تجهیز منابع را تغییر دهیم. روش هایی که تاکنون عمدتاً بانک محور بوده اند یا به منابع دولتی وابسته بوده اند، دیگر کارآمد نیستند و نمی توانند مشکلاتی مانند کسری بودجه یا جهش تولید را حل کنند. در این راستا، مدل های مختلفی می توان به کار گرفت. ما در برنامه هفتم توسعه به این سمت حرکت کردیم، هر چند که در آن زمان امکان ایجاد تغییرات زیادی وجود نداشت. با این حال، راهکارهایی برای تجهیز منابع به ویژه برای رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه های مردمی و تبدیل سرمایه های غیرمولد به مولد پیش بینی شده است. مولدسازی دارایی ها تنها مختص بخش دولتی نیست، بلکه باید در بخش مردمی نیز مورد توجه قرار گیرد. مردم باید بتوانند سرمایه های خود را به سمت فعالیت های مولد هدایت کنند. در این زمینه، بانک مرکزی نقش ویژه ای دارد و باید ابزارهایی برای تأمین منابع مالی مردمی ایجاد کند. این ابزارها نباید فقط به اوراق مشارکت و تسهیلات محدود شود، بلکه باید ابزارهای جدیدی مانند جمع سپاری و ابزارهای تعاونی برای تأمین منابع مالی شکل بگیرد. تأمین مالی زنجیره ای نیز یکی از روش های مؤثر است که اگرچه در حال حاضر مطرح شده، اما هنوز به رونق کافی نرسیده است. بنابراین، انتظار ما از بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دولت این است که مردمی سازی تأمین منابع مالی را در اولویت قرار دهند. قوانین لازم برای این موضوع وجود دارد، از جمله قانون تأمین مالی که اخیراً در مجلس تصویب شده و همچنین قانون رفع موانع تولید. بنابراین، خلأ قانونی در این زمینه وجود ندارد و سیاست دولت باید به سمت تغییر جهت پیدا کند تا بتوانیم از ظرفیت های مردمی به نحو احسن استفاده کنیم.

بانک مرکزی به تازگی تصمیم گرفته که تالار ارز توافقی را در مرکز مبادله افتتاح کند. این اقدام با استقبال

و واکنش مثبت بسیاری از فعالان اقتصادی همراه بوده است. نظر شما در خصوص ایجاد تالار ارز توافقی در مرکز مبادله چیست؟

سیاست درست بانک مرکزی، کاهش سهم بازار غیررسمی ارز است. این سیاست به طور کلی صحیح است، چرا که بازار غیررسمی ارز، بازاری منطقی نیست و باید به سمت بازار رسمی تغییر کند. بانک مرکزی در تلاش است تا این تغییر را محقق کند و ما از این سیاست حمایت می‌کنیم. هر چه بتوانیم بازار ارز را به سمت رسمیت، شفافیت و ایجاد رقابت واقعی هدایت کنیم و از انحصار و شبه انحصارها جلوگیری کنیم، حرکت درستی خواهد بود. این تغییرات به مردم این امکان را می‌دهد که در بازار سهمیم شوند و نرخ‌ها واقعی‌تر و نکتز نرخ‌ها کاهش یابد. در نهایت، بازارهای متعدد باید به یک بازار واحد تبدیل شوند. از این منظر، ایجاد مرکز مبادله ارز را به طور کلی مثبت ارزیابی می‌کنیم. این مرکز تنها یک بازار نیست و به اعتقاد ما، می‌تواند به عنوان یک نهاد مهم در شکل‌دهی به سیاست تثبیت ارز عمل کند. این مرکز باید ابزارهای لازم را برای این مسیر آماده کند و نقش خود را در این فرآیند پررنگ‌تر نماید. به این ترتیب، امیدواریم که شاهد کاهش مبادلات اسکناس در کف خیابان‌ها باشیم و بازار غیررسمی در نهایت جمع شود. شفاف‌سازی مبادلات ارزی به ما این امکان را می‌دهد که در مورد تثبیت نرخ ارز و کنترل معاملات ارزی صحبت کنیم. با توجه به راه‌اندازی مرکز مبادله ارزی، امیدواریم که جهت‌گیری آن و ابزارهایی که به کار می‌گیرد، در راستای این اهداف حرکت کند و تقویت شود. ما نیز در مجلس اگر نیاز به قوانینی باشد که از این مسیر حمایت کنیم، آمادگی کامل داریم. نرخ‌های متعدد ارز

قطعاً به نفع اقتصاد نیستند و موجب ایجاد نوسانات و رانتهایی می‌شوند. بنابراین، باید به سمت تک‌نرخ شدن ارز پیش برویم. این سیاست، به طور کلی صحیح است، اما نحوه تعیین این نرخ، ملاک‌ها و مبنای آن و همچنین دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، محل بحث و چالش‌های فعلی ماست. ما بر این باوریم که هر چه بیشتر به سمت تقویت ارزش پول ملی حرکت کنیم، برای اقتصاد کشور مفید خواهد بود. این امر به ویژه در شرایط جنگ تحمیلی اقتصادی که امروز با آن مواجه هستیم، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. دشمنان ما از طریق نوسانات ارزی به اقتصاد ما آسیب می‌زنند، بنابراین سیاست‌های ما باید در این شرایط جنگی بازنگری شوند. حفظ ارزش پول ملی باید مبنای ملاک اصلی سیاست‌های ارزی باشد و شفافیت در بازار نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این شفافیت به تولیدکنندگان، تاجران، مصرف‌کنندگان و مردم کمک می‌کند تا به خاطر نوسانات ارزی دچار خسارت در سرمایه‌های خود نشوند. تولیدکنندگان باید یک فضای باثبات ارزی را در پیش روی خود ببینند تا بتوانند برای تولید خود برنامه‌ریزی کنند و به بازارهای هدف داخلی و خارجی ورود پیدا کنند، بدون نگرانی از نوسانات ارزی. تاجران نیز باید بتوانند با اطمینان خاطر به فعالیت‌های تجاری خود ادامه دهند. بنابراین، ابزارهایی که به این مسیر کمک کنند، در مجموع می‌توانند مفید واقع شوند و به ایجاد ثبات و شفافیت در بازار ارز کمک کنند.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که حراج شمش طلا و سکه در مرکز مبادله تأثیر زیادی در کاهش حباب سکه

بازار غیررسمی ارز، بازاری منطقی نیست و باید به سمت بازار رسمی تغییر کند



لـزـوم بازنگری سیاست‌ها در شرایط جنگ اقتصادی

هر چه بیشتر به سمت تقویت ارزش پول ملی حرکت کنیم، برای اقتصاد کشور مفید خواهد بود. این امر به ویژه در شرایط جنگ تحمیلی اقتصادی که امروز با آن مواجه هستیم، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. دشمنان از طریق نوسانات ارزی به اقتصاد ما آسیب می‌زنند، بنابراین سیاست‌ها باید در این شرایط جنگی بازنگری شوند.

بانک مرکزی
در کانون
سیاست‌های
اقتصادی امروز
کشور قرار دارد
و مأموریت
سنگینی بر
عهده‌اش است

۲۸



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

در بازار داشته و نوسانات را کنترل می‌کند. به نظر شما، اقدامات بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز و نوبات بازار طلا چگونه است؟

بر اساس گزارشی که در بازدید از مرکز مبادله طلا و ارز دریافت کردیم، این مرکز امکان حضور گسترده مردم در بازار طلا را فراهم کرده است. به طوری که مردم از اقصی نقاط کشور می‌توانند با رعایت قواعد مشخصی در این مرکز مشارکت کنند. این قواعد به منظور جلوگیری از فساد احتمالی و رانت‌خواری وضع شده است. احراز هویت افراد و تعیین سقف خریدها از جمله این قواعد است. شرایط دسترسی برای همه مردم در سطح کشور از طریق شبکه توزیع بانک ملی فراهم شده است، به طوری که افراد می‌توانند از هر نقطه‌ای در کشور به این بازار وارد شوند و خرید و فروش کنند. این سیاست به طور کلی خوب است و به مسیر مردمی‌سازی اقتصاد کمک می‌کند. حضور مردم در اقتصاد قطعاً به نفع کشور خواهد بود و این مرکز مبادله تلاش کرده است تا دسترسی مردم به مبادلات طلا و ارز را گسترش دهد. از این منظر، حفظ شفافیت و سلامت در این اقدامات بسیار مهم است. امیدواریم که بتوانیم بیش از پیش به مردمی‌سازی اقتصاد پرداخته و دست مردم را در بازار معاملات و فرآیندهای اقتصادی بازتر کنیم، البته به شیوه‌ای درست، سالم و شفاف. در این مسیر، امیدواریم که مرکز مبادله بتواند مشکلاتی را که امروز در فضای اقتصاد کلان داریم، حل کند. ظرفیت‌های تولید و تجاری در کشور واقعاً مهیاست و کمبودی نداریم، اما مشکلات اقتصادی ما عمدتاً ناشی از فضای غیرشفاف و رانتی در اقتصاد کلان است که دست و پای تولیدکنندگان، تاجران و مصرف‌کنندگان را می‌بندد. بنابراین، با ایجاد شفافیت و دسترسی بیشتر، می‌توانیم به بهبود وضعیت اقتصادی و کنترل نوسانات در بازار طلا و ارز کمک کنیم.

در پایان اگر توصیه‌ای به سیاست‌گذاران اقتصادی کشور دارید بفرمایید.

به نظر من، امروز مسئله مدیریت ارز یک مسئله ملی است و نیازمند یک کار جهادی است. تمامی ارکان کشور و جامعه، به ویژه

آنهايي که می‌توانند، باید در این عرصه وارد شوند. این موضوع تنها به توان دولتی محدود نمی‌شود، زیرا امروز ارز بر تمام هویت و ماهیت اقتصاد ما سایه افکنده و چالش‌های بزرگی در مسیر فعالیت‌های اقتصادی ما ایجاد کرده است. شرایط فعلی، طبیعی و عادی نیست و ما قطعاً درگیر یک جنگ اقتصادی تحمیلی هستیم، همانطور که رهبری به صراحت بیان کرده‌اند. در شرایط جنگی، تصمیم‌گیری‌ها باید متفاوت باشد. بنابراین، نهضت تثبیت و ارتقای ارزش پول ملی باید به عنوان یک نهضت همگانی دیده شود. مجلس، دولت، نخبگان و مراکز دانشگاهی و پژوهشی باید به این کار بپیوندند. ما باید از محصور کردن خود به نسخه‌ها و مدل‌های تکراری و فرسوده دست برداریم و نواندیشی کنیم. باید ابتکار عمل به خرج دهیم و خود را محدود به تئوری‌هایی که در کتاب‌ها نوشته شده، نکنیم. باید واقعاً ببینیم در این شرایط خاص اقتصادی ایران و در مواجهه با چالش‌های کنونی چه اقداماتی باید انجام دهیم و چه سیاست‌هایی را دنبال کنیم. قاعده‌های اصلی در این مسیر شامل استقلال اقتصادی، جهش تولید، مردمی‌سازی و دانش‌بنیان شدن اقتصاد است. مبارزه با فساد، تبعیض و رانت نیز از اصول اساسی است که باید در نظر گرفته شود. ذیل این قواعد، باید ابزارها، نهادها و سازوکارهای قانونی مشخصی را از نو بسازیم. تکرار اشتباهات گذشته و استفاده از قوانین یا سیاست‌هایی که ناکارآمدی آنها اثبات شده، دیگر هیچ توجیهی ندارد. مجلس باید به عنوان جایگاه ریل‌گذاری و تغییر و تحول اساسی، به این موضوع ورود کند. تاکنون کمتر به این مسائل پرداخته شده و بیشتر نظارتی بوده است. مجلس باید در حوزه تقنین در خصوص ارز ابتکار عمل داشته باشد و تغییرات جدی ایجاد کند. همچنین، همکاری دولت و سایر دستگاه‌ها در این مسیر ضروری است و امیدواریم که این تلاش با کمک مردم انجام شود. بدون مشارکت مردم، هیچ سیاستی نمی‌تواند موفق باشد و باید عاملیت مردم در اقتصاد در همه سطوح آن مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، ما باید به سمت ایجاد یک اقتصاد مردمی و شفاف حرکت کنیم که در آن همه افراد جامعه بتوانند به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند و از ثمرات آن بهره‌مند شوند.

بانک مرکزی در شرایط دشوار اقتصادی نرخ ارز را مدیریت می‌کند

حجت‌اله فرزانی

کارشناس مسائل پولی و بانکی



● یکی از چالش‌های اصلی بانک مرکزی، کنترل نرخ ارز در شرایط اقتصادی دشوار و حجم بالای نقدینگی در کشور است

بازار ارز ایران در یک دهه گذشته به شدت تحت تأثیر مسائل سیاسی و تحولات بین‌المللی قرار داشته و همواره شاهد نوسانات شدید بوده است. با وجود این، به نظر می‌رسد که تاب‌آوری بازار ارز در یک سال اخیر افزایش یافته و با وجود چندین مسئله سنگین و حوادث گوناگون، نرخ ارز روند نسبتاً باثباتی را تجربه کرده است. این ثبات را می‌توان به اقدامات بانک مرکزی و سیاست‌های اجرایی آن نسبت داد.

سیاست‌های رئیس کل بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز، با توجه به رویدادهای سیاسی نظیر شهادت رئیس‌جمهور، انتخابات و تغییر دولت، قابل قبول بوده است. در این راستا، تحولات بین‌المللی و تنش‌های ناشی از جنگ در منطقه نیز بر نرخ ارز تأثیر گذاشته و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده است. این مسائل باعث افزایش تقاضا برای ارز و طلا شده، اما بانک مرکزی با اتخاذ تدابیر مناسب، هیجانات ارزی را به حداقل رسانده و بازار ارز را کنترل کرده است.

یکی از چالش‌های اصلی بانک مرکزی، کنترل نرخ ارز در شرایط اقتصادی دشوار و حجم بالای نقدینگی در کشور است. در حالی که نرخ رشد اقتصادی مناسب نیست و مطابق با مسائل بنیادی، نرخ ارز باید افزایش می‌یافت، اما با دیپلماسی‌های اقتصادی در دو سال گذشته، دسترسی به منابع ارزی کشور بهبود یافته و این امر تأثیر مثبتی بر ثبات نرخ ارز داشته است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات بانک مرکزی با توجه به اختیاراتش، مناسب و مؤثر بوده است.

یکی از مسائلی که برای تجار و فعالان اقتصادی اهمیت دارد، پیش‌بینی‌پذیری بازار ارز است. برخی از تجار معتقدند که مهم‌تر از نرخ دلار، پیش‌بینی‌پذیری آن است. اقدامات بانک مرکزی

در کوتاه‌مدت ثبات نسبی را در نرخ ارز ایجاد کرده، اما پیش‌بینی نرخ ارز در بلندمدت دشوار است و بستگی به تعهدات و آثار اقتصادی دارد. اگر بانک مرکزی بتواند تا پایان سال نرخ ارز را کنترل کند، این امر سیگنال مثبتی به بازار می‌دهد و فعالان اقتصادی می‌توانند بر اساس آن برآوردهایی از قیمت‌های آینده داشته باشند.

با توجه به شرایط تورمی، تحریم‌ها و ریسک‌های ناشی از بحران‌های منطقه، همیشه خطر افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی وجود دارد. برای کشوری نظیر ایران که با مشکلات تحریمی مواجه است، امضای پیمان‌های پولی با کشورهای دیگر می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. بانک مرکزی نیز در این راستا اقداماتی با کشورهای نظیر روسیه انجام داده است.

اجرای پیمان‌های دوجانبه پولی می‌تواند تأثیر مثبتی بر بازار ارز داشته باشد. این پیمان‌ها موجب تسهیل مراودات اقتصادی با استفاده از پول ملی ایران و ارز کشور مقابل می‌شوند و به کاهش هزینه‌های مبادله ارز کمک می‌کنند. با این حال، برای بهره‌مندی از این مزایا، این پیمان‌ها باید از مرحله توافق به مرحله اجرا درآیند. تنها در این صورت می‌توانند آثار مثبت بیشتری بر اقتصاد ایران بگذارند و تحریم‌ها را خنثی کنند.

در نهایت، بازار ارز ایران در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد و اقدامات بانک مرکزی در کنترل و مدیریت نرخ ارز از اهمیت بالایی برخوردار است. پیش‌بینی‌پذیری و ثبات نرخ ارز می‌تواند به بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش اعتماد فعالان اقتصادی منجر شود. در عین حال، توجه به تحولات بین‌المللی و اقدامات دیپلماتیک نیز می‌تواند به کنترل نوسانات بازار ارز کمک کند و شرایط بهتری را برای اقتصاد کشور فراهم آورد.



دولت با کنترل مخارج از بانک مرکزی حمایت کند

فردین آقابزرگی

کارشناس مسائل اقتصادی



- یکی از آفت‌های مدیریت اقتصادی در کشور تصمیمات ناهمگن و جزیره‌ای است
- بهترین راهکار برای کنترل تورم، مشارکت بخش خصوصی کوچک‌سازی دولت و انضباط مالی دقیق دولت است
- مسئولیت بانک مرکزی در ارتباط با حفظ ارزش پول ملی و اتخاذ سیاست‌های پولی، به شرطی مثمرتر خواهد بود که استقلال خود را در مقابل دولت حفظ کند

وضعیت، تمایل به بزرگ‌تر شدن دولت، همراه با بی‌انضباطی مالی و تخلف از اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مبنی بر کوچک‌سازی دولت است.

اقتصاد نفتی و تورم مزمنی که طی سه یا چهار دهه گذشته با آن روبه‌رو بوده‌ایم، یکی از آفت‌های بزرگ اقتصاد کشور به شمار می‌رود. به نظر من، بزرگ‌ترین دلیل این

۳۰



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

استفاده دولت
از امکانات و
ظرفیت‌های
بازار پول و
سرمایه، برای
پوشش کسری
بودجه، به
ناترازی و تورم
منجر شده است

در ارتباط با انضباط مالی، کنترل تورم و حمایت دولت از بانک مرکزی، اعتقاد دارم که بانک مرکزی و بانک‌ها برای کنترل تورم و حجم نقدینگی نیازی به حمایت ندارند. تنها کمک قابل توجهی که دولت می‌تواند انجام دهد، جلوگیری از استقرار غیرمستقیم از بازار پول و همچنین دوری از بازار سرمایه است. اگر دولت این کار را انجام دهد، بهترین و بزرگ‌ترین حمایت خود را ارائه کرده است.

به طور مشخص و با قاطعیت می‌توان گفت که مسئول تورم و افزایش حجم نقدینگی و ناترازی، به وضوح دولت است. پایین‌ترین نرخ بهره‌وری در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی وجود دارد و بیشترین هزینه‌ها نیز مربوط به مؤسسات، بانک‌ها و شرکت‌های دولتی است. در سال ۱۴۰۳، بودجه مؤسسات و شرکت‌های دولتی بالغ بر ۳۵۰۰ همت است که کمتر از یک همت سود دارند. این نسبت بسیار غیرمعقول و نامناسب است. اگرچه گفته می‌شود که شرکت‌های دولتی انتفاعی نیستند و سود نمی‌دهند، اما در عمل، این شرکت‌ها هزینه‌بر بوده و بار اضافی را بر جامعه تحمیل می‌کنند. اتفاقات و چالش‌های برون‌مرزی حداقل تأثیرات را بر وضعیت اقتصادی نداشته‌اند. طی دوپایه دهه گذشته، نوساناتی مانند ۱۱ سپتامبر، بحران مالی، کرونا، ترور سردار سلیمانی و سقوط هلی‌کوپتر رییس‌جمهور را تجربه کرده‌ایم. اما سوءمدیریت در حوزه اقتصادی کشور ما، رتبه بسیار بالایی در مقایسه با این ناملایمات دارد و سهم بیشتری از مشکلات اقتصادی به مسائل داخلی برمی‌گردد.

مسئولیت بانک مرکزی در ارتباط با حفظ ارزش پول ملی و اتخاذ سیاست‌های پولی، به شرطی مثمر خواهد بود که استقلال خود را در مقابل دولت حفظ کند. استقلال بازار پول و بازار سرمایه، شرط اول تحقق وظایف این دو بازار به عنوان بازارهای مالی است. بانک مرکزی باید یک شخصیت مستقل باشد و از دولت جدا عمل کند تا بتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد. در نهایت، برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و کنترل تورم، نیاز به اصلاحات ساختاری و انضباط مالی داریم. با ایجاد فضایی برای فعالیت بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت، می‌توان به سمت یک اقتصاد پایدار و متعادل حرکت کرد.

نتیجه این رویکرد، کمترین راندمان کاری و بیشترین هزینه‌ها در انجام امور اقتصادی است. دولت نباید به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در امور اقتصادی دخالت کند. این عوامل، به ویژه افزایش بیش از اندازه حجم نقدینگی، چاپ پول و استفاده دولت از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها، از جمله سیستم بازار پول و اخیراً بازار سرمایه، برای پوشش کسری بودجه، به ناترازی و تورم منجر شده است.

تورم‌هایی که در برخی برهه‌ها به سمت تک‌رقمی شدن میل پیدا کرده‌اند، عمدتاً به دلیل گشایش‌هایی در صادرات نفت و افزایش قیمت جهانی نفت بوده است. با این حال، رشد اقتصادی در تمامی ابعاد قابل بررسی نیست و نمی‌توان گفت بخشی از این افزایش حجم نقدینگی تحت تأثیر رشد اقتصادی خنثی می‌شود. به همین دلیل، ناپایداری در رشد اقتصادی ایجاد می‌شود و این رشد تابع نوساناتی است که در کنترل مدیریت اقتصادی کشور نیست. عوامل خارجی، مانند گشایش در تحریم‌ها یا افزایش قیمت جهانی نفت، باعث ایجاد رشدی روی کاغذ شده‌اند که پایدار نمانده است. از دیگر آفت‌های مدیریت اقتصادی در کشور، تصمیمات ناهمگن و جزیره‌ای است. به عنوان مثال، تصمیمات اتخاذ شده در حوزه بازار پول می‌تواند به آسیب‌پذیری بازار سرمایه منجر شود. تازمانی که اتاق‌های فکر اقتصادی درک درستی از منافع کلان اقتصادی نداشته باشند و نتوانند آن را به مرحله اجرا درآورند، این ناهمگونی باعث تلاطم در وضعیت اقتصادی و برهم‌خوردگی ثبات اقتصادی خواهد شد. بهترین راهکار برای کنترل تورم، مشارکت بخش خصوصی، کوچک‌سازی دولت و انضباط مالی دقیق دولت است.

دولت به منظور پوشش کسری بودجه، از بانک‌ها و بانک مرکزی و از صندوق توسعه ملی استفاده می‌کند. این در حالی است که برخی مخارج دولت به صورت صریح در بودجه لحاظ نمی‌شود و برخی درآمدهای نفتی نیز خارج از صندوق دولت به هزینه تبدیل می‌شوند، مانند هزینه‌های برون‌مرزی. در این راستا، تحریم‌ها تا چه حد در وضعیت اقتصادی و تورم تأثیرگذار بوده‌اند؟ به استناد گفته‌ای، تأثیرات سوء اقتصادی ناشی از سوءمدیریت در کشور است و تحریم‌ها حداقل تأثیر نداشته‌اند.



مدیریت بانک مرکزی مانع افزایش شدید نرخ ارز می شود

سید حمید حسینی

عضو اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق



- با وجود بحران های سیاسی و نظامی در منطقه پیش بینی های نگران کننده ای مبنی بر افزایش قیمت ارز وجود داشت که محقق نشد
- یکی از اقداماتی که به ثبات ارزی کمک کرده، حفظ مدیریت بانک مرکزی در شرایط حساس کنونی است
- اقدامات زیرساختی بانک مرکزی از جمله راه اندازی مرکز مبادله و دیپلماسی ارزی به بهبود وضعیت بازار ارز کمک کرده است

در غیر این صورت، قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی برای آینده از آن ها سلب می شود. در سال های اخیر، به ویژه از سال گذشته، شاهد ثبات ارزی قابل

فعالان اقتصادی و نگاه ها بر این باورند که ثبات قوانین و مقررات و پیش بینی پذیری نرخ ارز از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳۲



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

توجهی بوده‌ایم که به کاهش نوسانات بازار ارز کمک کرده است. با وجود بحران‌های سیاسی و نظامی در منطقه، پیش‌بینی‌های نگران‌کننده‌ای مبنی بر افزایش قیمت ارز به ۱۲۰ هزار تومان وجود داشت که محقق نشد. این نشان‌دهنده موفقیت بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز و کنترل انتظارات تورمی است.

یکی از عواملی که به ثبات ارزی کمک کرده، تقویت اختیارات بانک مرکزی و افزایش استقلال آن است. رئیس بانک مرکزی به‌طور مستقیم تحت تأثیر رئیس‌جمهور قرار دارد، اما در عین حال، توانسته است سیاست‌های پولی مؤثری را پیاده‌سازی کند و ترازنامه بانک‌ها و نقدینگی را کنترل نماید. خوشبختانه، شیب تورم نیز در حال کاهش است و این امر به ثبات قیمت‌ها و کاهش بی‌ثباتی در بازار کمک کرده است.

درآمدهای ارزی کشور نیز در دوره اخیر بهبود یافته است. آمار پنج‌ماهه اخیر نشان می‌دهد که متوسط درآمد صادرات نفت خام و گاز از ۳ میلیارد دلار به ۳۰۸ میلیارد دلار افزایش یافته است. همچنین، صادرات غیرنفتی نیز به‌طور متوسط حدود ۳۰۰ میلیون دلار در ماه افزایش یافته است. این افزایش درآمدهای ارزی به بانک مرکزی این امکان را داده است که نیازهای بازار را تأمین کند و از این طریق به ثبات ارزی کمک کند.

یکی دیگر از اقداماتی که به ثبات ارزی کمک کرده، حفظ مدیریت بانک مرکزی در شرایط حساس کنونی است. تغییر و تحولات در بانک مرکزی می‌توانست تأثیرات منفی بر بازار داشته باشد. با حفظ آقای دکتر فرزین در سمت خود، بانک مرکزی توانسته است ثبات بیشتری را در بازار ارز ایجاد کند.

یکی از خواسته‌های فعالان اقتصادی، حذف دلان و واسطه‌های ارزی است که هزینه‌ها را افزایش می‌دهند و روند تجارت را دشوار می‌کنند.

در سال‌های اخیر، اقدامات بانک مرکزی در کاهش نقش واسطه‌ها تأثیرگذار بوده است. پیش از این، نظام ارزی محدود و تخصیص ارز برای نیازهای اساسی باعث شکل‌گیری بازار سیاه شده بود. اما با ورود

بانک مرکزی به این بازار و همچنین ظهور ارزهای دیجیتال، نیاز مردم به مراجعه به دلان کاهش یافته است.

نظام صرافی نیز به تدریج به رسمیت شناخته شده و این امر به نظم‌دهی بازار کمک کرده است.

صرافی‌ها به دلیل خدماتی که ارائه می‌دهند، هزینه‌هایی دارند، اما وجود رقابت در این بازار باعث شده تا هزینه‌های واسطه‌گری کاهش یابد. با این حال، هنوز هم نیاز به بهبود و نظارت بیشتر بر فعالیت‌های صرافی‌ها وجود دارد.

اقدامات زیرساختی بانک مرکزی، از جمله راه‌اندازی مرکز مبادله و دیپلماسی ارزی، به بهبود وضعیت بازار ارز کمک کرده است. این اقدامات به فعالان اقتصادی این امکان را می‌دهد که با سهولت بیشتری به نقل و انتقالات مالی بپردازند. همچنین، راه‌اندازی نیوبانک‌ها و بانک‌های دیجیتال به حل محدودیت‌های نقل و انتقالات کمک کرده است. این بانک‌ها با ارائه تسهیلات راحت‌تر و کاهش محدودیت‌ها، به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کنند. مبادلات ارزی با کشورهای دیگر، به ویژه با روسیه و عراق، نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

با توجه به روابط تجاری ایران با این کشورها، بسط پیمان‌های دوجانبه می‌تواند به تقویت تجارت خارجی کمک کند. به‌ویژه در مورد روسیه، استفاده از روبل به عنوان واحد پولی در مبادلات می‌تواند به تقویت ریال و کاهش وابستگی به ارزهای خارجی کمک کند. همچنین، در مورد عراق، استفاده از دینار در مبادلات می‌تواند به تسهیل تجارت کمک کند.

در نهایت، اقدامات بانک مرکزی در ایجاد ثبات ارزی و کاهش نوسانات بازار ارز به‌وضوح تأثیرگذار بوده است. با تقویت اختیارات بانک مرکزی، بهبود درآمدهای ارزی، و حذف دلان و واسطه‌ها، شرایط بهتری برای فعالان اقتصادی فراهم شده است. همچنین، بهبود زیرساخت‌های بازار ارزی و بسط پیمان‌های دوجانبه می‌تواند به تقویت تجارت خارجی و افزایش ثبات اقتصادی کمک کند. با این حال، برای حفظ این شرایط، نیاز به نظارت مستمر و اقدامات مؤثر در زمینه سیاست‌های پولی و مالی وجود دارد.

یکی از عواملی که به ثبات ارزی کمک کرده، تقویت اختیارات بانک مرکزی و افزایش استقلال آن است



بانک مرکزی در کنترل تورم موفق بود

موسی شهبازی

کارشناس مسائل اقتصادی



● بانک مرکزی نسبت به سال‌های گذشته در حوزه کنترل تورم، تغییرات نرخ ارز و به طور کلی کنترل رشد نقدینگی موفق‌تر عمل کرده است

و دستورالعمل‌هایی که ابلاغ شد، در عمل در بسط و توسعه این ابزارها موفقیت چندانی حاصل نشد.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، تأثیر رشد ترازنامه شبکه بانکی بر رشد اقتصادی کشور است. در شرایط تورمی، محدودیت رشد ترازنامه بانک‌ها هزینه‌های تأمین مالی را برای اقتصاد افزایش می‌دهد. این به معنای محدودتر شدن دسترسی بنگاه‌ها به تأمین مالی و کاهش پروژه‌های اقتصادی است که می‌توانستند از این منابع بهره‌مند شوند. در این راستا، بانک مرکزی باید نظارت دقیق‌تری بر اعطای تسهیلات بانکی به عمل می‌آورد. به ویژه تسهیلات کلان و تسهیلات مرتبط با شرکت‌های وابسته به بانک‌ها می‌توانستند با نظارت بیشتری توزیع شوند تا بخش‌های مولد اقتصاد دسترسی بهتری به تأمین مالی داشته باشند.

در نهایت، در حوزه نظارت بر توزیع و تخصیص منابع در شبکه بانکی، به نظر می‌رسد بانک مرکزی نتوانسته است به نتایج مورد انتظار دست یابد. این موضوع نشان‌دهنده نیاز به بهبود در فرآیندهای نظارتی و تخصیص منابع است. بنابراین، با توجه به نقاط قوت و ضعف موجود، می‌توان به عملکرد بانک مرکزی نمره‌ای متوسط داد.

در مجموع، بانک مرکزی در شرایط کنونی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. اگرچه در برخی حوزه‌ها موفقیت‌هایی به دست آورده، اما نیاز به اصلاحات جدی و نظارت دقیق‌تر بر شبکه بانکی و تخصیص منابع وجود دارد. بهبود در این زمینه‌ها می‌تواند به تأمین ثبات اقتصادی و رشد پایدار کمک کند و در نهایت به تقویت اعتماد عمومی به این نهاد منجر شود.

در سال‌های اخیر، اقتصاد کشور با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. این چالش‌ها شامل افزایش انتظارات تورمی، مسائل بین‌المللی و مشکلات داخلی ناشی از انباشت مسائل اقتصادی از دهه ۹۰ می‌شود. در این شرایط، بانک مرکزی با یک فضای اقتصادی و تورمی پیچیده روبه‌رو بوده که نیازمند تحلیل دقیق عملکرد آن در راستای تأمین ثبات قیمتی و اقتصادی است. برای ارزیابی موفقیت بانک مرکزی، باید شرایط اقتصادی کشور، ابزارها و ظرفیت‌های موجود برای تغییر را در نظر گرفت. در این چارچوب، می‌توان گفت که بانک مرکزی نسبت به سال‌های گذشته در حوزه کنترل تورم، تغییرات نرخ ارز و به طور کلی کنترل رشد نقدینگی موفق‌تر عمل کرده است. به ویژه در سه محور یادشده، بانک مرکزی موفقیت نسبی را تجربه کرده است.

یکی از سیاست‌های موفق بانک مرکزی، کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها بود که با هدف کنترل عوامل بلندمدت تورم طراحی شده بود. هرچند در کوتاه‌مدت، افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی‌های اقتصادی مانع از تحقق کامل اهداف تورمی شد، اما در زمینه کنترل کل‌های پولی و رشد نقدینگی، ارزیابی مثبت و موافقی می‌توان داشت. با این حال، نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

نقطه ضعف اصلی در این زمینه، عدم تمرکز جدی بر اصلاح ترازنامه شبکه بانکی است. بانک مرکزی می‌توانست اقدامات جدی‌تری برای اصلاح ناترازی‌های شبکه بانکی انجام دهد. همچنین، در خصوص ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای که به عنوان جایگزینی برای ابزارهای تأمین مالی متعارف بانکی مطرح شده‌اند، علی‌رغم اقداماتی که صورت گرفت

۳۴



● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

هادی رهگشای، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت وگو با تازه های اقتصاد:

بار تسهیلات تکلیفی باید از دوش بانک ها برداشته شود

- تورم بلندمدت در اقتصاد ایران به انضباط مالی دولت و ناترازی بانک ها برمی گردد
- هدف از مدیریت نوسانات ارزی، ایجاد پیش بینی پذیری به جای ثبات کامل است
- انضباط مالی دولت مهم ترین بخش در بهبود وضعیت اقتصادی است و باید بودجه واقعی شود
- تسهیلات تکلیفی باید از دستور کار خارج شود و بار آن به نظام بانکی تحمیل نشود



نوسانات ارزی
به طور جدی
بر تورم های
بی ثبات کننده
تأثیر می گذارد
و بانک مرکزی
می تواند در
این زمینه نقش
مؤثری ایفا کند

در دنیای امروز، اقتصادها به طور فزاینده ای تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارند. در این میان، ایران به عنوان یک کشور با منابع غنی و پتانسیل های اقتصادی بالا، با چالش های خاص خود روبرو است. یکی از این چالش ها، نرخ های بالای تورم و نوسانات ارزی است که به طور مستقیم بر زندگی روزمره مردم و فعالیت های اقتصادی تأثیر می گذارد. این وضعیت نه تنها نتیجه ای از سیاست های اقتصادی ناپایدار و مشکلات ساختاری در نظام مالی کشور است، بلکه به طور قابل توجهی تحت تأثیر تحریم های بین المللی و نوسانات بازارهای جهانی نیز قرار دارد.

علاوه بر این، مسائلی چون عدم شفافیت در سیاست های اقتصادی، ضعف در سیستم بانکی و ناترازی های مالی، بر پیچیدگی های این بحران می افزایند. در این راستا، بررسی راهکارهای مؤثر برای مقابله با این چالش ها و ایجاد ثبات اقتصادی، امری ضروری به نظر می رسد. به ویژه، نقش دولت و بانک مرکزی در مدیریت این بحران و ایجاد هماهنگی بین سیاست های مالی و پولی، می تواند تأثیر بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد.

در گفت و گو با هادی رهگشای، کارشناس مسائل اقتصادی، به تحلیل علل اصلی تورم و نوسانات ارزی خواهیم پرداخت و به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه می توان با اتخاذ سیاست های مناسب و اجرای برنامه های مؤثر، از این بحران عبور کرد. همچنین، به اهمیت همکاری های بین المللی و انعقاد پیمان های تجاری و پولی در تقویت اقتصاد کشور و کاهش تأثیرات منفی تحریم ها خواهیم پرداخت.

علت تورم های بالای ماندگار اقتصاد ایران چیست و آیا عواملی مانند نفتی بودن اقتصاد، کسری بودجه و بی انضباطی مالی در این زمینه مؤثر هستند؟

معتمد تورم بلندمدت در اقتصاد ایران به انضباط مالی دولت و ناترازی بانک ها برمی گردد. برای حل این مسائل، لازم است تدابیری اندیشیده شود. شاید بانک مرکزی

به تنهایی نتواند اقدامات مؤثری در این زمینه انجام دهد و بنابراین، مجموعه دولت، وزارت اقتصاد و به ویژه شخص رئیس جمهور و معاونین باید این موضوع را در اولویت قرار دهند تا تورم بلندمدت کشور کاهش یابد.

علاوه بر این، ما با تورم های دوره ای و نوسانی نیز مواجه هستیم که به طور جدی بی ثباتی را به اقتصاد ما تحمیل می کند و عدم پیش بینی پذیری را برای بازرگانان، تولیدکنندگان و سرمایه گذاران ایجاد می کند. هرچند تورم بلندمدت نیز مهم است، اما در حال حاضر باید بر روی مقابله با تورم های بی ثبات کننده مقطعی تمرکز کنیم.

به نظر می رسد ریشه این نوسانات، نوسانات ارزی است و در این زمینه، بانک مرکزی می تواند نقش مؤثری ایفا کند. هدف از این اقدام، ایجاد ثبات کامل نیست، بلکه منظور پیش بینی پذیری است؛ به طوری که شرایط نرخ ارز از حالت افسارگسیخته خارج شود و حتی اگر رو به رشد باشد، این رشد در چارچوبی پیش بینی پذیر اتفاق بیفتد.

دو نکته دیگر در مورد مقابله با تورم وجود دارد. اول اینکه باید نوسانات ارزی را در اولویت قرار دهیم و از ابزارهایی مانند نرخ بهره استفاده کنیم، هرچند با توجه به ناترازی نظام بانکی، این ابزار به خوبی قابل استفاده نیست. نکته دوم این است که اگر بانک مرکزی، دولت و سایر دستگاه ها هدف گذاری تورمی را دنبال کنند، همان طور که از شروع دولت آقای رئیسی شاهد بودیم، باید این اقدامات را در کنار یک برنامه رشد اقتصادی و هدایت نقدینگی قرار دهند. در غیر این صورت، این اقدامات ناقص خواهند ماند و صرفاً تورم را به زمان آینده موکول می کنند. اگر رشد نقدینگی داشته باشیم، حتماً به تورم می رسیم، اما اگر رشد نقدینگی را هدف گذاری کنیم و به سمت ایجاد زیرساخت های رشد اقتصادی سوق دهیم، می توانیم امیدوار باشیم که تورم کاهش یابد.

این نکته مغفول در سال های اخیر مورد توجه قرار نگرفته است. بانک مرکزی به بانک ها می گفت که رشد ترانزاکشن را متوقف کنند، بدون آنکه به کیفیت این رشد توجه کند. افزایش تسهیلات و سپرده ها باید به سمت اقتصاد واقعی هدایت شود، نه اینکه وام های خرد قطع شود و وام ها به شرکت های خودشان داده شود. به نظرمی رسد ترکیبی که در کیفیت تسهیلات دهی به هم خورده، نه تنها به سمت



مثبت نبوده بلکه به سمت منفی رفته و ممکن است در آینده تبعات منفی برای اقتصاد به همراه داشته باشد.

جزیره‌ای عمل کردن

سیاست‌های تجاری، مالی

و پولی و سلطه سیاست‌های

مالی دولت بر سیاست‌های

پولی بانک مرکزی باعث کاهش

اثرات مثبت سیاست‌هایی شود.

چه راهکاری برای هماهنگ‌تر

کردن این سیاست‌ها می‌توان

ارائه کرد؟

مهم‌ترین بخش در این زمینه، انضباط مالی دولت است. اگر دولت اراده جدی داشته باشد، می‌تواند بودجه خود و شرکت‌های زیرمجموعه‌اش را واقعی کند. بخش قابل توجهی از تسهیلات تکلیفی در حال حاضر وجاهت ندارد و باید در قالب برنامه انضباط مالی دولت از دستور کار خارج شود.

اگر دولت تمایل دارد چنین تسهیلاتی را ارائه دهد، باید از بودجه خود استفاده کند و نه اینکه این بار را به نظام بانکی تحمیل کند. بنابراین، شروع این فرآیند باید با اراده دولت برای واقعی کردن بودجه‌اش و کاهش بار اضافی از نهادهای دولتی و برخی شرکت‌های خصولتی بر دوش نظام بانکی آغاز شود.

علاوه بر این، نظام بانکی ما نیازمند یک بازنگری اساسی در مقاصد تسهیلات خود است. اینطور نیست که با برداشتن بار تسهیلات تکلیفی از دوش نظام بانکی، مشکل به‌طور کامل حل شود. به دلایل مختلف و کج‌کارکردهایی که در اقتصاد و ساختار نظام بانکی وجود دارد، مقاصد تسهیلات به خوبی انتخاب نمی‌شوند. بنابراین، باید برنامه‌ای برای هدایت منابع به سمت پروژه‌های پیشران اقتصادی تدوین شود.

این تسهیلات باید برای مقاصد مشخصی مانند

پروژه‌ها و طرح‌هایی باشد که هم برای بانک‌ها سودآور است و هم در راستای منافع ملی قرار دارد. بانک‌ها باید متعهد شوند که مقاصد تسهیلات را از بین این پروژه‌ها انتخاب کنند و از سرمایه‌گذاری در جاهایی مانند خرید و فروش ارز و سایر فعالیت‌ها در شرکت‌های زیرمجموعه و سهامداران خود پرهیز کنند. اینگونه می‌توان به هماهنگی بهتری بین سیاست‌های تجاری، مالی و پولی دست یافت و اثرات مثبت آن‌ها را تقویت کرد.

نقش تحریم‌ها بر نرخ‌های تورم

بالای اقتصاد ایران چقدر مؤثر

است؟ چه اقداماتی باید در

این راستا انجام داد؟ انعقاد

پیمان‌های دو و چندجانبه و

دیپلماسی ارزی تا چه میزان

مؤثر است؟

بدون شک، تحریم‌ها تأثیر قابل توجهی بر نرخ‌های تورم بالای اقتصاد ایران داشته‌اند. این تأثیر نه تنها در کاهش درآمدهای نفتی دولت و به تبع آن بر انضباط مالی و تورم بلندمدت مشهود است، بلکه در کوتاه‌مدت نیز نوسانات ارزی را به همراه دارد. نمی‌توان از تأثیرات تحریم‌ها چشم‌پوشی کرد.

مجموعه دولت و بانک مرکزی نمی‌توانند به گزینه برداشتن تحریم‌ها تکیه کنند و نباید وقت خود را صرف انتظار برای این امر کنند. هرچند که مخالف برداشتن تحریم‌ها نیستیم، اما این گزینه در حال حاضر ممکن نیست و تنها وقت ما را تلف می‌کند. بنابراین، لازم است اقداماتی برای بهبود شرایط فروش نفت و افزایش منابع ارزی از طریق توسعه صادرات غیرنفتی انجام شود.

یکی از نهادهایی که می‌تواند به فرآیند بهبود تجارت خارجی ایران با وجود تحریم‌ها کمک کند، ایجاد بسترهای مبادلات رسمی بین

نوسانات ارزی
باید در اولویت
قرار گیرد و
از ابزارهایی
مانند نرخ بهره
برای کنترل آن
استفاده شود
هرچند که
ناترازی نظام
بانکی این ابزار
را به خوبی
قابل استفاده
نمی‌کند



نقدی‌نگی کنترل شود، تورم کاهش می‌یابد

اگر رشد نقدی‌نگی داشته باشیم، حتماً به تورم می‌رسیم، اما اگر رشد نقدی‌نگی را هدف گذاری کنیم و به سمت ایجاد زیرساخت‌های رشد اقتصادی سوق دهیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که تورم کاهش یابد.

اگر بانک
مرکزی و دولت
هدف گذاری
تورمی را دنبال
کنند، باید این
اقدامات را در
کنار یک برنامه
رشد اقتصادی
و هدایت
نقدینگی قرار
دهند

۳۸



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

بانکی با کشورهایی است که تمایل به همکاری
تجاری با ایران دارند. این اقدام می تواند مسیر
قانونی، کم هزینه و کم ریسکی را برای بازرگانان
و طرف های تجاری فراهم کند و در نتیجه
به رشد تجارت و کیفیت منابع ارزی حاصل
از آن کمک کند. بیش از ۱۳ سال است که با
شرایط تحریمی دست و پنجه نرم می کنیم،
اما از دید یک ناظر بیرونی مانند چین، ایران
هنوز اقدام مؤثری برای ایجاد ساختارهای
جایگزین نظامات دلاری انجام نداده است.
حتی اگر بخشی از تجارت خود را (حدود ۵ تا
۱۰ درصد) از طریق این ساختارها انجام دهد،
باید کانال های کم ریسک و تأیید شده ای را از
طرف دولت ها ایجاد کند که بتوانند بخشی از
کار را پوشش دهند.

به نظر می رسد رفع تحریم ها از همین کانال ها
ممکن است. طرفی که تحریم می کند، اگر
احساس کند که ما راه های جایگزین و فراری
ایجاد کرده ایم، تمایل بیشتری به برداشتن
تحریم ها خواهد داشت، زیرا می بیند که
اقداماتی انجام شده که اثرگذار است.

انعقاد پیمان پولی بین ایران و روسیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

این اقدام را بسیار مثبت ارزیابی می کنم.
پیمان پولی بین ایران و روسیه ابعاد کلانی
دارد که می تواند به تجارت بازرگانان کمک کند
و همچنین به توریست های خارجی که به ایران
می آیند و ایرانیانی که به روسیه سفر می کنند،
این امکان را می دهد که پرداخت های خرد خود
را از این طریق انجام دهند.

این نوع همکاری، اقدامی است که باید از ۱۳
سال پیش، زمانی که تحریم ها به طور جدی
آغاز شد، در دستور کار قرار می گرفت. هرچند
که این اقدام دیر انجام شده، اما در حال حاضر
بسیار ضروری است و می تواند به تقویت روابط
اقتصادی و تجاری دو کشور کمک شایانی کند.
این پیمان می تواند به کاهش وابستگی به نظام
مالی دلاری کمک کرده و به طور کلی به بهبود
شرایط اقتصادی ایران در شرایط تحریمی کمک
کند.

در چند وقت اخیر، با وجود
اتفاقات سیاسی و بین المللی
مهمی که رخ داده، نوسانات
نرخ ارز به صورت شدیدی
مشاهده نشده است. تا چه

میزان سیاست ها و اقدامات دولت و بانک مرکزی را در این زمینه مؤثر می دانید؟

مجموعه اقدامات بانک مرکزی در جهت ثبات
بخشی به نرخ ارز را اثرگذار می دانم، به ویژه
از زمانی که آقای فرزند به عنوان رئیس بانک
مرکزی منصوب شده اند. با این حال، نکته ای که
می تواند مکمل حرکات آنها باشد، محدود کردن
بازار غیررسمی است.

وقتی با موجی از انتظارات تورمی مواجه
می شویم، اعلام این که ارز را در بازار آزاد
می فروشیم و هر کسی می تواند بخرد یا سکه
را ضرب کرده و به صورت فیزیکی به مردم
عرضه کنیم، به نظر من، این اقدامات تنها بازار
غیررسمی را تشدید می کند و به آن رسمیت
می بخشد. به عبارتی، این رویکرد باعث می شود
که مردم به خرید و فروش ارز و سکه در بازار
غیررسمی ادامه دهند، که در هیچ کجای دنیا
معمول نیست.

بنابراین، بانک مرکزی باید راهبردش را بر
محدود کردن بازار غیررسمی متمرکز کند و اعلام
کند که ارز مورد نیاز وارد کنندگان و مسافران را
تأمین می کند و به این افراد در سریع ترین زمان
ممکن ارز کافی می رساند. این نباید به گونه ای
باشد که با افزایش قیمت، هر کسی بتواند
به راحتی ارز و طلا بخرد و به این ترتیب، بازار
غیررسمی را تقویت کند.

در بلندمدت، باید به سمتی برویم که مبادلات
ارزی غیر از وارد کنندگان و مسافران خارجی
به طور کامل محدود و غیرممکن باشد. در
بسیاری از کشورهای دیگر، دسترسی به ارز
خارجی برای افراد عادی به راحتی امکان پذیر
نیست و معمولاً فقط برای وارد کنندگان و افرادی
که قصد سفر خارجی دارند، مجاز است.

این نکته مهمی در خصوص جلوگیری از
نوسانات ارزی است که به آن توجهی نشده
است. صحبت از این که نرخ رسمی باید به نرخ
غیررسمی نزدیک شود، منطقی نیست. نرخ
غیررسمی ممکن است تحت تأثیر خروج سرمایه
باشد و نمی توان آن را به رسمیت شناخت.
به این ترتیب، نمی توان گفت که چون تقاضای
بالایی برای خروج سرمایه وجود دارد، باید نرخ
رسمی را به تناسب آن افزایش دهیم.

با تثبیت نرخ رسمی موافق نیستیم؛ بلکه باید
در فرآیند پیش بینی شده افزایش یابد. اما
این که بخواهیم نرخ رسمی را به نرخ غیررسمی
برسانیم، منطقی نیست، زیرا باید با بازاری که در
غیررسمی وجود دارد، مقابله کنیم.

وجود کسری بودجه کنترل نقدینگی را دشوار می‌کند

آلبرت بغریان

اقتصاددان



دلایل تورم در اقتصاد ایران کاملاً مشخص است و نیازی به جستجوی عمیق‌تر برای یافتن آنها نیست. یکی از دلایل اصلی، رشد نقدینگی است که بانک مرکزی مسئول آن است. در پاسخ به این سوال که چرا پایه پولی و نقدینگی افزایش یافته و کنترل نشده، مسئولان بانک مرکزی به ناترازی بانک‌ها اشاره می‌کنند که باعث شده آنها بیش از توان خود اعتبار ایجاد کنند. در واقع، بانک مرکزی به دلیل کسری بودجه دولت ناچار است و جویی را در اختیار آن قرار دهد. این کسری بودجه، دلیل عمده‌ای برای ایجاد تقاضا در بازار و به تبع آن رشد نقدینگی است. دولت علت کسری بودجه را عدم تناسب درآمد و هزینه‌ها عنوان می‌کند. هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به دلیل تورم افزایش یافته، در حالی که درآمدها به ویژه درآمدهای مالیاتی کم رشد کرده‌اند. درآمدهای نفتی نیز به دلیل تحریم‌ها به کشور برنگشته و به بانک مرکزی واریز نشده است. در این شرایط، حل مشکل کسری بودجه نیازمند کاهش تحریم‌ها و به نتیجه رسیدن مذاکرات برجام است. تا زمانی که مسأله تحریم‌ها و ارتباطات مالی حل نشود، وضعیت اقتصادی به همین شکل باقی خواهد ماند. در حال حاضر، مشکلاتی مانند کسری بودجه، رشد نقدینگی و ناترازی بانک‌ها به وضوح در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود. این مشکلات باعث شده است که پول اعتباری زیادی به بازار تزریق شود و اعتباراتی که به عنوان تسهیلات داده شده، به بازارهای موازی برود. به عبارت دیگر، یکی از عواملی که به تورم دامن می‌زند، خود تورم است. برای جبران تورم‌های ایجاد شده، دوباره افزایش قیمت‌ها رخ می‌دهد که این خود به تقویت تورم منجر می‌شود. در سطح جهانی، مبارزه با تورم به عنوان یک معضل قابل حل شناخته می‌شود. در برخی کشورها تورم به دلیل عوامل مقطعی مانند جنگ یا اختلالات تجاری افزایش می‌یابد، اما این مشکلات معمولاً با تدابیر مناسب قابل مدیریت هستند. به عنوان مثال، در آلمان، قیمت‌ها در بخش خوراکی به دلیل افزایش مقطعی، تنها ۵ درصد افزایش یافت، اما این مشکل با تدابیر مناسب حل شد. خوشبختانه، در سال‌های اخیر، بخش مسکن در رکود قرار دارد و رشد نکرده است. اما تا زمانی که دولت کسری بودجه خود

را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین کند، تورم ماندگار خواهد بود. فرار مالیاتی و کاهش اظهارنامه‌ها و فعالیت‌های قاچاق نیز همواره وجود داشته است. هر کاندیدایی که به قدرت می‌رسد، وعده‌های مشابهی در مورد انضباط مالی می‌دهد، اما در عمل، مشکلات همچنان پابرجا هستند. یکی از مشکلات اصلی اقتصاد ایران، عدم هماهنگی بین سیاست‌های تجاری، پولی و مالی است. تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی باعث می‌شود که بسیاری از سیاست‌های بانک مرکزی به عنوان سیاست گذار پولی اثرات کامل خود را نداشته باشند. در جمع اقتصاددان‌ها، وقتی از عدم هماهنگی صحبت می‌شود، به این معناست که بانک مرکزی مجبور است به خواسته‌های دولت پاسخ دهد و این امر موجب می‌شود که سیاست‌های پولی به درستی اجرا نشوند. به عنوان مثال، اگر دولت برای پرداخت حقوق نیاز به نقدینگی داشته باشد، بانک مرکزی ناچار است به این درخواست پاسخ دهد، حتی اگر این کار به افزایش تورم منجر شود. در واقع، هر نهاد اقتصادی به طور مستقل عمل می‌کند و این امر باعث ایجاد اختلال در بازارها می‌شود. این وضعیت به نوعی شبیه به یک ارکستر است که باید به درستی رهبری شود تا صدای خوشایندی ایجاد کند. در این راستا، هماهنگی بین رئیس بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و وزیر صنعت ضروری است. برای حل مشکلات اقتصادی و کاهش تورم، نیاز به هماهنگی بین سیاست‌گذاران و اجرای برنامه‌های مشترک وجود دارد. این هماهنگی می‌تواند با برگزاری جلسات منظم و تبادل نظر بین نهادهای مختلف اقتصادی ایجاد شود. هدف نهایی باید رفاه مردم، تولید ملی و ثبات قیمت‌ها باشد. در این راستا، وزرا و مسئولین باید از تصمیمات خود آگاه باشند و تلاش کنند که فعالیت‌هایشان یکدیگر را خنثی نکنند. علاوه بر این، استقلال بانک مرکزی از دولت نیز یک پیش‌نیاز اساسی برای کنترل تورم است. بانک مرکزی باید بتواند بدون فشار از طرف دولت، سیاست‌های پولی خود را اجرا کند. در شرایط بحران، استقلال بانک مرکزی نباید تحت تأثیر قرار گیرد و باید بتواند به تأمین کسری بودجه دولت پاسخ دهد، اما با شرایطی که به نفع اقتصاد کلان کشور باشد.





در مراسم رونمایی از کتاب «تأثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد ایران» مطرح شد

پایداری اقتصاد ایران افزایش یافت

- وابستگی اقتصاد ایران به نفت کاهش یافته و نشان دهنده این است که اقتصاد ما پایدارتر شده است
- آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که درآمد نفتی ما ۵۶ میلیارد دلار بوده و این اتفاق در سه سال اخیر افتاده و اثرش را بر رشد اقتصادی گذاشته است
- اکنون بالای ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داریم و این نشان دهنده وجود حفره‌هایی در ساختار تحریم‌هاست

۴۰



اقتصاد

● شماره ۶۳ - آبان ۱۴۰۳ ●

ایران و آمریکا با وجود اینکه طی ۴۵ سال گذشته رابطه دیپلماتیک مستمر با یکدیگر نداشته‌اند، اما به انحای مختلف تحت تأثیر سیاست‌ها و اقدامات یکدیگر قرار گرفته‌اند. یکی از این موضوعات، مسئله تغییرات سیاسی آمریکاست. واضح است ورود جمهوری خواهان یا دموکرات‌ها به کاخ سفید تأثیرات محسوسی بر جهان خواهد گذاشت و ایران نیز یکی از کشورهایی است که از این جابجایی تأثیری می‌پذیرد.

تحلیلگران ایرانی در خصوص پیامدهای آتی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موضع واحدی ندارند. برخی معتقدند با توجه به اینکه تحریم‌ها در دوره جو بایدن ادامه داشته و تقریباً زمینه‌ای برای تحریم بیشتر ایران باقی نمانده و همچنین با توجه به اینکه کانال‌های ارتباطی ایران برای دور زدن تحریم‌ها طی سال‌های اخیر گسترش یافته، به نظر نمی‌رسد، تغییر قابل توجهی در وضعیت اقتصادی کشور ایجاد شود. بنابراین، نگرانی‌ها بی‌مورد بوده یا بیش از حد بدبینانه است. بنا بر ادعای این گروه، تفاوت بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در سطح تاکتیک‌هاست. اشاره گروه اول به سیاست‌های دور اول ریاست جمهوری باراک اوباما است که طی آن، اوباما دموکرات با اعمال بی‌سابقه‌ترین نظام تحریمی بر علیه ایران، به عنوان «آقای تحریم‌ها» در جهان دست یافت. به گفته گروه اول، ساختار تحریمی که دونالد ترامپ در پسابرجام بر ایران تحمیل کرد، زیرساخت‌های حقوقی و فنی آن را باراک اوباما فراهم کرده بود. اما در مقابل، گروه دومی نیز هستند که معتقدند بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان تفاوت‌هایی از جنبه تسامح و تساهل وجود دارد، به طوری که ورود جمهوری خواهان به کاخ سفید با سیاست‌های سختگیرانه‌تری همراه خواهد شد و ظرفیت تنش‌زدایی و رفع تحریم‌ها را از بین می‌برد.

براین اساس، سناریوهای مختلف اثرگذاری و اثرپذیری اقتصاد ایران از پیروزی دموکرات‌ها یا جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ میلادی آمریکا موجب شده «مؤسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز» وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخشی از فعالیت‌های پژوهشی و رسانه‌ای خود را به این موضوع اختصاص دهد. هدف مؤسسه

این است که با تحلیل عمیق شرایط حال و آینده، از زوایای مختلف، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که پیروزی هریک از نامزدهای حزب جمهوری خواه یا دموکرات چه تأثیری بر اقتصاد ایران به صورت کلی و بخش‌های مختلف آن به صورت جزئی خواهد داشت. فعالیت‌های پژوهشگران حاضر در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز در نهایت منجر به تهیه و تدوین کتابی با عنوان «تأثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد ایران» شده است. کتاب یاد شده، متشکل از نظرات کارشناسی ۲۷ نخبه دانشگاهی یا اجرایی کشور، درصدد است، تصمیم‌گیران کشور را در جریان مسائل و سناریوهای مرتبط با بازگشت جمهوری خواهان به قدرت و یادآوم حکمرانی دموکرات‌ها قرار دهد. بی‌تردید، راهبردهای اساسی در روابط خارجی آمریکا معمولاً با جابجایی رئیس جمهور تغییرات اساسی نمی‌کند. با این حال، اصل دوراندیشی در سیاست‌گذاری اقتصاد می‌کند، تمام سناریوهای احتمالی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و در خصوص آنها برنامه‌ریزی صورت گیرد.

نوشتر حاضر خلاصه‌ای از نشست رونمایی و نقد و بررسی کتاب «تأثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد ایران» است که در تاریخ ۲۴ مهرماه در محل موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز و با حضور دکتر علی سرزعیم، دکتر عباس ملکی و دکتر حمید حسینی برگزار شده است.

بزرگترین فرصت‌ها تا زمان انتخابات آمریکا پیش روی ایران قرار دارد

**عباس ملکی، دیپلمات سابق
وزارت امور خارجه و عضو
هیئت علمی دانشگاه صنعتی
شریف: مسئله‌ای که به نظر من**



می‌تواند نقطه شروع بحث باشد، این است که مصرف نفت خام جهان در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۰۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز تخمین زده می‌شود که این مقدار، حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه بیشتر از سال ۲۰۲۳ است. از این ۱۰۳۰۵ میلیون بشکه در روز، حدود ۲۰ میلیون بشکه به مصرف ایالات متحده آمریکا اختصاص دارد. از این ۲۰ میلیون بشکه، ایالات متحده تقریباً ۱۳ میلیون بشکه را خود تولید می‌کند و ۷ میلیون بشکه را وارد می‌کند.

نکته دیگری که در زمینه منابع انرژی و مسائل مرتبط با آن وجود دارد، این است که هر کشوری

اگرچه تولید
نفت ما کم
است، اما
موقعیت
ژئوپلیتیکی و
مسائل مربوط
به آینده انرژی
نشان می‌دهد
که ایران
همچنان یک
بازیگر مهم
خواهد بود





مقداری نفت برای روز مبادا ذخیره می‌کند. این اقدام پس از شوک نفتی ۱۹۷۳، که اعراب علیه کشورهای غربی شیرهای نفت را بستند، انجام شد و منجر به تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی در کشورهای غربی شد. این آژانس بخشی از سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه است و حدود ۳۵ کشور عضو دارد.

آژانس بین‌المللی انرژی تأکید کرده است که هر کشور باید حداقل ۹۰ تا ۱۲۰ روز از کل مصرف نفت خام خود را ذخیره داشته باشد. بنابراین، ایالات متحده باید حداقل ۹۰ روز، یعنی ۱۸۰۰ میلیون بشکه، در ذخایر استراتژیک نفت (SPR) داشته باشد. با این حال، محاسبات نشان می‌دهد که بایدن بیشتر ذخایر نفت ایالات متحده را در بازار عرضه کرده و در حال حاضر فقط ۱۹ روز نفت خام مصرفی آمریکا در SPR موجود است. یکی از دلایل این اقدام، تلاش برای کاهش قیمت نفت خام و به تبع آن قیمت فرآورده‌ها در آستانه انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ است. همچنین، این اقدام به نوعی نشان‌دهنده دخالت در مسائل خاورمیانه است تا تأثیرات بحران‌های جاری در غزه، لبنان و یمن بر قیمت نفت را کاهش دهد.

اگر همه این موارد را کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم که انتخابات آمریکا تأثیر زیادی بر بازار انرژی دارد و از این رو، بر اقتصاد ایران نیز تأثیرگذار است. نکته پایانی این است که آمریکا کشوری است که همواره به دنبال ایده‌های جدید است و به نظر من، فناوری‌های مربوط به انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در آستانه تحولی بزرگ قرار دارند. در هر دوره انتخاباتی، این کشور یکی از این ایده‌ها را معرفی کرده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰، فایزر واکسن کووید-۱۹ را معرفی کرد و این اقدام تأثیر زیادی بر انتخابات داشت. همچنین، در سال ۱۹۹۰، پروفیسور جان دویج از MIT پیش‌بینی کرد که آینده انرژی ایالات متحده به گاز طبیعی وابسته است و این پیش‌بینی به تأسیس سیاست‌های جدید انرژی در دوران کلینتون منجر شد.

از سال ۲۰۰۰ به بعد، روش‌های جدید استخراج گاز طبیعی و نفت خام از شیل به عنوان یک دستاورد بزرگ شناخته شد و این دستاوردها به جمهوری خواهان کمک کرد تا به قدرت برسند. اگر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ نمی‌داد، به نظر می‌رسید که ایالات متحده در زمینه نفت و گاز شیل به موفقیت‌های بیشتری دست می‌یافت. این موارد نشان می‌دهد که سیاست‌های انرژی یک نامزد جمهوری خواه با یک نامزد دموکرات بسیار متفاوت است. در حالی که ایران حداکثر ۳۰۵ میلیون بشکه نفت

تولید می‌کند و حداقل دو میلیون بشکه از آن در داخل کشور مصرف می‌شود، و یک و نیم میلیون بشکه نیز به صادرات اختصاص دارد، باید توجه داشت که شاید به نظر بیاید که این میزان تولید در مقایسه با ۱۰۳ میلیون بشکه جهانی، به نظر ناچیز می‌آید. در انتخابات کشورهای مختلف، ممکن است یک حزب ۴۳ درصد آرا را کسب کند و حزب دیگر ۴۴ درصد، به طوری که هیچ‌کدام نتوانند دولت تشکیل دهند، در حالی که یک حزب دیگر با ۲ درصد آرا و ۳ صندلی، می‌تواند سرنوشت کشور را تغییر دهد.

نفت، گاز و منابع تجدیدپذیر ایران نیز می‌تواند چنین نقشی را ایفا کنند. اگرچه تولید نفت ما کم است، اما موقعیت ژئوپلیتیکی و مسائل مربوط به آینده انرژی نشان می‌دهد که ایران همچنان یک بازیگر مهم است. بنابراین، هر دو طرف، یعنی دموکرات‌ها به رهبری هریس و جمهوری خواهان به رهبری ترامپ، همواره به تحولات ایران توجه دارند. به عنوان مثال، پس از آغاز حملات موشکی ایران به رژیم صهیونیستی، توجه آمریکا به تأسیسات نفتی ایران به طرز غیرطبیعی و فوق‌العاده‌ای افزایش یافته است، که نشان‌دهنده اهمیت ایران در بازار انرژی، حتی با وجود تولید کم آن، است.

از لحاظ سیاست خارجی، به نظر من رابطه معناداری بین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و مسائل ایران وجود دارد. این رابطه همیشه وجود داشته و می‌توان به چند مورد مهم اشاره کرد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۵۲ که آیزنهاور به جای روزولت به قدرت رسید، بلافاصله کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۵۳ انجام شد. تا آن زمان، روزولت با این اقدام مخالفت کرده بود، اما آیزنهاور به سرعت بخش سی‌ای‌آی را مأمور کرد تا این کودتا را انجام دهد.

در سال ۱۹۶۰، انتخاباتی برگزار شد که کندی پیروز شد. در آن زمان، شاه احساس کرد که ضعیف شده و آمینی نیز به کندی نزدیک بود. انقلاب سفید نیز حاصل مجادله رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا با ایران بود. کندی هیئتی را به ایران فرستاد که یکی از اعضای آن ساموئل هانتینگتون بود و آنها اعلام کردند که این کشور تقریباً در قرون وسطی متوقف است.

اگر به جلدتر برویم، در زمان نیکسون، ایالات متحده به این نتیجه رسید که ایران نمی‌خواهد در قیمت نفت با آمریکا همکاری کند و به همین دلیل با عربستان سعودی همکاری کرد. این همکاری باعث شد که شاه ایران زمین بخورد. در سال ۱۹۷۶، با وجود پیش‌بینی‌ها مبنی بر افزایش قیمت

نفت، قیمت‌ها بالا نرفت و ایران با مشکلاتی مانند ناترازی و قطع برق مواجه بود.

انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و عدم آزادی گروگان‌ها در سال ۱۹۸۰ باعث شد که رینگ وارد کاخ سفید شود. در دوره بوش پدر، جنگ ایران و عراق و سپس هجوم عراق به کویت از دلایل عدم موفقیت او در انتخابات بود. در دوره کلینتون، تحریم‌ها آغاز شد و در سال ۲۰۰۰ تشدید شد. پس از آن ۱۱ سپتامبر، تأثیرات زیادی بر سیاست‌های آمریکا و ایران گذاشت.

در دوره اوباما، ایرانی‌ها توانستند با آمریکا گفتگو کنند و پس از آن، در دوره ترامپ و بایدن، دوباره مسائل سیاسی به میان آمد. به نظر من، از الان تا روز انتخابات آمریکا، یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌ها برای ایران فراهم است.

ایران برای بازگشت به وضعیت طبیعی خود باید چند اقدام انجام دهد، از جمله آزادسازی تجارت. ایران به جایی رسیده که می‌تواند کار خود را ادامه دهد، اما تحریم‌ها گزنده هستند. به عنوان مثال، تحریم‌های روسیه بیشتر از ماست، اما هوشمندی آنها بیشتر از ما نیست. روس‌ها نفت و گاز خود را می‌فروشند و ما حتی در مورد پتروشیمی نیز دچار مشکل شده‌ایم.

اگر بخواهیم کاری انجام دهیم، باید به این نکته توجه کنیم که کاملاً هریس برای ما کاری نمی‌کند. اگر ترامپ به قدرت برگردد، بستگی به اقدامات ما دارد. اگر سود تجاری داشته باشیم، می‌توانیم با او به نتیجه برسیم. به نظر می‌رسد که عربستان سعودی و کشورهای دیگر در حال حاضر ارتباط خود را با ترامپ برقرار کرده‌اند، زیرا این کشورها می‌خواهند در صحنه باقی بمانند.

از آنجا که حزب جمهوری خواه بیشتر به ذخایر فسیلی و حامل‌های انرژی نزدیک است، می‌توانند در این زمینه کار کنند. البته حزب دموکرات نیز بیشتر به فناوری‌های نو و بهینه‌سازی توجه دارد. به نظر من، در هر دو حزب، ما نیز توانایی و فرصت‌هایی داریم و امیدوارم دولت جدید این مسائل را دنبال کند.

اولین فرصت مهم، کاپ ۲۹ است که چند روز دیگر در جمهوری آذربایجان برگزار می‌شود. ایران باید

در بالاترین سطح در این اجلاس شرکت کند. اگر ما در این اجلاس نباشیم، ممکن است آسیب ببینیم. آنها در حال تلاش هستند تا بر صادرات نفت و گاز مالیات وضع کنند و ما باید در این زمینه فعال باشیم و گفت‌وگو کنیم.

زمینه‌باز پس‌گیری جایگاه استراتژیک ایران در منطقه فراهم شده است

سید حمید حسینی، عضو اتاق

بازرگانی ایران و عراق: تأثیر

روابط و سیاست خارجی بر

وضعیت و سرنوشت ما ایرانی‌ها



غیرقابل انکار است و به دلیل قرار گرفتن در چهارراه تبادلات جهانی، ما همواره از تحولات جهانی متأثر بوده‌ایم. ایران در طول تاریخ کشوری ثروتمند بوده است، و این سؤال مطرح می‌شود که چگونه با وجود ناحیه خشک و بیابانی، ایران به این ثروت دست یافته است. دلیل این ادعا، وجود آثار هنری، تمدنی و ادبیات غنی از تمامی سلسله‌های پادشاهی ایران است. این آثار زمانی شکل می‌گیرند که کشوری از نظر مالی توانمند باشد؛ کشوری که ثروت ندارد، نمی‌تواند به هنر و هنرمند توجه کند. آثار هنری مختلف در طول تاریخ ایران، نشان‌دهنده ثروت و توانمندی این کشور تا ۴۰۰ سال پیش است.

باید بررسی کنیم که چه اتفاقی افتاده که وضعیت ایران از ۴۰۰ سال پیش تغییر کرده است. دورویداد جهانی تأثیر زیادی بر موقعیت ما گذاشت. ما در چهارراه جهانی نشسته بودیم و تبادلات هند و اروپا از طریق ایران انجام می‌شد. بندرعباس، به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری دنیا، محل ورود محصولات ادویه هند به اروپا بود. ادویه برای اروپا اهمیت زیادی داشت، زیرا در آن زمان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد پروتئینی بود و به مواد نگهدارنده‌ای چون فلفل و جوز هندی نیاز داشت. تجارت ادویه یکی از بزرگ‌ترین تجارت‌ها بود و حتی در اروپا اجاره‌خانه‌ها با فلفل پرداخت می‌شد. یکی دیگر از منابع درآمد ما، جاده ابریشم بود. چینی‌ها خراسان را به عنوان آخردنیای می‌شناختند

ما نتوانستیم از فرصت‌های موجود در بازار جهانی نفت بهره‌برداری کنیم و تحریم‌های سیاست‌های خارجی، به‌ویژه اقدامات احزاب آمریکایی، مانع از دستیابی ما به اهداف اقتصادی مان شدند



باتوازن ایجاد شده، اگر در غزه صلح برقرار شود، ما می‌توانیم به تثبیت اوضاع خود در منطقه ادامه دهیم. در این صورت هر دولتی که در آمریکا به قدرت برسد، مجبور خواهد بود با ما همکاری کند

و تمام مبادلات چین از طریق ایران انجام می‌شد. ما به اروپایی‌ها ابریشم می‌دادیم و همواره این انتقاد از سوی اروپایی‌ها مطرح بود که ما در این میان اجحاف می‌کنیم؛ به عنوان مثال، ما ابریشم را با قیمتی از چین خریداری می‌کردیم و سپس با قیمتی بالاتر به آنها می‌فروختیم و از این طریق سود کلانی کسب می‌کردیم.

با گذشت زمان، شاه عباس متوجه کاهش تبادلات تجاری شد و در تلاش برای بهبود وضعیت به دلیل عدم آگاهی از تحولات جهانی، ۹۹۹ کاروانسرا ساخت اما نتوانست جلوی کاهش تجارت را بگیرد. کشف مسیر دریایی جدید توسط واسکود گاما، نیاز هند به عبور از ایران را از بین برد. همچنین، فتح قسطنطنیه توسط عثمانی، راه ورود ما به اروپا را مسدود کرد و این دو رویداد باعث شد که وضعیت اقتصادی ما به شدت آسیب ببیند.

در دوره شاه سلطان حسین، وضعیت اقتصادی به حدی بد بود که لشکر نتوانست از خود دفاع کند و محمود افغان به راحتی اصفهان را تصرف کرد. اما در قرن بیستم، با کشف نفت، نقش ما دوباره احیا شد. در سال‌های ۸۶ و ۸۷، ما سالانه بین ۱۲۵ تا ۱۳۰ میلیارد دلار نفت می‌فروختیم. اگر تحریم‌های خارجی وجود نداشت، وضعیت اقتصادی ما به گونه‌ای دیگر بود. در چهار سال اول دولت احمدی‌نژاد، درآمد نفتی ما به حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار رسید، اما این درآمد چگونه مدیریت شد؟

معجزه‌های اقتصادی در کشورهای دیگر نیز قابل توجه است. برای مثال، تولید نفت روسیه از ۳۰۵ میلیون بشکه به ۱۱ میلیون بشکه رسید و عربستان نیز تولید خود را از ۲۰۵ میلیون به ۱۰ میلیون بشکه افزایش داد. آمریکا نیز با افزایش تولید نفت شیل و چاه‌های نفت طبیعی، به تولید ۱۳۰۵ میلیون بشکه در روز رسید و توانست بخش زیادی از نیاز انرژی خود را تأمین کند.

متأسفانه، ما نتوانستیم از فرصت‌های موجود در بازار جهانی نفت بهره‌برداری کنیم و تحریم‌ها و سیاست‌های خارجی، به ویژه اقدامات احزاب آمریکایی، مانع از دستیابی ما به اهداف اقتصادی‌مان شدند. به همین دلیل من نیز معتقدم که اختلافات بین دو حزب آمریکا تأثیر عمده‌ای بر ما خواهد داشت، به ویژه در زمینه تحریم‌ها و سیاست‌های نفتی.

البته پیش‌بینی‌ها همیشه درست نیستند. ما فکر می‌کردیم با عدم کاندیداتوری بایدن، شاید این فرصت بتواند به ایران کمک کند، اما در این مدت هر دزالتی که ممکن بود در حق ایران انجام شود، واقعاً صورت گرفت. به عنوان مثال، اگر ترامپ در قدرت بود، شاید این اندازه که بایدن با نتانیاها

همراهی کرد و هر کاری خواست انجام داد، واقعاً این کارها انجام نمی‌شد. من اصلاً امیدوار نیستم که با تغییر دولت، اوضاع بهبود یابد. ایرانی‌ها معمولاً تمایل دارند که دموکرات‌ها در قدرت باشند تا جمهوری خواهان، اما عملکرد بایدن در این مدت نشان داد که او جلوی هیچ اقدامی را نگرفته است. بسیاری بر این باورند که ترورهای بدون هماهنگی با آمریکایی‌ها انجام نمی‌شود و حتی استفاده از هواپیمای اف ۳۵ نیز حتماً باید با مجوز آمریکا باشد؛ یعنی تا زمانی که آمریکا مجوز ندهد، حق استفاده از این هواپیما وجود ندارد. بایدن در این زمینه بد عمل کرد و به طور مداوم با اسرائیل همکاری داشت.

به نظر من، سرنوشت جنگ غزه بیشتر از انتخابات آمریکا بر آینده ما تأثیر خواهد گذاشت. دوطرف به جایی رسیده‌اند که دیگر چندان اهمیتی ندارد که دموکرات‌ها در قدرت باشند یا جمهوری خواهان. خوبی دموکرات‌ها در قابل پیش‌بینی هستند، در حالی که ترامپ قابل پیش‌بینی نیست و نمی‌توان گفت با آمدن او چه اتفاقی خواهد افتاد. اما واقعیت این است که دولت پنهان آمریکا سیاست‌های خود را تحمیل می‌کند و این گونه نیست که بگوییم ترامپ می‌تواند دستش باز باشد.

در حال حاضر، نگرانی‌هایی در انتخابات آمریکا وجود دارد. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که ۵۲ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند اقتصاد برایشان مهم است. این در حالی است که آمریکایی‌ها همیشه به مسائل اقتصادی اهمیت نمی‌دادند و بیشتر به سیاست‌های مالی و بیمه‌ای توجه می‌کردند. اقتصاد کلان برایشان آن قدر اهمیت نداشت. به همین دلیل، اگر دموکرات‌ها در قدرت باشند، با وجود جنگ‌های روسیه و خاورمیانه و تنش با چین، اقتصاد آمریکا نمی‌تواند همزمان سه جنگ را تحمل کند. اقتصاد آمریکا در ۴۰۵ سال گذشته تلاش کرده که نرخ رشد را بالای ۲ درصد نگه دارد و تورم را به دو درصد برساند و به اشتغال کمک کند. با این حال، نگرانی وجود دارد که مردم آمریکا به این نتیجه برسند که اگر ترامپ به قدرت برگردد، می‌تواند جنگ روسیه را به سرانجام برساند و مسائل خاورمیانه را حل و فصل کند.

در حال حاضر، با وجود اینکه خامن‌گامالا هریس در نظرسنجی‌ها جلو است، اما وضعیت او در یک هفته اخیر خوب نبوده و آمارها نشان می‌دهد که رشد پیش‌بینی شده محقق نشده است. به همین دلیل، بعید نیست که در نهایت، به خاطر مسائل اقتصادی و نگرانی از آینده، آمریکایی‌ها به سمت ترامپ بروند.



به نظر من، اگر اوضاع در منطقه به سمتی پیش برود که سیاست‌هایی اتخاذ شود که تا انتخابات، آتش‌بس در غزه برقرار شود، با این توازن ایجاد شده، اگر در غزه صلح برقرار شود، ما می‌توانیم به تثبیت اوضاع خود در منطقه ادامه دهیم. در این صورت، هر دولتی که در آمریکا به قدرت برسد، مجبور خواهد بود با ما همکاری کند و نمی‌تواند سیاست‌های خصمانه‌ای علیه ما اتخاذ کند. این به ما این امکان را می‌دهد که اوضاع مان در خاورمیانه تثبیت شود و دولت جدید آمریکا نیز تا حدودی مجبور خواهد بود سیاست‌هایش را با ما هماهنگ کند، زیرا ما نشان داده‌ایم که یک قدرت بازدارنده داریم.

ایران در طول تاریخ همیشه کشوری منزوی بوده است. ما همواره اقلیتی در این منطقه خاورمیانه بوده‌ایم، از یک طرف ترک‌ها، از طرف دیگر هند و پاکستان و از سوی دیگر با روسیه و انگلیس استعمارگر مواجه بوده‌ایم. ما همیشه یک کشور منزوی بودیم، اما با اتخاذ سیاست‌های مناسب، توانستیم نقش حائل را در منطقه ایفا کنیم. در مقابل عثمانی، روسیه، هند و انگلستان، هر کدام می‌خواستند از سرزمین ایران علیه یکدیگر استفاده کنند. روس‌ها می‌خواستند ایران را علیه انگلستان داشته باشند و ترک‌ها نیز همین‌طور. اما ما توانستیم با بازی کردن نقش مناسب در قرن نوزدهم، برای خود اعتبار ایجاد کنیم و نقش حائل را ایفا کنیم.

اگر بعد از جنگ غزه بتوانیم همین نقش حائل را در منطقه حفظ کنیم و خود را به روسیه وابسته نکنیم، می‌توانیم به آن نقش تاریخی خود برگردیم که می‌تواند برای مادرآمذزایی کند. اکنون هر چهار خط ریلی که چینی‌ها پیش‌بینی کرده‌اند برای اتصال به اروپا، از ایران خواهد گذشت. راه دریایی سال‌ها محور اصلی تجارت بود، اما با نگرانی‌های چینی‌ها از اینکه آمریکایی‌ها می‌توانند تنگه‌ها را مالاک و تایوان را ببندند و همچنین احتمال بسته شدن کانال سوئز، آنها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید هزینه‌های کلانی کنند تا راه‌های زمینی و ریلی را احیا کنند.

ما می‌توانیم دوباره موقعیت استراتژیک پیدا کنیم. هر چهار خط ریلی که چینی‌ها در نقشه‌هایشان پیش‌بینی کرده‌اند، از ایران خواهد گذشت؛ یکی از گرگان و اینکه برون، یکی از سرخس، یکی از پاکستان و یکی از افغانستان. جاده‌های زمینی چینی‌ها به افغانستان متصل شده و در حال حاضر افغانستان از شمال به چین وصل می‌شود. نهایتاً راه‌آهن چین از این مسیر به ما متصل خواهد شد. ما می‌توانیم از موقعیت استراتژیک جدیدمان بهره‌برداری کنیم، به شرطی که بتوانیم نقش حائل

را در منطقه ایفا و همچنین نقش نفت را در اقتصاد ایران احیا کنیم.

به نظر من چین تصمیم خود را گرفته است. حتی با آمدن ترامپ، چینی‌ها خرید نفتشان از ایران را کاهش نخواهند داد. برخی می‌گویند چینی‌ها هیچ کاری در ارتباط با روسیه نکردند، اما واقعیت این است که روسیه در روز آغاز جنگ، هشتمین اقتصاد جهان بود و اکنون به چهارمین رسیده است، عمدتاً به خاطر اینکه چین نفت و گاز روسیه را خرید و به این طریق به اقتصاد روسیه کمک کرد.

چینی‌ها به طور رسمی ۶۵۰ هزار بشکه نفت از روسیه می‌خرند و به لایشگاه‌ها نیز مجوز داده‌اند تا مقدار بیشتری خریداری کنند. قبلاً نگران آمدن ترامپ بودم و همیشه اعتقاد داشتم که باید بیشتر به دنبال دموکرات‌ها باشیم، اما اکنون اعتقاد دارم که اگر تحولات منطقه به سرانجام برسد، با توجه به روابط استراتژیکی که بین ایران و چین برقرار است، دیگر نگران سرنوشت انتخابات آمریکا بر صادرات و فروش نفت ایران نیستیم.

بحثی که در کتاب داشتم، بیشتر به فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی مربوط می‌شود. در این زمینه، تحریم‌ها تأثیر چندانی ندارند، زیرا تنوع محصول و بازار وجود دارد. به عنوان مثال، اوره ایران و اوره عمان هیچ تفاوتی ندارند و هر دو ۴۶ درصد اوره هستند. همچنین، نفت ایران نیز به راحتی قابل شناسایی نیست، بنابراین نمی‌توان به سادگی گفت که این نفت ایران است و خریدار را تنبیه کرد. به همین دلیل، نگران تحریم‌های آمریکا در زمینه فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی نیستیم. تحریم‌های آمریکا بیشتر کار را سخت می‌کند و نقل و انتقال پول و کشتیرانی را دشوارتر می‌سازد و هزینه‌های اضافی بر ما تحمیل می‌کند، اما مانع صادرات نمی‌شود.

بزرگترین تأثیر انتخابات آمریکا به سیاست‌هایی برمی‌گردد که دو حزب خواهند داشت. نفتی‌ها و فروشندگان اسلحه معمولاً از جمهوری خواهان حمایت می‌کنند و قاعدتاً حمایت از رژیم اشغالگر در این دوره پررنگ‌تر خواهد شد. اگر چه بایدن هیچ کوتاهی نکرده، اما سیاست‌های ترامپ می‌تواند نتایجی را تسریع کند. نتایجی که در حال حاضر جنگ را ادامه می‌دهد به امید اینکه ترامپ دوباره به قدرت بازگردد. این موضوع قطعاً می‌تواند بر سیاست‌های منطقه‌ای تأثیر بگذارد.

روابط کشورهای عربی با ما در حال حاضر نسبتاً بهتر شده است و آنها به قدری شجاعت دارند که به آمریکا پیام می‌دهند که اجازه نمی‌دهند رژیم صهیونیستی از فضای هوایی آنها استفاده کند. اما آمدن ترامپ ممکن است این فاصله را بیشتر

قیمت بنزین
در آمریکا رابطه
معکوسی با
محبوبیت
روسای جمهور
دارد و به همین
دلیل، آنها
تلاش می‌کنند
که قیمت نفت
افزایش پیدا
نکند



تحریم اول بعد از یک دوره رونق نفتی وسیع آمد و آن رونق نقش ضربه گیر را برای اثر تحریم ایفا و افت مارا کمتر کرد

کند. در بازار نفت نیز نمی توان گفت که انتخابات آمریکایی تأثیر است؛ حتماً تأثیر خواهد گذاشت و کشتیرانی ما دچار مشکل خواهد شد. همچنین، ممکن است کشورهایی مانند مالزی که اکنون با ما همکاری می کنند، همکاری خود را کاهش دهند.

باید در زمان ورود خود سعی کرد نفت روسیه را تحریم نکند و اعلام کرد که هر کسی می خواهد نفت روسیه را بخرد، باید در سقف ۶۰ دلار بخرد. به این ترتیب، آمریکا و اروپا به طور غیرمستقیم نفت روسیه را تحریم کردند، اما اجازه دادند هند و چین نفت روسیه را بخرند. همچنین، باید به شیل اجازه داد تا در بازار نفت ونزوئلا فعال شود و به نظری رسد که یک مقدار بر صادرات نفت خام ما چشم پوشیده است، که این نیز به خاطر منافع خود اوست.

قیمت بنزین در آمریکا رابطه معکوسی با محبوبیت روسای جمهور دارد و به همین دلیل، آنها تلاش می کنند که قیمت نفت افزایش پیدا نکند. بایدن حدود ۳۵۰ تا ۳۶۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک آمریکا را فروخت تا بتواند قیمت نفت را کنترل کند. در حال حاضر، فشارها بیشتر شده و آنها تلاش دارند تا قبل از انتخابات قیمت یک گالن بنزین را به سه دلار برسانند.

آمریکایی ها حدود ۸ میلیون بشکه بنزین مصرف دارند که یک سوم بنزین دنیا را شامل می شود. از ۱۰۰ میلیون بشکه نفتی که در دنیا مصرف می شود، حدود ۲۴ میلیون بشکه آن به بنزین تبدیل می شود. بنابراین، برای آمریکایی ها قیمت بنزین بسیار مهم است. به محض اینکه بایدن پیام می دهد که من مخالف حمله به میادین نفتی ایران هستم، قیمت نفت کاهش پیدا می کند.

تأثیرگذاری ما به دو بخش تقسیم می شود: یکی بحث نفت و دیگری روابط با همسایگان. اگر دموکرات ها در انتخابات پیروز شوند، احتمالاً روند فعلی ما ادامه پیدا خواهد کرد و تأثیر چندانی بر روابط ما با چین و همسایگان نخواهد داشت. اما ترامپ قابل پیش بینی نیست. هرچند به نظر می رسد نسبت به گذشته ممکن است رفتارهای منطقی تری از خود نشان دهد، اما در عین حال، ممکن است تأثیرات منفی بر اوضاع جهانی بگذارد.

اقتصاد ما به مرحله ای رسیده که مانند گذشته تحت تأثیر نیست، اما آمدن ترامپ می تواند شوک روانی وارد کند. این مسئله بسیار مهمی است که در درگیری های اخیر منطقه قیمت دلار در بازار داخلی کشورمان حدود ۳ هزار تومان افزایش پیدا کرد. در حالی که پیش بینی ها نشان می داد که دلار به ۱۲۰ هزار تومان برسد. با این حال، درآمدهای نفتی ما

در سال جاری به شدت افزایش یافته است. آخرین آمار بانک مرکزی نشان می دهد که درآمد نفتی ما در سال گذشته ۳۶ میلیارد دلار بوده و در پنج ماهه اخیر به ۳۰۸ میلیارد دلار در ماه رسیده است.

این افزایش درآمد نفتی و همچنین افزایش صادرات غیرنفتی، به وضعیت اقتصادی کشور کمک کرده است. به طور کلی، ما باید به این تحولات توجه کنیم و از فرصت ها استفاده کنیم تا وضعیت اقتصادی مان را بهبود بخشیم.

باید از حالت فلج تصمیم گیری خارج شویم

علی سرزمین، اقتصاددان و

استادپار دانشگاه علامه

طباطبایی: موضوع دو جنبه

دارد، یکی جنبه بیرونی اقتصاد



ماس و اینکه چه کسی پیروز می شود و چه تصمیماتی اتخاذ می کند. واکنش های رژیم صهیونیستی می تواند تا حدودی تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، جنبه داخلی اقتصاد ما مطرح است. در اینجا باید پرسیم که چرا شوک به اقتصاد وارد می شود؟ و مهم تر از آن، حالا باید چه کار کنیم تا از شوکی که به اقتصاد وارد می شود، جلوگیری کنیم؟ در اینجا هنر سیاست گذاری نمایان می شود. عمده مباحث اقتصادی به سیاست گذار اقتصادی مربوط می شود و موضوع این نیست که چرا شوک ایجاد می شود، بلکه این است که حالا که شوک ها به هر دلیلی وارد می شوند، چه کار کنیم که اقتصاد ما کمترین آسیب را ببیند؟ بنابراین، ما باید نقد و نگاهی به داخل داشته باشیم.

تفاوتی که اکنون نسبت به تحریم های قبلی داریم این است که تحریم های اول ما را شگفت زده کرد. ما فکر نمی کردیم اینقدر جدی باشد که سوئیفت بسته شود و اختلال ها ایجاد شود. به تدریج دیدیم که محدودیت ها بیشتر شد و باور نمی کردیم که نفت و بانک مرکزی ما تحریم شود. این شرایط باعث شد که اقتصاد ما دائماً تحت شوک قرار گیرد، اما بالاخره دوام آوردیم و درس هایی گرفتیم که چگونه دور بزنیم و چه کار کنیم.

یک حسن بزرگ این بود که صنایع ما ۱۰ سال قبل از تحریم، به لطف درآمد نفتی خوب، سرمایه گذاری هایی هرچند ناکافی در اقتصاد انجام داده بودند و برخی صنایع بازسازی و تکنولوژی جدیدی وارد کردند. بنابراین، تحریم اول بعد از یک دوره رونق نفتی وسیع آمد و آن رونق نقش ضربه گیر را برای اثر تحریم ایفا کرد و افت ما را کمتر کرد. در تحریم دوم، ما کارگرفته تر شده بودیم، هرچند دشمن ما نیز در مطالعه و شناخت ما حرفه ای تر شده بود. با این حال، برداشت

مشکلات
داخلی وجود
دارند که اثر
آنها از تحریم‌ها
کمتر نیست.
مسائلی مانند
قطعی برق و گاز
و مصرف شدید
بنزین و گازوئیل
مشکلات
فوری و بحران
آب شرب،
جزو مشکلات
میان‌مدت ما
هستند



اگر بخواهیم به راه غلطی ادامه دهیم و کنترل مصرف را به همین شکل اداره کنیم، با افزایش عرضه و ساخت نیروگاه‌ها، در نهایت منابع کشور را هدر خواهیم داد. این دیدگاه که دولت باید بیشتر برق و بنزین تولید کند، دیدگاه درستی نیست. اگر صنعت ما رشد کند و نیاز به برق و گاز آن بالا برود، بلکه باید تولید برق و گاز را افزایش دهیم، اما در حال حاضر، مصرف ما بهینه نیست و باید نظام قیمت‌ها رفتار خانوارها را کنترل کند.

اگر از نظام قیمت استفاده نکنیم، مصرف به شدت بالا خواهد رفت و عرضه نمی‌تواند به پای آن برسد. دولت حتی پول ندارد که نیروگاه بسازد یا از میادین گاز استخراج کند.

بنابراین، مسئله فقط شوک‌هایی نیست که از بیرون می‌آید، بلکه نحوه سیاست‌گذاری ماست که اقتصاد را قفل کرده است. من با صنعت ارتباط دارم و می‌شنوم که به دلیل بی‌برقی، دو روز در هفته تعطیل می‌شوند. این وضعیت پایدار نیست. باید واقعاً تصمیم بگیریم. مشکل اصلی کشور ما بی‌تصمیمی است. از روز اولی که آقای رئیسی سر کار آمد، ما سه سال منتظر بودیم که تصمیمی برای قیمت‌بنزین گرفته شود.

به نظرم، دشمنان ما روی این حساب باز کرده‌اند که ما فلج تصمیم‌گیری داریم و همین باعث می‌شود سیستم نهایتاً قفل شود و ناکام بماند. اثر این بی‌تصمیمی بسیار جدی‌تر از شوک تحریم‌ها است.

افت تولید شرکت‌های بورسی را بررسی کنید. یکی از مزایای شرکت‌های بورسی این است که

شخصی من این است که اقتصاد بر حقوق غلبه می‌کند. ابزار آمریکا مجازات است، در حالی که ابزار ما تخفیف و تشویق است. معمولاً انگیزه‌های اقتصادی بر انگیزه‌های حقوقی غالب می‌شود.

برای همین، ما به دوستان خود در کشور می‌گوییم که راه مبارزه با قاچاق، استفاده از زور و اسلحه نیست. باید انگیزه اقتصادی قاچاق را از بین ببریم. هرچقدر هم که پلیس و مرزبان بگذارید، جواب نخواهد داد. تجربه تاریخی بشر این را نشان می‌دهد. در عین حال، تجربه مادر این زمینه بیشتر شده است.

ما اکنون حدود ۵۰ میلیارد دلار صادرات نفتی داریم و این نشان‌دهنده وجود حفره‌هایی در ساختار تحریم‌هاست. به هر دلیلی، از سال ۱۴۰۰ فروش نفت ما به شدت افزایش یافته است. آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که درآمد نفتی ما ۵۶ میلیارد دلار بوده است. این اتفاق در سه سال اخیر افتاده و اثرش را بر رشد اقتصادی گذاشته و دولت آقای رئیسی سه سال به طور مداوم رشد نزدیک به ۵ درصد را تجربه کرد.

اما باید توجه داشت که میانگین بلندمدت رشد ما در شرایط غیرتحریمی به طور طبیعی حدود ۳.۹ تا ۴ درصد بوده و در سال‌های آینده نمی‌توانیم این رشد ۵ درصد را ادامه دهیم. یک واقعیت تلخ این است که مشکلات داخلی وجود دارند که اثر آنها از تحریم‌ها کمتر نیست. مسائلی مانند قطعی برق، گاز، مصرف شدید بنزین و گازوئیل، مشکلات فوری و بحران آب شرب، جزو مشکلات میان‌مدت ما هستند.

اثر بی تصمیمی بسیار جدی‌تر از شوک تحریم‌ها است

به‌طور مرتب دارایی‌هایشان را در کدال منتشر می‌کنند. با نگاهی به وضعیت، متوجه می‌شویم که شوک تحریمی دوم چقدر بر تولید این شرکت‌ها تأثیر گذاشته است. به‌ویژه، اثر قطع برق و گاز بر تولید شدیدتر از تحریم‌ها و افزایش ناگهانی دلار از ۳ تومان به ۱۲ هزار تومان بوده است. بنابراین، مسائل داخلی ما بسیار مهم‌تر از تحریم‌های بیرونی هستند. ما باید این گره را باز کنیم و از این فلج تصمیم‌گیری و بی‌تصمیمی خارج شویم.

برای این کار، اقتضائاتی وجود دارد. یکی از این اقتضائات این است که حاکمیت باید از وضعیتی که در زمان آقای روحانی داشت، خارج شود. خوشبختانه، این تغییر در حال وقوع است و به سمت انسجام تصمیم‌گیری حرکت می‌کند. اقداماتی که در گذشته علیه رئیس‌جمهور صورت می‌گرفت، فاجعه‌ای بود که گذشت و اکنون اوضاع بهتر شده است.

شرط دوم این است که رابطه بین مردم و حاکمیت بهبود یابد و اقدامات در این زمینه به ما کمک می‌کند تا مدیریت اقتصادی بهتری داشته باشیم.

ترس بیش از حد مانند این است که فردی از ترس اینکه جراحی ممکن است منجر به مرگ شود، از انجام آن خودداری کند. هر جراحی احتمال خطر دارد، اما منطقی نیست که به خاطر احتمال مرگ، از جراحی صرف‌نظر کنیم. به همین ترتیب، سیاستمداران ما نباید وقت را تلف کنند. تا قبل از انتخابات، باید در مورد قیمت‌بنزین تصمیم‌گیری می‌کردند، اما این کار انجام نشد و حالا به انتخابات آمریکا نزدیک می‌شویم.

احساس من این است که آمدن ترامپ یک شوک انتظارات تورمی ایجاد می‌کند. این شوک واقعاً بی‌اثر نخواهد بود، اما بخشی از آن پایدار است و بخشی دیگر می‌تواند دفع شود. آنچه در بلندمدت یا کوتاه‌مدت تأثیرگذار است، این است که ما بتوانیم سیاست‌هایمان را بهتر اتخاذ کنیم و تاب‌آوری‌مان را افزایش دهیم. اگر این اتفاق بیفتد، دست ما در دیپلماسی و سیاست خارجی بازتر می‌شود و می‌توانیم در فضای منطقه برای ایجاد صلح و آرامش و ترمیم روابط با آمریکا مذاکره کنیم و به رفع تحریم‌ها بپردازیم.

اما اگر تحت فشار باشیم و نتوانیم بنزین به مردم برسانیم، در آن صورت قدرت مانور نخواهیم داشت. بنابراین، در کنار این عوامل، باید به اهمیت وقت و شجاعت تصمیم‌گیری توجه کنیم و از فلج تصمیم‌گیری که به نظر می‌رسد بیش از ۱۰ سال است در کشور وجود دارد، فرار کنیم. در

دوره آقای روحانی فقط یک تصمیم مهم گرفته شد و آن برجام بود. در دولت آقای رئیسی هم به یاد نمی‌آورم تصمیم مهمی گرفته شده باشد. واقعاً این فلج تصمیم‌گیری دارد ما را به شدت آسیب‌پذیری کند.

یک نکته خوب و یک نکته بد در مورد اقتصاد ایران وجود دارد. نکته خوب این است که وابستگی اقتصاد ایران به نفت نسبت به دهه هفتاد کاهش یافته است. این کاهش وابستگی به نفت در طول زمان واقعاً خبر خوبی است و نشان‌دهنده این است که اقتصاد ما پایدارتر شده است. این موضوع به وضوح قابل مشاهده است.

اما خبر بد این است که ما در دهه ۱۰۹۰ سال قبل از آن رونق نفتی داشتیم، در حالی که این بار آن رونق را نداریم. تنها یک برهه تنفس در سال ۹۶ داشتیم و به تدریج بسیاری از صنایع ما فناوری‌هایشان قدیمی و مستهلک می‌شود. در نتیجه، با تداوم تحریم‌ها ما دچار پدیده عقب‌ماندگی فناورانه در صنایع مختلف خواهیم شد. بنابراین، وقتی می‌گویم باید تاب‌آوری‌مان را افزایش دهیم و سیاست‌های اقتصادی‌مان را اصلاح کنیم، به این معنا نیست که می‌توانیم چهل سال در تحریم دوام بیاوریم. ایده باید این باشد که تحریم‌ها هر چه زودتر برداشته شوند.

وقتی دست‌مان در مذاکره پر باشد، راحت‌تر می‌توانیم این کار را انجام دهیم. باید حتماً اصلاحاتی انجام دهیم و با دست بسته در مذاکره نرویم. آنچه که دست ما نیست، در واقع به ما مربوط نمی‌شود، اما واقعاً خطر این است که اگر این تحریم‌ها طولانی شوند، صنایع ما با مشکلات جدی مواجه خواهند شد.

تحریم دوم یک فرصت برای صنعت ما بود، زیرا ارزش گران شد و واردات یا صرفه نداشت یا جلوی آن را گرفتند، که این امر باعث افزایش تولید صنایع داخلی شد و به نوعی اقتصاد ما را پایدار کرد. اما اکنون به سقف بازار رسیده‌ایم و مردم قدرت خرید ندارند. در حال حاضر، بسیاری از کالاها و خدمات به صورت قسطی فروخته می‌شوند، حتی بیمه‌نامه‌ها. این نشان‌دهنده این است که قدرت خرید مردم به شدت پایین آمده است.

بنابراین، نباید تصور کنیم که روزهای خوبی پیش روی ماست؛ اوضاع دارد سخت‌تر می‌شود. باید فرصت‌شناسی کرد و هر فرصتی که برای رفع تحریم پیش می‌آید را باید استفاده کرد. هرچند که تحریم‌ها به طور کامل از بین نمی‌روند، اما باید از هر بخشی که ممکن است کاهش یابد، بهره‌برداری کنیم تا ان شاء الله آینده بهتری برای اقتصاد کشور فراهم کنیم.





استقلال بانک مرکزی، زمینه ساز مهار تورم

اتکا تامین کسری بودجه به رشد نقدینگی باید قطع شود

- یکی از متغیرهای کلیدی که با استقلال بانک مرکزی مرتبط است، رشد نقدینگی خواهد بود
- بانک مرکزی باید قادر باشد بودجه خود را بدون وابستگی به منابع دولتی مدیریت کند
- مطالعات نشان می دهند که بانک های مرکزی مستقل تر، نرخ های تورم پایین تری را تجربه می کنند
- مطالعات تجربی بسیاری رابطه بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم را تایید کرده اند

۴۹



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

رضا فراهانی

پژوهشگر اقتصادی

بررسی
تجربیات
جهانی از
آفریقای جنوبی
تا ایران نشان
می‌دهد که
استقلال بانک
مرکزی تأثیر
مستقیمی بر
کاهش تورم دارد

استقلال بانک مرکزی از جمله مؤلفه‌های حیاتی در تحقق ثبات اقتصاد کلان و کنترل پویایی‌های تورمی در نظام‌های پولی محسوب می‌شود. مطالعات تطبیقی و تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهند که بانک‌های مرکزی با درجه بالاتری از استقلال، توانسته‌اند سیاست‌های پولی را به شکلی مؤثرتر و پایدارتر در جهت مهار تورم و کنترل نقدینگی به کار بگیرند. در این راستا، ایران نیز با تلاش‌هایی در جهت اصلاحات قانونی و نهادی، به دنبال افزایش کارآمدی بانک مرکزی بوده است. با این حال، چالش‌های ساختاری و مداخلات سیاسی، همچنان به عنوان موانع جدی در برابر تحقق کامل این استقلال عمل می‌کنند. بدیهی است اصلاحات عمیق‌تر و نهادی‌تر در این حوزه می‌تواند به تقویت سیاست‌های پولی مستقل و بهبود شاخص‌های این بخش و در نتیجه دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار منجر شود.

مفهوم استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی به توانایی این نهاد برای تدوین و اجرای سیاست‌های پولی بدون دخالت مستقیم دولت و سایر نهادهای سیاسی اشاره دارد که به‌دو نوع اصلی تقسیم می‌شود:

۱. **استقلال هدف‌گذاری:** در این نوع استقلال، بانک مرکزی می‌تواند اهداف سیاست پولی (مانند هدف‌گذاری تورم) را بدون مداخله دولت تعیین کند.

۲. **استقلال ابزاری:** بانک مرکزی می‌تواند ابزارهای پولی (مانند نرخ بهره و عملیات بازار باز) را به صورت مستقل و بدون دخالت مستقیم دولت تنظیم و اجرا کند.

البته علاوه بر این، استقلال مالی نیز یکی از جنبه‌های مهم استقلال بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید قادر باشد بودجه خود را بدون وابستگی به منابع دولتی مدیریت کند تا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تحت تأثیر فشارهای مالی دولت قرار نگیرد.

شاخص‌های اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی

در طول دهه‌های اخیر، شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری میزان استقلال بانک مرکزی در کشورهای مختلف ارائه شده است که از جمله مهم‌ترین شاخص‌ها می‌توان به شاخص کوکرمَن (Cukierman) و شاخص ماسیاندر و تابلینی اشاره کرد. این شاخص‌ها معمولاً بر اساس معیارهایی مانند:

- استقلال مدیر اجرایی بانک مرکزی از دولت

- امکان عزل و نصب رئیس کل بانک مرکزی توسط دولت
 - امکان بانک مرکزی در ایجاد محدودیت برای اعطای وام به دولت
 - توانایی بانک مرکزی در هدف‌گذاری تورم و تعیین سیاست‌های پولی مستقل تنظیم می‌شوند
- در این راستا مطالعات نشان می‌دهند که بانک‌های مرکزی مستقل‌تر، نرخ‌های تورم پایین‌تری را تجربه می‌کنند و در کنترل رشد نقدینگی نیز موفق‌تر عمل می‌کنند

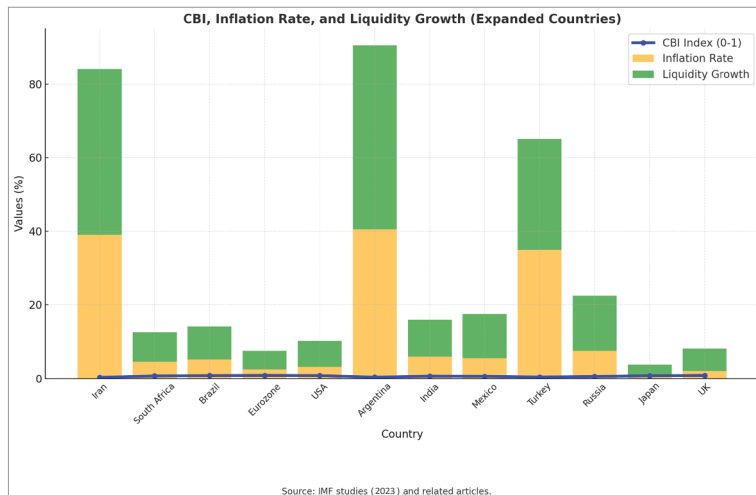
رابطه همبستگی بین استقلال بانک مرکزی و تورم

مطالعات تجربی بسیاری رابطه بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم را تأیید کرده‌اند. به طور کلی، بانک‌های مرکزی مستقل‌تر کمتر تحت فشارهای سیاسی برای تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق چاپ پول قرار می‌گیرند و این مسئله منجر به کنترل بهتر پایه پولی و جلوگیری از افزایش نقدینگی می‌شود که در نهایت به کاهش نرخ تورم منجر می‌شود. برای مثال، مطالعه انجام‌شده توسط ورمولن در آفریقای جنوبی نشان داد که افزایش استقلال بانک مرکزی، منجر به کاهش تورم و بهبود کنترل رشد نقدینگی شده است. ورمولن بیان می‌دارد که بانک مرکزی آفریقای جنوبی (South Africa Reserve Bank) (SARB) از طریق چارچوب‌های قانونی، توانسته است سیاست‌های پولی خود را بدون دخالت دولت به اجرا بگذارد و در نتیجه ثبات اقتصادی بیشتری را تجربه کند.

علاوه بر این، مطالعات صندوق بین‌المللی پول نیز نشان می‌دهند که بانک‌های مرکزی با سطوح بالای استقلال در کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند انتظارات تورمی را به نسبت بهتر مدیریت کنند و از افزایش قیمت‌ها جلوگیری نمایند. برای مثال طبق این مطالعات کشورهای آمریکای لاتین که قوانین سخت‌گیرانه‌ای در خصوص تأمین مالی دولت از بانک مرکزی وضع کرده‌اند، توانسته‌اند نرخ‌های تورم پایین‌تری را نسبت به کشورهای با استقلال کمتر بانک مرکزی حفظ کنند.

رشد نقدینگی و استقلال بانک مرکزی

علاوه بر تورم، یکی از متغیرهای کلیدی که با استقلال بانک مرکزی مرتبط است، رشد نقدینگی است. در کشورهایی که بانک‌های مرکزی استقلال کمتری دارند، دولت‌ها بیشتر تمایل دارند تا از منابع بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری بودجه خود استفاده کنند که این امر منجر به افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌شود و در نتیجه، نرخ تورم به طور



نمودار ۱

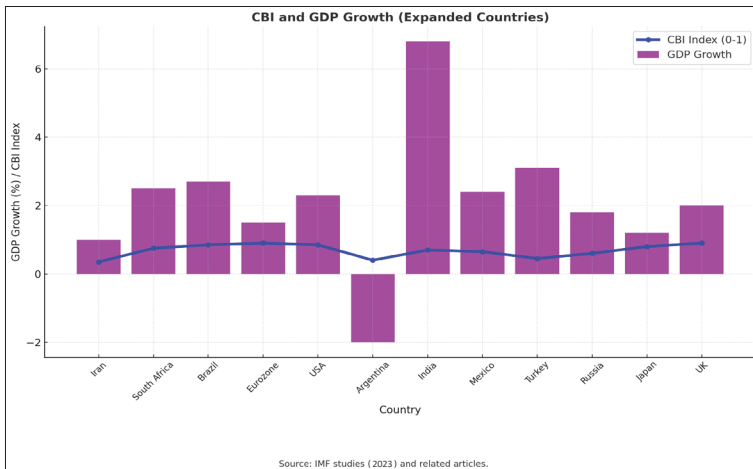
کشور	شاخص استقلال بانک مرکزی (۱۰۰)	نرخ تورم (%)	رشد نقدینگی (%)	رشد تولید ناخالص داخلی (%)
ایران	۰.۳۵	۳۱/۹	۲۷/۸	۳/۲
آفریقای جنوبی	۰.۷۵	۴.۶	۸	۲۰.۵
برزیل	۰.۸۵	۵.۲	۹	۲۰.۷
منطقه یورو	۰.۹	۲.۵	۵	۱.۵
ایالات متحده آمریکا	۰.۸۵	۳.۲	۷	۲.۳
آرژانتین	۰.۴	۴۰.۵	۵۰	۲۰
هند	۰.۷	۶	۱۰	۶.۸
مکزیک	۰.۶۵	۵.۵	۱۲	۲.۴
ترکیه	۰.۴۵	۳.۵	۳۰	۳.۱
روسیه	۰.۶	۷.۵	۱۵	۱.۸
ژاپن	۰.۸	۰.۸	۳	۱.۲
بریتانیا	۰.۹	۲.۱	۶	۲

جدول ۱

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای اصلاح قانون بانک مرکزی و افزایش استقلال این نهاد انجام شده است که یکی از این تلاش‌ها، تصویب طرح جدید مجلس شورای اسلامی در سال اخیر است که به دنبال اصلاح چارچوب قانونی بانک مرکزی و افزایش استقلال آن است که متأسفانه با این حال نیز مشکلات اساسی همچنان باقی است و شاخص استقلال بانک مرکزی ایران طبق شاخص‌های استاندارد جهانی به حد نصاب مناسبی نرسیده است. طبق یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، بر اساس شور اول و دوم طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، استقلال قانونی بانک مرکزی بر مبنای شاخص کارکرم، وب و نیابتی (۱۹۹۲) در ایران به ترتیب

قابل توجهی افزایش می‌یابد که در اقتصاد ایران این روند را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تشدید تورم دانست. در این جهت، تأمین مالی دولت از طریق بانک مرکزی منجر به افزایش شدید نقدینگی شده و افزایش نرخ رشد کل‌های پولی را در پی داشته است که این مسئله نشان‌دهنده ضرورت افزایش استقلال بانک مرکزی در ایران است تا بتوان از افزایش نقدینگی و تورم جلوگیری کرد. (نمودار ۱)

بررسی‌های انجام شده در شاخص‌های بین‌المللی در سال جاری میلادی در IMF نشان می‌دهد که بانک مرکزی ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر از استقلال کمتری برخوردار است که طبق این اطلاعات شاخص رقمی حدود ۰.۳۵ را نشان می‌دهد. (جدول ۱)



نمودار ۲

کلی موفقیت بیشتری در مدیریت نقدینگی و مهار تورم داشته‌اند. در ایران نیز، افزایش استقلال بانک مرکزی یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای کاهش تورم و بهبود ثبات اقتصادی است. در اینباره در کشورمان، با وجود تلاش‌هایی برای افزایش استقلال بانک مرکزی، همچنان چالش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که اگر بخواهیم کمی ایجابی به این مسئله در ایران بپردازیم، می‌توان پیشنهادهای نظیر موارد زیر ارائه کرد:

۱. تصویب قوانین سختگیرانه‌تر برای محدودیت تأمین مالی دولت از طریق بانک مرکزی: دولت باید از استقراض مستقیم از بانک مرکزی منع شود و تأمین مالی خود را از طریق منابع دیگر، در کنار کاهش طرف‌هزینه‌ترازنامه خود انجام دهد.

۲. تقویت شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی: در پی این مسیر بانک مرکزی باید به‌طور منظم گزارش‌های کاملی از تصمیمات و سیاست‌های خود ارائه دهد و فرآیندهای تصمیم‌گیری آن باید به‌طور کامل شفاف باشد تا اعتماد عمومی به این نهاد افزایش یابد.

۳. استقلال در تعیین سیاست‌های پولی و نرخ بهره: بانک مرکزی باید قادر باشد بدون دخالت دولت، نرخ بهره و سایر ابزارهای پولی را به‌طور مستقل تنظیم کند تا بتواند به‌طور مؤثری تورم و نقدینگی را مدیریت کند.

بخشی از منابع:

- Adrian, T., Khan, A., & Menand, L. (2024). "A New Measure of Central Bank Independence," IMF Working Paper No. 24/35.
- Vermeulen, Cobus. (2024). "Central Bank Independence, Inflation and Money Growth: Evidence

از ۰.۴۲ به ۰.۴۵ افزایش یافته، اما کماکان جزء ۲۵ درصد کشورهای دارای میزان استقلال پایین خواهد بود. در این رابطه و طبق این پژوهش، یکی از مهم‌ترین نواقص طرح جدید، عدم ارائه محدودیت‌های دقیق برای تأمین مالی دولت از بانک مرکزی است که این موضوع باعث می‌شود حتی با وجود اصلاحات صورت گرفته، بانک مرکزی همچنان نتواند به‌طور کاملاً مستقل سیاست‌های پولی خود را اجرا کند.

بررسی شاخص‌های استقلال بانک مرکزی ایران

طبق شاخص‌های بین‌المللی مانند شاخص کوکرمین، استقلال بانک مرکزی ایران در مقایسه با متوسط جهانی پایین‌تر است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که دولت نقش قابل‌توجهی در تعیین سیاست‌های پولی دارد و رئیس کل بانک مرکزی توسط دولت عزل و نصب می‌شود. علاوه بر این، دولت هنوز هم به تأمین مالی کسری بودجه از طریق افزایش نقدینگی متکی است. در قانون جدید نیز هرچند تلاش‌هایی برای بهبود استقلال بانک مرکزی صورت گرفته، اما به دلیل عدم تعریف دقیق سازوکارهای مالی و عدم وجود شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، استقلال واقعی بانک مرکزی تضمین نشده است که این مشکلات ساختاری باعث می‌شود که بانک مرکزی ایران همچنان نتواند ابزارها و اختیارات لازم در خصوص کنترل نقدینگی و کاهش تورم را در دست داشته باشد. (نمودار ۲)

در مجموع می‌توان گفت استقلال بانک مرکزی از مهم‌ترین عوامل در دستیابی به ثبات اقتصادی و کنترل تورم است. بررسی تجربیات جهانی نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی مستقل‌تر، به‌طور

۵۲



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •



الزامات تداوم روند نزولی تورم از سوی دولت

اجرای سیاست‌های چنگانه عبور از هسته سخت تورم

- مجموعه سیاست‌های پولی بانک مرکزی در کاهش تورم مؤثر بوده است
- اقدامات بانک مرکزی توانست رشد سطح عمومی قیمت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد را کنترل کند
- برای عبور از هسته سخت تورم، اجرای سیاست‌های چنگانه به ویژه در محرک‌های اصلی تورم حیاتی است
- در بخش اقلام خوراکی و مسکن باید از سوی دولت سیاست‌های ضدتورمی اجرا شود

۵۳



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

امیرحسین موسوی

پژوهشگر اقتصادی

در یک سال و نیم اخیر، شاهد روند نزولی نرخ تورم به صورت نقطه به نقطه و سالانه بوده ایم

در یک سال و نیم اخیر، شاهد روند نزولی نرخ تورم به صورت نقطه به نقطه و سالانه بوده ایم. یکی از محرک های این روند نزولی در تورم، اتخاذ سیاست های پولی فعال از سوی بانک مرکزی و به کارگیری مجموعه ای از بسته های سیاستی نظیر سیاست تثبیت اقتصادی بوده است که برای مهار رشد نقدینگی و کنترل نوسانات بازار ارز اعمال شده اند. این اقدامات به ویژه در زمینه محدود کردن رشد ترازنامه بانک ها و کنترل مقداری آن موثر بوده و نقش کلیدی در کاهش تورم ایفا کرده است. با این حال، برای تداوم این روند و عبور از هسته سخت تورم، سیاست های تکمیلی دیگری به ویژه در حوزه هایی که محرک اصلی تورم است، حیاتی است و در بخش اقلام خوراکی و مسکن باید از سوی دولت سیاست های ضد تورمی اجرا شود.

نقش بانک مرکزی و سیاست های پولی فعال

کاهش تورم در ایران به ویژه طی ۱۸ ماه گذشته، تحت تأثیر مجموعه ای از سیاست های پولی فعال بانک مرکزی قرار گرفته است. در حالی که تورم در دوره های گذشته به دلیل رشد بالای نقدینگی و جهش های ارزی روند صعودی داشت، اتخاذ رویکردهای احتیاطی و کنترلی از سوی بانک مرکزی در این بازه زمانی موجب شد تا این فشارها به طور نسبی کاهش یابند. بانک مرکزی برای کاهش تورم سه سیاست کلیدی را دنبال کرد:

۱. **مهار رشد نقدینگی:** یکی از اصلی ترین دلایل افزایش تورم در سال های گذشته، رشد فزاینده حجم نقدینگی در اقتصاد ایران بود. بانک مرکزی با اتخاذ سیاست های پولی فعال، تلاش کرد رشد نقدینگی را در محدوده مقادیر بلندمدت خود کنترل کند.

۲. **کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک ها:** رشد

بالای ترازنامه بانک ها، به دلیل تسهیلات دهی غیرمولد و افزایش بدهی های غیرجاری طی یک دوره زمانی مستمر، به تورم دامن زده بود. بانک مرکزی با اتخاذ سیاست های احتیاطی، کنترل مقداری ترازنامه ها و نظارت بر فعالیت های شبکه بانکی را دنبال کرد تا از تشدید فشار تورمی جلوگیری کند.

۳. **مهار نوسانات بازار ارز:** یکی از عوامل اصلی جهش های تورمی در ایران جهش های شدید نرخ ارز بوده است که از یک سو باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی و فشار بر قیمت ها در بازار داخلی و از سوی دیگر به عنوان لنگر انتظارات تورمی، منجر به التهاب در بازارهای مالی و دارایی می شود. بانک مرکزی با تقویت ذخایر ارزی و اتخاذ سیاست های پایدار برای ثبات بازار ارز توانست بخشی از این فشارها را کاهش دهد.

مجموعه این سیاست ها به طور کلی در کاهش تورم مؤثر بوده اند و توانستند رشد سطح عمومی قیمت ها در بخش های مختلف اقتصاد را کنترل کنند، اما برای تداوم این روند و دستیابی به ثبات اقتصادی بلندمدت، باید اقدامات گسترده تری در سایر بخش ها صورت گیرد.

عبور از هسته سخت تورم

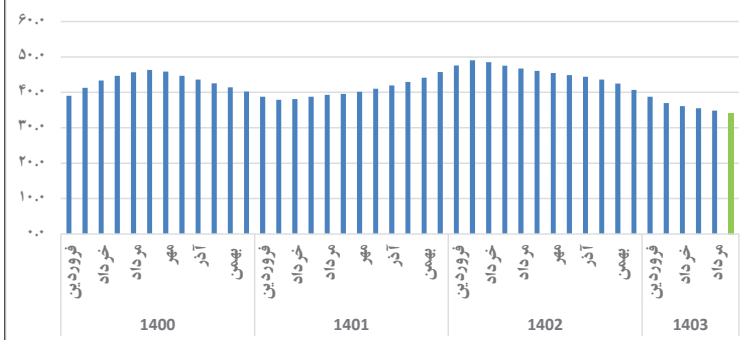
هسته سخت تورم (Core Inflation) مفهومی در ادبیات اقتصادی است که به بخش هایی از تورم اشاره دارد که به طور مستمر و مقاوم در برابر سیاست های کنترل تورم، همچنان در حال افزایش هستند. هسته سخت تورم معمولاً به آن بخش هایی از اقتصاد اشاره دارد که تغییرات قیمتی آنها به دلایل ساختاری و بلندمدت صورت می گیرد و کنترل آنها از طریق سیاست های پولی یا مالی کوتاه مدت دشوارتر است. این مفهوم به ویژه زمانی اهمیت پیدا می کند که بخش های خاصی از تورم، مانند قیمت های خوراکی یا مسکن، با وجود سیاست های تثبیت اقتصادی و



کاهش قیمت مواد غذایی و مسکن نیازمند سیاست های چند وجهی است

کنترل هسته سخت تورم به دلیل ماهیت ساختاری و ماندگار آن، از طریق سیاست های پولی کوتاه مدت یا حتی اقدامات محدودکننده نقدینگی، کار آسانی نیست. به ویژه در اقتصادهایی مانند ایران، که بخش های خوراکی و مسکن سهم بزرگی در سبد هزینه های خانوار دارند، کاهش قیمت ها در این بخش نیازمند سیاست های بلندمدت و چندوجهی است.

تورم سالانه



نمودار ۱
تورم سالانه

مسکن جلوگیری کند. همچنین نظارت بر بازار اجاره و وضع قوانین حمایتی برای مستاجران می‌تواند از افزایش فشارهای تورمی در این بخش جلوگیری کند.

کنترل هسته سخت تورم به دلیل ماهیت ساختاری و ماندگار آن، از طریق سیاست‌های پولی کوتاه‌مدت یا حتی اقدامات محدودکننده نقدینگی، کارآسانی نیست. به ویژه در اقتصادهایی مانند ایران، که بخش‌های خوراکی و مسکن سهم بزرگی در سبد هزینه‌های خانوار دارند، کاهش قیمت‌ها در این بخش‌ها نیازمند سیاست‌های بلندمدت و چندوجهی است.

الزامات مهار پایدار تورم

برای اینکه مهار تورم در ایران به شکل پایدار و بلندمدت تحقق یابد، مجموعه‌ای از الزامات و اقدامات تکمیلی ضروری است. رشد نقدینگی مازاد بر تولید یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تورم است. بنابراین، بانک مرکزی باید همچنان سیاست‌های مبتنی بر کنترل رشد نقدینگی را با جدیت دنبال کند. این امر شامل کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها، محدود کردن وام‌دهی‌های غیرمولد و تقویت انضباط مالی در نظام بانکی است. در لایه دیگر، نوسانات بازار ارز یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند به شکل غیرمستقیم موجب افزایش تورم شود. هرگونه نوسان شدیدی در نرخ ارز، به ویژه در اقتصادی که وابستگی زیادی به واردات دارد، می‌تواند فشارهای تورمی را تشدید کند. بنابراین، بانک مرکزی باید همچنان با اتخاذ سیاست‌های مناسب و تقویت ذخایر ارزی، از بروز نوسانات شدید در بازار ارز جلوگیری کند.

کاهش عمومی تورم، همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند. در ادبیات اقتصادی، هسته سخت تورم به این بخش‌های ماندگار و پایدار اشاره دارد که به دلیل وزن سنگین در سبد هزینه‌های خانوار و اثرات مستقیم بر رفاه عمومی، باید مورد توجه قرار گیرند.

با وجود کاهش شاخص کل تورم، دو بخش خوراکی‌ها و مسکن همچنان به عنوان "هسته سخت تورم" باقی مانده‌اند. این بخش‌ها به دلیل وزن سنگین آنها در سبد هزینه‌های خانوار، بیشترین تأثیر را بر نرخ تورم دارند. برای عبور از لایه تورمی، لازم است دولت سیاست‌های ضد تورمی ویژه‌ای را در این دو حوزه به اجرا بگذارد. افزایش قیمت مواد غذایی به ویژه در سال‌های اخیر، فشار زیادی بر خانوارهای کم‌درآمد وارد کرده است. این فشار نه تنها رفاه خانوارها را کاهش می‌دهد، بلکه به طور غیرمستقیم موجب افزایش فشارهای تورمی در سایر بخش‌های اقتصاد نیز می‌شود. در این راستا، دولت باید از طریق ارتقای سطح تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به واردات مواد غذایی، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند. همچنین با ایجاد سیستم‌های توزیع کارآمد می‌تواند از توزیع ناگارا جلوگیری کند.

از سوی دیگر، بخش مسکن نیز از دیگر حوزه‌هایی است که همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌های تورم در اقتصاد ایران شناخته می‌شود. افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بها، سهم عمده‌ای در فشارهای تورمی دارد و کنترل آن برای مهار تورم ضروری است. دولت باید با ارائه طرح‌های حمایتی برای ساخت مسکن‌های ارزان قیمت، از رشد بی‌رویه قیمت

۵۵



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •



بازخوانی لایحه بودجه سال آینده کل کشور

کسری بودجه ۱۴۰۳ چراغ راه انضباط مالی در ۱۴۰۴

- در لایحه بودجه ۱۴۰۴، درآمدهای پایدار دولت معادل ۲۲۷۵.۶ همت در نظر گرفته شد
- درآمد مالیاتی دولت در سال آینده ۱۷۰۰ همت پیش بینی شده است
- علت عمده رشد بالای حقوق گمرکی، واردات دومیلیارد دلار خودرو و افزایش نرخ تسعیر واردات است
- درآمد نفتی دولت در سال آینده ۲۱۰۷ همت برآورد شده که نسبت به سال جاری، رشد ۳۲ درصدی خواهد داشت

حمید کمار
پژوهشگر اقتصادی

۵۶



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

از تغییرات مهم
لایحه بودجه
۱۴۰۴ نسبت
به سال‌های
گذشته
ادغام ارقام
هدفمندی در
سقف ارقام
بودجه عمومی
است

نظیر واگذاری شرکت‌های دولتی به سازمان
تامین اجتماعی تسویه کند. در سرفصل
واگذاری دارائی‌های مالی لایحه بودجه
۱۴۰۴، برداشت از منابع صندوق توسعه
ملی، ۵۴۱ همت در نظر گرفته شده است.

بخش پولی و ارزی لایحه بودجه ۱۴۰۴

برخی دیگر از ارقام و احکام لایحه، اما
ارتباط بیشتری به شبکه بانکی و نظام پولی
و ارزی دارد. در جدول شماره ۶ لایحه بودجه
سال ۱۴۰۴، کل منابع برای واردات کالاهای
اساسی ۱۱ میلیارد یورو تعیین شده است که
این رقم دو میلیارد و ۶۵۰ میلیون یورو کمتر
از قانون بودجه سال ۱۴۰۳ است.

نرخ تسعیر ارز کالاهای اساسی در لایحه
بودجه سال آینده به صورت پیوسته مطابق
با تورم تعدیل خواهد شد. بدین ترتیب
نرخ تسعیر یورو از ۳۱ هزار تومان به تدریج
افزایش یافته و در پایان سال متناسب با تورم
رشد خواهد داشت. همچنین نرخ تسعیر
یورو برای سایر موارد نیز معادل ۵۰ هزار و
۲۲۸ تومان تعیین شده است.

در بند (ج) تبصره ۱۵ لایحه بودجه ۱۴۰۴،
تعیین و ابلاغ سهم بانک‌ها در پرداخت
تسهیلات قرض الحسنه همچون اشتغال،
ازدواج و فرزندآوری، به بانک مرکزی محول
شده است.

این موضوع پیش از این در قوانین بودجه
تعیین می‌شد. یکی دیگر از نکات مهم
مرتبط به شبکه بانکی در لایحه بودجه،
تسویه ۲۰۰ همت از بدهی‌های انباشته دولت
به شبکه بانکی در قالب اوراق مالی است.
بر این اساس، معادل ۳۰ درصد از بدهی
شرکت بازرگانی دولتی، سازمان هدفمندی
و یارانه‌ها، سازمان مرکزی تعاون روستایی و
پشتیبانی امور دام به بانک مرکزی و بانک‌ها
که ناشی از انجام تکالیف محوله دولت
است، اوراق غیرقابل معامله در بازار سرمایه
در اختیار بانک‌های طلبکار قرار می‌گیرد.
طبق جدولی که در لایحه بودجه آمده، این
مبلغ معادل ۲۰۰ همت خواهد بود.

دولت می‌تواند از محل وصول مطالبات
خود از بانک‌ها، نسبت به افزایش سرمایه
بانک‌های دولتی اقدام کند. همچنین
مطابق تبصره (۱) ماده (۳۹) قانون بانک
مرکزی مصوب سال ۱۴۰۲، معادل ۲۰ درصد
از عائدی دولت از سود خالص بانک
مرکزی، به عنوان افزایش سرمایه دولت نزد

لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور
سه‌شنبه هفته گذشته به مجلس
تقدیم شد. لایحه یاد شده به لحاظ
شکلی تغییرات بسیاری نسبت به لوایح
سال‌های گذشته دارد که بخشی از آن
به دلیل احکام قانونی برنامه هفتم
توسعه بود.

از دیگر تغییرات مهم لایحه بودجه
نسبت به سال‌های گذشته، ادغام
ارقام هدفمندی در سقف ارقام بودجه
عمومی بود، موضوعی که باعث
بالا رفتن رشد سقف بودجه عمومی
در لایحه تقدیمی نسبت به قانون
سال جاری شد.

نمای کلی از لایحه بودجه ۱۴۰۴

در لایحه بودجه ۱۴۰۴، درآمدهای پایدار
دولت معادل ۲۲۷۵.۶ همت (هزار میلیارد
تومان)، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۲۳۳۲ همت و واگذاری دارایی‌های مالی
۱۳۸۰ همت در نظر گرفته شده که در
مجموع کل منابع عمومی معادل ۵۹۸۷.۶
همت می‌شود. (نمودار ۱)

بررسی جزئیات درآمدهای پایدار دولت
نشان می‌دهد که درآمد مالیاتی دولت در
سال آینده ۱۷۰۰ همت در نظر گرفته شده
که رشد ۳۹ درصدی نسبت به قانون امسال
دارد. همچنین حقوق گمرکی در سال آینده
۲۶۴ همت در نظر گرفته شده که نسبت
به سال جاری رشد ۸۵ درصدی را نشان
می‌دهد.

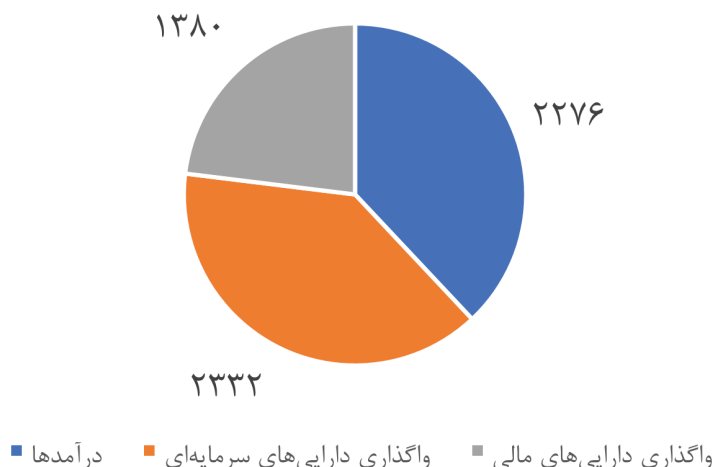
علت عمده رشد بالای حقوق گمرکی،
واردات دومیلیارد دلار خودرو و افزایش نرخ
تسعیر واردات است.

درآمد نفتی دولت هم در سال آینده ۲۱۰۷
همت برآورد شده که نسبت به سال جاری،
رشد ۳۲ درصدی را نشان می‌دهد. یکی
از نکات مهم در لایحه بودجه، پیش‌بینی
کاهش قیمت نفت است. در لایحه بودجه،
قیمت هر بشکه نفت خام ۵۷.۵ یورو،
معادل ۶۳ دلار در نظر گرفته شده است. با
این حال، به دلیل افزایش نرخ تسعیر ارز در
بودجه، درآمد ریالی دولت از فروش نفت
بیشتر شده است.

دولت همچنین در نظر دارد تا ۲۰۰ همت از
بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی و
برخی دیگر از طلبکاران را در قالب واگذاری
اموال در سرفصل واگذاری دارائی سرمایه‌ای



ترکیب منابع بودجه در لایحه ۱۴۰۴ (هزار میلیارد تومان)



نمودار ۱

ترکیب منابع بودجه در لایحه ۱۴۰۴

پایین‌تر از منابع عمومی بوده است. طبق اعلام مرکز پژوهش‌ها، تنها ۵۵ درصد از منابعی که باید طی ۴ ماه نخست امسال نصیب دولت می‌شد، محقق شده است. برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد کسری منابع عمومی در کل سال جاری معادل ۲۷۰ همت و کسری منابع هدفمندی معادل ۲۰۰ همت باشد. بدین ترتیب دولت در سال جاری طبق برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس حدود ۴۷۰ همت کسری خواهد داشت.

بازوی پژوهشی مجلس پیش‌بینی کرده این کسری از محل استقراض از صندوق توسعه ملی، انتشار اوراق بدهی مازاد بر سقف بودجه و عدم تخصیص برخی مصارف جبران شود.

گزارش مرکز پژوهش‌ها آن هم در برهه بررسی لایحه بودجه سال آینده، زنگ خطری بود که تبعات بی‌توجهی به انضباط مالی را آشکار کرد. اکنون که لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ در اختیار مجلس قرار گرفته، انتظار می‌رود نمایندگان از هرگونه تغییری که به تشدید ناترازی دولت منجر شود، خودداری کرده و لایحه را با کمترین تغییر به تصویب برسانند.

بانک‌های دولتی منظور می‌شود و از بدهی دولت به این بانک‌ها کسری می‌شود.

همچنین در تبصره (۲) لایحه بودجه، کارگروهی به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و متشکل از رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بر نحوه انتشار اوراق مندرج در بودجه ۱۴۰۴ نظارت می‌کنند. طبق این بند از لایحه، نحوه تعیین نرخ سود اسمی و مؤثر اوراق مذکور و نرخ حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی با رعایت موازین شرعی توسط این کمیته تعیین می‌شود.

پیش‌بینی کسری ۴۷۰ همتی در سال جاری

درست یک هفته پیش از تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۴ به مجلس بود که مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارشی از عملکرد مالی دولت در ۴ ماهه نخست امسال منتشر کرد. این گزارش نشان می‌دهد که از کل منابع عمومی که طبق قانون بودجه ۱۴۰۳ باید در طول ۴ ماه نخست نصیب دولت می‌شد، تنها ۷۷ درصد محقق شده است. تحقق منابع هدفمندی اما به مراتب

۵۸



اقتصاد

شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳



نهادهای پولی موفق در کنترل نقدینگی (۱)

چالش بانکداران مرکزی جهان با مسئله مدیریت نقدینگی

- نباید از رویکرد مالیات بر عایدی سرمایه در مسئله مدیریت نقدینگی غافل شد
- تورم و نقدینگی افسارگسیخته، منابع مالی را از فعالیت‌های مولد خارج می‌کند

• مهار و مدیریت نقدینگی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانان سیاسی جهان در اقتصادهای کوچک و بزرگ است

۵۹



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

مواجهه با
تنش‌های
مالی و بانکی
ناشی از ازدیاد
غیرقابل مهار
جریان‌های
نقدینگی
در صدر
دغدغه‌های
حاکمیت‌ها
مقامات پولی
و بانکداران
مرکزی قرار دارد

مسئله مهار و مدیریت نقدینگی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانان سیاسی جهان در اقتصادهای کوچک و بزرگ در طول تاریخ بوده و مواجهه با تنش‌های مالی و بانکی ناشی از ازدیاد غیرقابل مهار جریان‌های نقدینگی چه در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته و چه در اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته و فقیر، در صدر دغدغه‌های حاکمیت‌ها، مقامات پولی و بانکداران مرکزی قرار داشته و خواهد داشت.

در حقیقت، همواره شمشیر دو لبه نقدینگی-تورم، طرف تیز و بُران خود را به قلب شاخص‌های کلان مالی و اقتصادی کشورها نشانه رفته و موجبات بروز چالش‌ها و تنش‌های عدیده را ایجاد کرده است.

به عبارت دیگر، تورم و نقدینگی افسارگسیخته از یکسو، منابع مالی را از فعالیت‌های مولد خارج کرده و باعث گسترش اقدامات دلال‌گرایانه، سفته‌بازانه و واسطه‌گرایانه مضر می‌شود و از سوی دیگر، نابرابری‌ها در حوزه توزیع درآمد و ثروت را در جامه افزایش می‌دهد.

در صورتی که با مدیریت و هدایت کارآمد جریان نقدینگی و مهار نرخ تورم، می‌توان زمینه را برای ایجاد ثبات اقتصادی و توسعه هدفمند جریان‌های پولی در جهت ارتقا سطح شاخص‌های کلان مالی، بانکی، ارزی، اقتصادی و بازرگانی، فراهم کرد.

در این بین در برخی از برهه‌های تاریخی، بانکداران مرکزی توانسته‌اند با طراح‌ی و به کارگیری ابزارها، سیاست‌ها و رویکردهای موثر خود، گام بزرگی در جهت هدایت و مدیریت نقدینگی، انتقال جریان غیرمولد نقدینگی مازاد به بخش‌های تولیدی، تجاری و صنعتی و ایجاد جاذبه برای سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها بردارند.

مبتنی بر این مهم، در پرونده پژوهشی با عنوان "تجربه تاریخی بانکداران مرکزی در کنترل نقدینگی"، به سراغ بررسی

اقدامات و سیاست‌گذاری‌های مقامات پولی کشورها در مسئله مهار و مدیریت نقدینگی و تبیین رویکردها و ابزارهای موثر آنها در این زمینه رفته و در اولین مقاله، به سیاست‌های موثر و کارآمد فدرال رزرو ایالات متحده در این حوزه می‌پردازیم و آخرین راهبردها، ابزارها و رویکردهای استراتژیک این نهاد را در راستای هدایت جریان نقدینگی بررسی می‌نماییم.

در واقع مجموعه مقالات این پرونده پژوهشی سعی بر آن دارد تا با تبیین بیشتر اهمیت موضوع و مروری بر تجربیات اقتصادهای بزرگ جهان در این زمینه، چگونگی مدیریت و هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد را بررسی نماید.

البته تبیین تجربیات کشورهای در دست بررسی، به معنای چراغ سبز برای الگوبرداری جامع و تطبیق کامل سیاست‌های پولی و مالی به کار گرفته شده در این کشورها برای اقتصاد ایران نیست، زیرا پیشینه، ظرفیت‌ها، شرایط فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی و زیرساخت‌های اقتصادی هر کشوری، متفاوت از کشور دیگر بوده و لازم است اصول مشترک در زمینه هدایت و مدیریت اعتبار و نقدینگی در ممالک مختلف بررسی شده و سپس متناسب با شرایط بومی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تصمیمات لازم اتخاذ شده و سیاست‌گذاری‌های کارآمد و ایرنیزه شده، انجام شود.

جدیدترین راهبردهای استراتژیک فدرال رزرو برای مدیریت نقدینگی

جروم پاول، رئیس کنونی فدرال رزرو در اولین نشست رسمی شورای حکام این نهاد در سال ۲۰۲۴، از جدیدترین راهبردهای استراتژیک و کلیدی بانک مرکزی آمریکا در حوزه مدیریت و هدایت جریان نقدینگی پرده برداشت.

وی در این جلسه اعلام کرد که همه می‌دانیم بخش اعظمی از رویکردهای موثر برای مهار نقدینگی در دستان سیاست‌گذاران مالی دولت‌ها قرار دارد اما این مسئله، دلیلی بر عدم توجه و عدم همکاری مقامات پولی و بانکداران مرکزی در این امر نخواهد بود و ما معتقدیم که اجرای سیاست‌های بهینه مالی، نیازمند

آمادگی زیرساخت‌های اقتصادی جامعه به وسیله تدوین کارآمدترین سیاست‌های پولی است.

مشارکت در تدوین سیاست‌های مشترک مالی و پولی برای هدایت نقدینگی

در همین راستا، جروم پاول، طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های مشترک مالی-پولی در حوزه‌های مختلف حاکمیت کلان اقتصادی آمریکا را به عنوان کلیدی‌ترین راهبرد موثر استراتژیک در حوزه مهار نقدینگی معرفی می‌کند و در اولین اقدام، تدوین مشارکت محور سیاست‌های کلان نوآورانه در موضوع اجرا و پیاده‌سازی دور جدیدی از رویکرد مالیات بر عایدی سرمایه در اقتصاد داخلی ایالات متحده را به عنوان مهم‌ترین و عملیاتی‌ترین ابزار قابل اتکای کنونی در بحث کنترل نقدینگی، حداقل در دوره کوتاه‌مدت و میان‌مدت پیش‌روی این کشور، پیشنهاد می‌نماید.

در حقیقت، رئیس مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی آمریکا در این جلسه خاطرنشان می‌کند که مالیات بر عایدی سرمایه ابزاری است که در کشورهای جهان به منظور کنترل سوداگری استفاده می‌شود و خاصیت تنظیم‌گری در اقتصاد دارد و این پایه مالیاتی، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین ابزار در دنیا برای جلوگیری از هجوم نقدینگی به سمت فعالیت‌های غیرمؤلف اقتصاد و در نتیجه ممانعت از افزایش غیرمعارف قیمت‌ها، بروز نوسانات و تقویت سوداگری در بازارهای موازی تولید است که متأسفانه در سال‌های اخیر و به ویژه از آغاز هزاره جدید تاکنون، جایگاهی شاخص در سیاست‌گذاری‌های مالی ایالات متحده نداشته و از این حیث، این راهبرد استراتژیک مورد بی‌توجهی دولتمردان ماقرار گرفته است.

پاول در ادامه این نشست اذعان می‌دارد که ما در حالی از به کارگیری و اعطای نقش محوری به رویکرد مالیات بر عایدی سرمایه در مسئله مدیریت نقدینگی غافل شده‌ایم که خوب می‌دانیم این ابزار، با کاهش چشم‌انداز سود سفته‌بازی در بازارهای ارز، طلا، مسکن و بازار

سرمایه‌گذاری‌های غیرمؤلف، زمینه را برای هدایت نقدینگی به سمت بازار سرمایه، بازار مدیریت دارایی و بخش‌های مؤلف صنعتی، تجاری، بازرگانی و خدماتی فراهم خواهد کرد.

در حقیقت باید بپذیریم که بدون جلوگیری از بستری برای ظهور سودهای غیرمعارف و بادآورده در فعالیت‌های غیرمؤلف، سخن گفتن از هدایت نقدینگی اثری نخواهد داشت و متخصصان ما در بانک مرکزی آمریکا، آمادگی هرگونه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اقدام و حتی مشورت علمی و عملیاتی به حکمرانان اقتصادی ایالات متحده در جهت پیاده‌سازی هر چه کارآمدتر مولفه‌های این رویکرد و ابزار موثر را خواهند داشت.

اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری ملی بانک محور برای مهار نقدینگی

همچنین جروم پاول در بخش دیگری از سخنان خود در نشست شورای حکام فدرال رزرو، تعریف پروژه‌های سرمایه‌گذاری بانک محور ملی و رسمی جذاب، فناورانه، نوآورانه و عمیقاً توسعه‌آفرین را به عنوان راهبرد دوم در مسئله مهار و مدیریت جریان نقدینگی معرفی کرد.

در واقع، پاول معتقد است که پس از جلوگیری از هجوم حجم غیرقابل مهار نقدینگی به سمت فعالیت‌های غیرمؤلف از طریق طراحی سیاست‌های مالی-پولی جدید با محوریت دادن به ابزارهایی نظیر مالیات بر عایدی سرمایه، ضروری است برای حرکت سرمایه‌های سرگردان جامعه به سمت تولید و فعالیت‌های مؤلف و سودآور اقتصادی، تدابیری کارآمد با محوریت پروژه‌های سرمایه‌گذاری بانک محور اندیشیده شود.

در حقیقت، علت تأکید مکرر جروم پاول بر تعیین پروژه‌های ملی بانک محور برای هدایت جریان نقدینگی، اشراف کامل مقامات پولی و نهاد بانکداری مرکزی این کشور در جهت مدیریت این بستر برای دستیابی به اهداف مهار نقدینگی است.

رئیس فدرال رزرو معتقد است که قرار گرفتن سکان راهبری جریان نقدینگی در

تبیین تجربیات کشورها، به معنای چراغ سبز برای الگوبرداری جامع و تطبیق کامل سیاست‌های پولی و مالی این کشورها برای اقتصاد ایران نیست



مدیریت جریان نقدینگی به سبب عدم نیاز به هزینه‌های داخلی و فقط با اعلام آمادگی، انتخاب و حضور در سودآورترین پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بانکی بین‌المللی، یاری خواهد رساند.

بدین ترتیب و با استناد به مطالب فوق‌الذکر یعنی مشروح سخنان و نکات گوشزد شده و مهم جروم پاول در نشست رسمی سال ۲۰۲۴ شورای حکام بانک مرکزی آمریکا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مقامات پولی کشورها و بانکداران مرکزی جهان نظیرمدیران فدرال رزرو ایالات متحده، چگونه می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های جامع، فراگیر و کارآمد خود و تلاش در جهت اجرای سیاست‌های متناسب با شرایط، نقش محوری و مهم در بحث مدیریت و هدایت بهینه جریان نقدینگی ایفا کرده و توان عملیاتی اقتصاد داخلی خود را در جهت دستیابی به اهداف متعالی کلان مالی و اقتصادی، ارتقا و افزایش دهند.

منابع:

1. Cetorelli, Nicola & Goldberg, Linda S. (2021), "Liquidity management of U.S. global banks: Internal capital markets in the great recession", Journal of International Economics, Volume 88, Issue 2, Pages 299-311, ISSN 0022-1996, <https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2012.05.001>.
2. https://www.federalreserve.gov/supervisionreg/topics/liquidity_risk.htm
3. <https://www.theglobaltreasurer.com/2024/04/25/mastering-the-flow-liquidity-management-in-a-high-rate-era/>
4. <https://www.wipfli.com/insights/articles/fi-how-banks-can-manage-liquidity-risk-in-2024>
5. <https://www.spglobal.com/ratings/en/research/articles/240130-liquidity-outlook-2024-five-questions-five-answers-12981033>
6. <https://www.afponline.org/training-resources/resources/survey-research-economic-data/Details/liquidity-survey>
7. <https://www.afponline.org/topics/treasury/keeping-the-lights-on-the-why-and-how-of-liquidity-management>

انقیاد و لوای بانک مرکزی آمریکا، امکان اجرای کامل برنامه‌های طراحی و تدوین شده در این زمینه را بهتر فراهم خواهد کرد و با احتمال بالایی، اهداف مرتبط با مهار و کنترل نقدینگی محقق خواهد شد.

در این صورت، فدرال رزرو بهتر می‌تواند با طراحی و تدوین بسترهای پولی نظام‌مند نظیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری بانک‌محور در پروژه‌های کلان ملی و با تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری بانک‌محور خارجی و بین‌المللی، نقدینگی موجود در جامعه و سرمایه‌های خرد و نیمه‌خرد شهروندان را به سمت این قبیل اقدامات هدفمند هدایت نماید.

انتقال مازاد نقدینگی به فرصت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی از طریق تعاملات جهانی

یکی دیگر از راهبردهای استراتژیک و کلیدی مطرح شده از سوی جروم پاول در این جلسه، تلاش برای اقدامات متمرکزتر فدرال رزرو در سال جدیدی میلادی و افق کوتاه‌مدت پیش‌رو در حوزه انتقال مازاد نقدینگی به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بانکی بین‌المللی از طریق روابط و تعاملات این نهاد با سایر هم‌تایان خود در کشورهای مختلف است.

در حقیقت پاول اظهار می‌دارد از آنجا که به سبب هژمونی قدرتمند دلار ایالات متحده در عرصه جهانی، تمایل بخش اعظمی از کشورهای جهان برای برقراری مراودات مالی، بانکی و ارزی و همچنین اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اقتصادی و بانکی آمریکایی را برمی‌انگیزد، مناسب است که ما از این فرصت طلایی و بهینه در جهت هدایت جریان نقدینگی سرگردان خود به پروژه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی مقرون به صرفه در کشورهای دیگر، به ویژه در اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته و نوظهور استفاده کنیم.

همچنین از آنجا که اعتبار نام فدرال رزرو ایالات متحده در یک پروژه بانکی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، به راحتی می‌تواند تقاضا برای حضور فعالان مطرح و مشهور تجاری و بازرگانی را افزایش دهد، این عامل مهم ما را در کاهش هزینه‌های





نهادهای پولی موفق در کنترل نقدینگی (۲)

رویکرد مدیریت نقدینگی در کره جنوبی چگونه نتیجه داد؟

- کره جنوبی با ملی کردن بانک‌ها، امکان کنترل و مدیریت بر جریان نقدینگی نظام بانکی و هدایت اعتبارات را به دست آورد
- دولت کره را ساو و با اتکا به بانک مرکزی، به مداخله‌گری در تخصیص اعتبارات بانکی و مدیریت جریان‌های نقدینگی می‌پردازد

و بانکی در این کشور، با الگوبرداری کامل از تجربه موفق ژاپن در هدایت اعتبارات و مدیریت جریان نقدینگی محقق شد. در حقیقت، بنیانگذار تحولات توسعه‌ای کره جنوبی یعنی ژنرال پارک چونگ‌هی که در سال ۱۹۶۱ با کودتای نظامی به قدرت رسید، در ژاپن تحصیل کرده بود و با آگاهی و اشراف کامل نسبت به عوامل موفقیت و نقشه‌راه عملیاتی مرتبط با اقدامات جزئیات‌تئوریک و نقشه‌راه عملیاتی مرتبط با اقدامات و تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی ژاپن، برنامه ملی توسعه مالی کره جنوبی را با محوریت بخشیدن به نقش دولت در جهت‌گیری‌های اساسی حوزه اقتصاد به‌ویژه در صنعت بانکداری، طراحی و تدوین کرد. در واقع، پارک چونگ‌هی در رویکرد سامان‌دهی جامع و شاکله‌سازی اقتصادی جدید خود که مبتنی بر

در قسمت جدید از مقالات پژوهشی مرتبط با پرونده "تجربه تاریخی بانکداران مرکزی در کنترل نقدینگی"، بار دیگر به سراغ اقتصادهای موفق جنوب شرق آسیای رویم و این بار، تجربه تاریخی عملیاتی، تصمیمات و اقدامات موثر و کارآمد بانک مرکزی کره جنوبی را در هدایت اعتبارات و مدیریت بهینه جریان نقدینگی در اقتصاد این کشور را تبیین می‌نماییم.

مدیریت کارآمد جریان نقدینگی در اقتصاد کره جنوبی با نسخه‌پردازی از الگوی موفق ژاپن

به استناد آمار و اطلاعات موجود در منابع علمی و پژوهش‌های رسمی، بازگشت ثبات پایدار به اقتصاد کره جنوبی و آغاز روند رشد جهش‌وار مالی، ارزی

۶۳



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

نخستین تصمیم مهم و کلیدی دولت کره جنوبی در راستای مدیریت کارآمد جریان نقدینگی و هدایت اعتبارات، ملی کردن بانک‌های تجاری این کشور بود

روش‌های غیربوروکراتیک و دیکتاتورمآبانه در تصمیم و عمل بود، بخش اصلی این طرح ملی را متمرکز بر کنترل و مدیریت جریان اعتبارات بانکی قرار داد و نظام‌مندسازی نهادهای متولی و راهبر توسعه در کره جنوبی را نیز به طور شایان توجه با الگوبرداری از سازمان‌های اقتصادی ژاپن نظیر وزارت دارایی، وزارت تجارت و توسعه، بانک توسعه ژاپن و بانک مرکزی این کشور عملیاتی کرد. همچنین ژنرال پارک به تقلید از الگوی موفق مدیریت جریان نقدینگی در ژاپن، دستور به تأسیس یک نهاد فراوزارتخانه‌ای را با هدف برنامه‌ریزی بالادستی تخصیص منابع در جهت متمرکزسازی فرآیند بودجه‌بندی اعتبارات کلان داد و این سازمان را مسئول تدوین سیاست‌های صنعتی جدید منطبق با رویکردهای تأمین مالی بانک محور بازطراحی شده کرد.

همچنین برای اطمینان از ارتقا سطح کیفی اقدامات این نهاد، باز هم با الگوبرداری از تجربه موفق ژاپن، بانک مرکزی کره جنوبی را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود، موظف به نظارت دقیق بر عملکرد این نهاد فراوزارتخانه‌ای و گزارش دهی منظم و مستمر از نحوه اجرای فرآیند مدیریت جریان نقدینگی و چگونگی هدایت اعتبارات تخصیص یافته از سوی این سازمان به متقاضیان مالی و اقتصادی کرد.

ملی کردن بانک‌های تجاری، مهم‌ترین اقدام حاکمیت کره جنوبی در راستای هدایت اعتبارات

نخستین تصمیم مهم و کلیدی و شاید مهم‌ترین تصمیم عملیاتی دولت کره جنوبی در راستای مدیریت کارآمد جریان نقدینگی و هدایت اعتبارات که در سال ۱۹۶۱ به وقوع پیوست، ملی کردن بانک‌های تجاری این کشور بود و در این راستا، بانک مرکزی کره جنوبی به نمایندگی از پارک چونگ‌هی، مامور تدوین برنامه‌ها، اجرای اهداف و نظارت بر فرآیند عملیاتی این طرح شده بود. این کار نمادی از رویکردهای غیربوروکراتیک، دیکتاتورمآبانه و قاطع چونگ‌هی در فراهم‌سازی مقدمات جهش صنعتی بود. در حقیقت، با ملی کردن بانک‌ها، امکان کنترل و مدیریت بر جریان نقدینگی نظام بانکی و هدایت اعتبارات به بنگاه‌های بزرگ در صنایع ترجیحی و اولویت‌دار کره‌ای بهبود یافت. در این برهه از زمان، بانک مرکزی کره جنوبی در هماهنگی کامل با دولت این کشور قرار گرفت تا سیاست‌های مدنظر حاکمیت کره در حوزه مدیریت جریان نقدینگی به طور جامع و فراگیر به اجرا درآید.

علت مبادرت به این امر این بود که طبق تشخیص دولت کره جنوبی، بانک‌های خصوصی این کشور در ترویج، همراهی و عملیاتی‌سازی فعالیت‌هایی که حاکمیت در حوزه توسعه بسترهای مدیریت

نقدینگی و تسهیل صحیح و کارآمد جریان اعتبارات مدنظر داشته، موفق عمل نمی‌کنند و مانند طفلی نوپا و بازیگوش، نه تنها موجب پیشرفت برنامه‌ها و اهداف متعالی مالی کره نشده، بلکه در جهت تخریب زیرساخت‌های طراحی شده نیز حرکت می‌کنند و این اقدامات آنها، بانک مرکزی کره جنوبی را در راستای دستیابی به هدف‌های اقتصادی خود، دچار بحران‌ها و تنش‌های عدیده‌ای کرده است. از اینرو دولت کره تصمیم گرفت که رأساً و ابتکاره تنها با زور اجرای خودیعی بانک مرکزی، به مداخله‌گری در تخصیص اعتبارات بانکی و مدیریت جریان‌های نقدینگی بپردازد. پس از آغاز ملی سازی بانک‌های کره جنوبی، نظامی از کنترل و هدایت جامع و فراگیر اعتبارات در صنعت بانکداری این کشور به اجرا گذاشته شد و بخش عمده‌ای از تسهیلات اعتباری جدید، به اهداف و بخش‌های اولویت‌دار تخصیص یافت. همچنین نوع طراحی سازوکار انگیزشی دولت کره در حوزه مدیریت جریان نقدینگی به طوری بود که بسیاری از فعالان بازار را ترغیب به پیوستن هرچه بیشتر به این طرح کلان و همراهی با ملی سازی بانک‌های تجاری می‌کرد.

افزون بر ملی سازی بانک‌های موجود، بانک مرکزی کره جنوبی به دستور دولت و در راستای تخصیص تر و کارآمدتر شدن مدیریت و هدایت جریان اعتبارات، اقدام به تأسیس بانک‌های جدید در جهت تأمین مالی هدف‌دار در بخش‌های خاص از جمله تأسیس بانک ملی تعاونی کشاورزی با هدف تأمین اعتبار برای بخش کشاورزی و دامداری، بانک صادرات و واردات برای حمایت از حوزه تجارت خارجی و بانک صنعتی برای ارائه تسهیلات مدیریت شده به بنگاه‌های کوچک و متوسط کرد.

بدین ترتیب، دولت کره جنوبی از طریق نماینده تام‌الاختیار خود یعنی بانک مرکزی این کشور، توانست با در اختیار گرفتن مدیریت نظام بانکی، رگ حیات کسب و کارهای کره‌ای را مدیریت نماید و در این برهه از زمان، بانک‌های این کشور، نقش ابزارهای موثر و کارآمد در اختیار دولت کره جنوبی در حوزه مدیریت تخصیص منابع و هدایت صحیح جریان نقدینگی و اعتبارات را ایفا کردند.

اعطای تسهیلات سیاستی هدفمند و مدیریت جریان نقدینگی به دست صنایع دارای اولویت

یکی دیگر از رویکردهای مهم دولت کره جنوبی در طرح مدیریت جریان نقدینگی و هدایت اعتبارات، تأکید در خواست ایجاد تسهیلات سیاستی هدفمند برای دستیابی به اهداف تخصیصی بانک مرکزی بود. به طوری که حدود ۵۸ درصد از کل اعتبارات

بانکی کره در بين سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۷، به همين وام‌های سياستى اختصاص يافت و طبق آمار و اطلاعات رسمى موجود در منابع علمى و پژوهش‌ها، بانک مرکزى کره جنوبى نسبت تسهیلات سياستى هدفمند به کل تسهیلات بانكى را در دوره زمانى ۱۹۸۵-۱۹۶۳، به استثنای سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴، بالای ۶۰ درصد نگه داشت. در اين نوع از تسهیلات بانكى، تخصیص منابع و جريان اعتبارات اعطایى، بخش‌های مشخصى از اقتصاد کره جنوبى را مورد هدف قرار مى‌داد.

به عنوان نمونه، بخش اعظمى از اعتبارات دهه ۱۹۷۰ ميلادى در کره، به صنايع شيميايى و سنگين مانند فولاد، پتروشيمى، خودرو و ابزارهای ماشينى الكترونيك تعلق گرفت و اولويت تخصیص منابع و هدايت جريان نقدینگی بانكى در اين دوره، به توسعه پُرشتاب صنايع داراى ميزت نسبي به ويژه صنايع داراى مقياس بزرگ، تعلق گرفت.

هدايت موثر جريان اعتبارات به سمت بنگاه‌های صادراتى با چاشنى مدیریت کامل نرخ‌های بهره

اقدام هدفمند و موثر ديگر بانک مرکزى کره جنوبى در بحث مدیریت بهينه جريان نقدینگی و هدايت اعتبارات بانكى، تخصیص کارآمد منابع در جهت توسعه و گسترش فعاليت‌های بخش صادرات اين کشور بود. در واقع کره جنوبى نيز مانند تمام کشورهای موفق شرق آسيا، اقدام به مدیریت فرايند تخصیص منابع خود برای تقويت بنگاه‌های صادراتى کرد. در اين طرح، شرکت‌ها و فعالان موفق حوزه صادرات که توانسته بودند در ۴۸ ماه گذشته، بيش از ۸۵ درصد از تعهدات تجارت خارجى خود را با موفقيت محقق سازند، با تداوم حمايت‌های اعتبارى، تشويق مى‌شدند و در مقابل، حمايت‌های مالی دولت و بانک مرکزى کره جنوبى از بنگاه‌های ناموفق در بخش صادرات که توانايى هزينه‌کرد کارآمد بودجه تخصیص يافته را نداشتند، کاهش مى‌يافت و در برخى موارد، اعطای اعتبارات به بنگاه‌های ناكارآمد، قطع مى‌شد. افزون بر مدیریت عرضه اعتبارات و هدايت جريان نقدینگی توسط بانک مرکزى در حوزه صادرات، وام‌های ترجيحى به اين بخش‌ها، فعالان و صنايع، بسته به نوع عملکرد و بهينه‌گى اقدامات اجرائى آنها، با نرخ ترجيحى، يعنى ۶ درصد کمتر از نرخ بهره وام‌های اعطایى به ديگر بخش‌ها، پرداخت مى‌شد. در حقيقت اين تکار عمل بانک مرکزى کره جنوبى در اجرائى سياست اعمال نرخ‌های ترجيحى بر تسهیلات اعتبارى بنگاه‌های صادراتى اين کشور، يک ایده منحصر به فرد در اقتصاد کره بود که تا آن زمان و حتى تاده‌های پس

از آن، در هيچ کشور جنوب شرق آسيا نيز اجرائ نشد. در واقع، در بقيه کشورهای اين منطقه، تنها مسئله هدايت اعتبارات به بخش‌ها و صنايع اولويت دار مدنظر قرار مى‌گرفت، اما از آنجا که دولت کره جنوبى در هماهنگى کامل با بانک مرکزى، هدايت جريان نقدینگی و مدیریت اعتبارات را از طريق بانک‌های ملی شده تحت تملک خود، انجام مى‌داد، حتى روى بهره وام‌های پرداختى نيز امتيازى ديگر به صنايع هدف و کسب‌وکارهای ويژه مى‌داد. همين اقدام موجب شده بود که دولت کره همواره با مازاد تقاضای وام و اعتبارات مواجه شود که در اين شرايط، تخصیص اعتبارات به شيوه‌ای غيربازارى، غيرقيمى و کاملاً کنترل شده انجام مى‌گرفت تا از هدر رفت منابع و ايجاد ناكارآمدی در تسهيل جريان نقدینگی جلوگیری به عمل آيد. به سبب اتخاذ چنین رویکردی بود که محققان و صاحب‌نظران مالی و اقتصادى تأييد کرده اند سياست‌های بانک مرکزى کره جنوبى در تخصیص منابع مالی دولت و هدايت اعتبارات به سمت بخش‌ها و حوزه‌های هدف و اولويت‌دار، سهم اساسى در شکوفايى و رشد اقتصادى فزاينده و مستمر اين کشور از سال‌های دهه ۱۹۶۰ به بعد داشته است.

نظارت جامع و پایش دقيق جريان هدايت اعتبارات و مدیریت نقدینگی در کره جنوبى

يکى از دلایل اصلى موفقيت دولت و بانک مرکزى کره جنوبى در اجرائى صحيح فرايند مدیریت جريان نقدینگی و هدايت اعتبارات، کارآمدی مکانيزم‌های نظارتى، پایش و رصد مستمر و فراگير اقدامات و عملکردها در اين حوزه بوده است. در حقيقت، حاکميت کره جنوبى دقيقاً مانند دولت ژاپن، يک سازوکار نظام‌مند و پويا از رصد و پایش اعتبارات اعطایى در راستای تضمين تخصیص صحيح منابع و جلوگیری از انحراف در فرايندهای عملياتى و همچنين، يک سازوکار انگيزشى کارآمد و دقيق برای مرتبط ساختن حمايت‌های اعتبارى خود با عملکرد دريافت‌کنندگان اعتبارات، طراحی کرد. با استناد به اطلاعات و آمارهای رسمى، به سبب استقرار و فعاليت اين مکانيزم نظارتى، تقريباً هيچ شاهده‌ای از وجود انحراف در مدیریت جريان نقدینگی و هدايت اعتبارات يا تداوم حمايت مالی دولت و بانک مرکزى از بخش‌ها، صنايع و کسب‌وکارهای ناموفق، گزارش نشده است. در حقيقت در کره جنوبى برخلاف بسيارى از کشورها، ملاحظات سياسى و غيراقتصادى در انتخاب طرح‌ها يا گزينش بخش‌ها و صنايع هدف در جهت تخصیص منابع بانكى و هدايت جريان نقدینگی، دخيل نبوده است.

دولت
کره جنوبى از
طريق نماينده
تام‌الاختيار
خود يعنى بانک
مرکزى
توانست
رگ حيات
کسب‌وکارهای
کره‌ای را
مدیریت کند





شکل گیری ریسک متوسط بانکی در بلغارستان

تسلط شرکت های بزرگ اروپایی بر بانک های بلغارستان

- چشم انداز کلی صنعت بانکداری بلغارستان مثبت است
- رشد دارایی های صنعت بانکداری بلغارستان شتاب خواهد گرفت
- انتظار می رود که نرخ رشد تسهیلات بانکی در افق کوتاه مدت پیش رو، ۴ درصد کاهش را تجربه کند
- محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای بلغارستان (BIRI)، عدد ۵۶،۱۴ از ۱۰۰ را نشان می دهد

۶۶



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

انتظار می‌رود
که توسعه
بخش‌های
مختلف بستر
جامع خدمات
بانکی و مالی
بلغارستان، به
بهبود وضعیت
رشد اقتصادی
این کشور
تأیید افق
بلندمدت ۲۰۳۲
منجر شود

خود برای افزایش تعامل با مشتریان از همین
افق کوتاه‌مدت پیش‌رو هستند.
انتظار می‌رود که سرعت توسعه صنعت بیمه
بلغارستان در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، کاهش
یابد. اما با این حال، بخش کوچک‌تر این
صنعت یعنی بازار بیمه‌های عمر می‌تواند
در چشم‌انداز کوتاه‌مدت، رشد قوی‌تری را
تجربه کند که دلیل آن مقرون به صرفه بودن
حق بیمه‌ها در این بخش و افزایش سطح
تقاضای مصرف‌کننده خواهد بود. همچنین
بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی، احتمالاً
دامنه توسعه و رشد کنونی خود را در سال‌های
آتی نزدیک به امروز حفظ خواهد کرد. از سوی
دیگر، انتظار می‌رود با وجود تمرکز نسبتاً بالا
در صنعت بیمه بلغارستان، در افق میان‌مدت
و بلندمدت ۲۰۳۲، شاهد افزایش اجرای
فرآیندهای ادغام و تملک باشیم.

صنعت مدیریت دارایی بلغارستان هنوز یک
بازار کوچک در مقایسه با سایر بازارهای اروپایی
است و حتی انتظار می‌رود که در افق کوتاه‌مدت
پیش‌رو، شاهد کاهش دارایی‌های تحت
مدیریت در این صنعت باشیم، اما چشم‌انداز
میان‌مدت و بلندمدت این بازار، مثبت ارزیابی
می‌شود. با این حال، شتاب در روند توسعه در
صنعت مدیریت دارایی بلغارستان به دلیل
حجم محدود فعالان، فعالیت‌ها، خدمات،
محصولات و مقیاس کوچک بازار، به گندی
انجام خواهد گرفت. از سوی دیگر، تلاش‌های
حاکمیت اقتصادی بلغارستان برای پذیرش
در منطقه یورو، احتمالاً موجب خواهد شد
که صنعت مدیریت دارایی این کشور بتواند
از طریق بیکپارچگی عمیق‌تر و تنگاتنگ با
مکانیزم‌های مالی و سرمایه‌گذاری اتحادیه
اروپا، به مزایای مثبت میان‌مدت و بلندمدتی
دست یابد.

بورس بلغارستان، یک بستر سهامی کوچک
در مقیاس منطقه‌ای است که تمرکز بالایی
بر معاملات سهام کسب‌وکارهای داخلی
این کشور، از شرکت‌های کوچک محلی تا
کسب‌وکارهای بزرگ، دارد. شرکت‌های دارویی
و خدمات مالی بر بورس بلغارستان تسلط
دارند. با این حال انتظار می‌رود تلاش‌ها برای
توسعه دامنه محصولات سرمایه‌گذاری و تشویق
شرکت‌های کوچک‌تر برای حضور در این پلتفرم
سهامی، منجر به افزایش عرضه‌های اولیه و
افزایش فهرست‌های متقاضیان جدید در افق
میان‌مدت و در نهایت، تعمیق بازار سرمایه
بلغارستان در افق بلندمدت ۲۰۳۲ شود.

بررسی تحلیل موسسه اعتبارسنجی
فیچ از صنعت خدمات مالی و بانکی
بلغارستان، نشان می‌دهد که رشد
این صنعت در افق کوتاه‌مدت کاهش
می‌یابد که علت آن، پس‌زمینه اقتصادی
ضعیف و التهابات تورمی داخلی در این
کشور است. با این حال، چشم‌انداز
میان‌مدت این بستر جامع، روشن به نظر
می‌رسد. زیرا اثرات تورم بالا و افزایش
نرخ‌های بهره در طول زمان شروع به
از بین رفتن می‌کنند و این امر، حتی با
وجود ماندگاری اثرات منفی ناشی از
مناقشه نظامی روسیه و اوکراین، به رشد
صنعت خدمات مالی و بانکی بلغارستان
کمک خواهد کرد. ما همچنین انتظار
داریم که توسعه بخش‌های مختلف بستر
جامع خدمات بانکی و مالی بلغارستان،
به بهبود وضعیت رشد اقتصادی این
کشور تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ منجر
شود. همچنین، بهبود شرایط کسب
و کار و عوامل جمعیت‌شناختی نیز با
کاهش چالش‌های پیش‌رو، از رشد قابل
توجه صنایع مالی و بانکی بلغارستان
حمایت خواهد کرد. همچنین به نظر
می‌رسد که حضور گروه‌های مالی بزرگ
اروپایی و ادامه ادغام صنعت بانکی و
مالی بلغارستان با منطقه یورو و توسعه
بسترهای فین‌تک و فناوریانه، شرایط
بازگشت ثبات به بخش‌های مختلف این
بستر جامع در افق میان‌مدت و بلندمدت
را فراهم خواهد کرد.

در حالی که پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد
تسهیلات و اعتبارات بانکی در افق کوتاه‌مدت
پیش‌رو به شدت کاهش یابد، اما چشم‌انداز
کلی صنعت بانکداری بلغارستان مثبت است.
همچنین با ورود به افق میان‌مدت و کاهش
اثرات تورمی همراه با کاهش نرخ بهره، تقاضا
برای اعتبارات خرد و نهادی افزایش خواهد
یافت و در مجموع، رشد دارایی‌های صنعت
بانکداری بلغارستان نیز یک بار دیگر شتاب
خواهد گرفت. با این حال، همچنان انتظار
داریم که نرخ وام‌های غیرجاری (NPL) در
سال‌های آتی، افزایش یابد اما باز هم، بسیار
پایین‌تر از میانگین بلندمدت ۹۰۵ درصدی قرار
خواهد گرفت. از سوی دیگر، بانک‌های بلغاری
در صدد توسعه رویکردهای فین‌تک و گسترش
فرآیند دیجیتالی‌سازی خدمات و محصولات



انتظار داریم که
نرخ وام‌های
غیرجاری (NPL)
بلغارستان در
سال‌های آتی
افزایش یابد

خلاصه چشم‌انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

انتظار می‌رود که نرخ رشد تسهیلات بانکی در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، ۴ درصد کاهش را تجربه کند که علت آن، تورم بالا، سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر و عدم اطمینان سیاسی است که تقاضا برای تسهیلات خُرد و کلان را محدود خواهد کرد. با این حال، پیش‌بینی می‌شود با بهبود شرایط اقتصاد جهانی و فروکش کردن التهابات تورمی در بلغارستان، شاهد افزایش ۱۳.۴ درصدی نرخ رشد تسهیلات تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ باشیم.

پیش‌بینی می‌شود که ارزش بازار حق بیمه‌های عمومی و تخصصی در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو در بلغارستان به میزان ۵۰.۸ درصد و ارزش بازار بیمه عمر ۳.۶ درصد افزایش یابد. از سوی دیگر انتظار می‌رود که بخش بیمه‌های عمومی و تخصصی به عنوان بزرگترین بازار این صنعت، همچنان مدیریت راهبری خدمات و محصولات بیمه‌ای را در بلغارستان در دست داشته باشد. طبق داده‌های بانک مرکزی بلغارستان، کل دارایی‌های تحت مدیریت در صندوق‌های سرمایه‌گذاری این کشور در پایان افق کوتاه‌مدت پیش‌رو به ۸۰.۸ میلیارد لیو بلغارستان (واحد پول ملی این کشور) خواهد رسید که یک درصد افزایش را نسبت به وضعیت فعلی، تجربه خواهد کرد. همچنین تا پایان افق کوتاه‌مدت، صندوق‌های سهامی مشترک، با مالکیت ۵۶.۴ درصدی بازار، مهم‌ترین بازیگر صنعت مدیریت دارایی بلغارستان خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود که شاخص بلو چیپ SOFIX، مهم‌ترین شاخص بورس اوراق بهادار بلغارستان، در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت پیش‌رو، یک رشد ۹۰.۸ درصدی را تجربه کند.

وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری بلغارستان

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای بلغارستان (BIRI)، عدد ۵۶.۱۴ از ۱۰۰ را نشان می‌دهد که حکایت از سطح متوسط ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی بلغارستان دارد. با این امتیاز، بلغارستان در رتبه‌بندی ۱۲۲ کشوری این شاخص، در جایگاه پنجاه و چهارم جهان قرار گرفته است. امتیاز BIRI بلغارستان بیانگر آن است که شاخص‌های استاندارد زندگی مالی در این کشور در یک

دوره بلندمدت، رو به بهبود است و بدین ترتیب، صنعت بانکداری بلغارستان، خطر جدی برای مولفه‌های کلان اقتصادی این کشور نخواهد داشت.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی بلغارستان بر مبنای ماتریس SWOT

نقاط ضعف

- فقدان مقیاس در بخش‌های مختلف صنعت مالی بلغارستان (به جز بخش بانکداری)، علاقه بازیگران بین‌المللی برای ورود به این بازارها را کاهش داده است.
- تسلط گروه‌های بانکی خارجی موانعی را برای ورود رقبای داخلی ایجاد می‌کند.

نقاط قوت

- صنعت بانکداری بلغارستان از نسبت‌های بالای کفایت سرمایه و بهبود مکانیزم‌های نظارتی بهره‌مند شده است که این موارد، به کاهش ریسک سیستماتیک در این صنعت کمک خواهد کرد.
- هیات ارزی بلغارستان، به طور مستمر، ریسک‌های ارزی مرتبط با بدهی‌های خارجی بانک‌های بلغاری را مدیریت خواهد کرد.
- درجه بالای مالکیت خارجیان در صنعت بانکداری بلغارستان، نگرانی‌های مرتبط با کیفیت دارایی‌های بانکی و حجم نقدینگی را کاهش می‌دهد.

تهدیدها

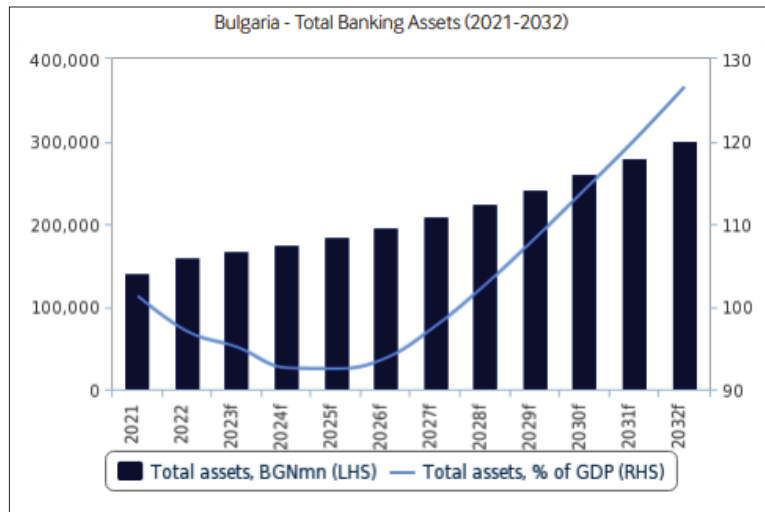
- پیامدهای مناقشه نظامی روسیه و اوکراین، نشان دهنده یک چالش مزمن برای صنعت خدمات مالی و بانکی بلغارستان است که با ریسک‌های کوتاه‌مدت در بخش‌های مختلف این صنعت، همراه خواهد بود.
- کیفیت دارایی‌ها در صنعت بانکی بلغارستان ممکن است در بحبوحه تورم بالا، افزایش نرخ بهره و التهاب اقتصاد داخلی و منطقه‌ای، بدتر شود.
- صنعت مالی بلغارستان همچنان از فقدان جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که ستون اساسی رشد اقتصادی است، رنج خواهد برد.

فرصت‌ها

- تلاش‌ها برای عضویت در اتحادیه بانکداری اروپا و ورود به مکانیسم نرخ ارز بازل ۲، سطح اعتماد را در صنعت خدمات مالی و بانکی بلغارستان تقویت خواهد کرد.
- بورس اوراق بهادار بلغارستان با اجرای استراتژی‌های جدید بازار سرمایه از سوی



نمودار ۱
رشد سالانه کل دارایی های
بانکی بلغارستان (۲۰۲۱-۲۰۳۲)



موقعیت مناسبی برای مقابله با هرگونه خطر ناشی از افزایش نرخ NPL قرار داشته باشند. پیش بینی می شود در حالی که نرخ های بهره بالاتر بر تقاضای بخش اعتبارات بانکی هم در حوزه وام های شرکتی و هم در حوزه وام های خرد و حقیقی تاثیر منفی می گذارد، با این حال انتظار می رود سودآوری تجمیع شده صنعت بانکداری بلغارستان به سبب بهبود حاشیه نرخ بهره وام های جدید، ۶،۷ درصد افزایش یابد که در افق میان مدت و بلندمدت، این افزایش ملموس تر خواهد بود. انتظار می رود که نرخ رشد تسهیلات بانکی در افق کوتاه مدت پیش رو، ۴ درصد کاهش را نسبت به شرایط فعلی تجربه کند که علت آن، تورم بالا، سیاست های پولی سخت گیرانه تر و عدم اطمینان سیاسی است که تقاضا برای تسهیلات خرد و کلان را محدود خواهد کرد. پیش بینی می شود با بهبود شرایط اقتصاد جهانی و فروکش کردن التهابات تورمی در بلغارستان، شاهد افزایش ۱۳،۴ درصدی نرخ رشد تسهیلات تا پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲ باشیم. انتظار می رود که متوسط سود عملیاتی کل نظام بانکی بلغارستان در پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، از یک میلیارد لوی بلغارستان عبور کند که در صورت تحقق، افزایش ۶۱،۵ درصدی را نسبت به شرایط فعلی تجربه خواهد کرد. همچنین تجزیه و تحلیل آخرین داده های موجود نشان می دهد که تا پایان چشم انداز ۲۰۳۲، مجموع

مسئولان، پتانسیل خوبی برای توسعه پُرشتاب دارد.

- افزایش دسترسی به ابزارهای سرمایه گذاری، مانند صندوق های قابل معامله در بورس، مسیر حضور سرمایه گذاران خرد در صنعت مدیریت دارایی بلغارستان را هموارتر خواهد کرد.
- بخش های نسبتاً توسعه نیافته بیمه عمر و بیمه های درمانی، به سبب افزایش سرانه درآمدی، ظرفیت قابل توجهی برای رشد خواهند داشت.

بازار خدمات صنعت بانکداری در بلغارستان

ما انتظار داریم که تقاضای تسهیلات بانکی در افق کوتاه مدت پیش رو، با سرعت بسیار کمتری رشد کند که منعکس کننده وضعیت اقتصادی ملتهب بلغارستان، سیاست های پولی ریاضتی تر، تورم بالا و افزایش نرخ بهره است. با این حال، چشم انداز میان مدت صنعت بانکداری بلغارستان روشن است و انتظار داریم که سرعت رشد نرخ وام ها به ویژه در حوزه تسهیلات اعتباری شرکتی و نهادی، بهبود یابد. همچنین این احتمال وجود دارد که نرخ های بهره بالاتر در افق کوتاه مدت پیش رو، منجر به افزایش نرخ تسهیلات غیرجاری شود، اما سطح بالای کفایت سرمایه در سراسر صنعت بانکداری بلغارستان تضمین می کند که بانک های بلغاری در

شتاب در
روند توسعه
در صنعت
مدیریت دارایی
بلغارستان به
دلیل حجم
محدود
فعالیت ها
خدمات
محصولات و
مقیاس کوچک
بازار، به گندی
انجام خواهد
شد

درآمد ناخالص بانک های بلغاری با ۶۲ درصد
افزایش، از مرز ۲۰۵ میلیارد لوی بلغارستان عبور
کند.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری بلغارستان

نظام بانکی بلغارستان، مهم ترین بخش
صنعت خدمات مالی این کشور است که
نسبتاً توسعه نیافته باقی مانده و تحت سلطه
شرکت های تابعه گروه های بانکی بزرگ
اروپایی قرار دارد. به طوری که این نهادهای
مالی وابسته به بانک های اتحادیه اروپا، حدود
سه چهارم کل دارایی های صنعت بانکداری
بلغارستان را تشکیل می دهند. بر اساس
آخرین گزارش بانک مرکزی بلغارستان،
تعداد ۲۵ بانک در این کشور فعال است
که ۱۸ مورد از آنها، نهادهای مالی و بانکی
داخلی و هفت شعبه بانک خارجی هستند.
بانک های داخلی بلغاری طبق توافق نامه
جدید اتحادیه اروپا، امکان مشارکت بانکی و
انجام خدمات بدون واسطه فرامرزی با بیش
از ۲۸۰ بانک مستقر در منطقه یورو را دارند.
نظام بانکی بلغارستان در آخرین بررسی
کیفیت دارایی ها و تست استرس اتحادیه
اروپا، عملکرد نسبتاً خوبی داشته، به طوری
که بانک مرکزی اتحادیه اروپا اعلام کرده همه
بانک های بلغاری، قادر به مقاومت در برابر
شوک های احتمالی مالی و ارزی در سطح
بالاتر از متوسط هستند.

همچنین بانک مرکزی اروپا اعلام کرده که با
توجه به نتایج مثبت ارزیابی های جامع صورت
گرفته از شش بانک پیشرو در این کشور و کسب
حدنصاب های استاندارد، احتمالاً در افق
کوتاه مدت پیش رو، مجوز پیوستن نظام بانکی
بلغارستان به اتحادیه بانکداری اروپا صادر
می شود. از سوی دیگر، براساس آخرین گزارش
انجمن فین تک بلغارستان (BFA)، این کشور با

حدود ۱۵۶ شرکت فعال در حوزه فناوری های
مالی و بانکی تکنولوژیک و نوآورانه، به عنوان
قطب نوظهور قاره اروپا در حوزه بانکداری
دیجیتال و فین تک شناخته می شود.

بانک های عامل برتر بلغارستان در افق ۲۰۳۲ • هلدینگ مالی یونی کردیت بول بانک (UniCredit Bulbank)

شرکت خدمات بانکداری و مالی یونی کردیت
بول بانک، با مجموع دارایی ۳۰ هزار میلیارد لوی
بلغارستان، بزرگترین بانک تجاری این کشور
از نظر حجم و ارزش دارایی محسوب می شود.
مالکیت این بانک متعلق به گروه مالی بزرگ
اروپایی مستقر در ایتالیا یعنی UniCredit است
که به عنوان یکی از بزرگترین نهادهای مالی
و بانکی در اروپای مرکزی و شرقی (CEE) در ۱۴
بازار بانکی بین المللی و ۱۸ بازار مالی متنوع در
سراسر جهان فعالیت می کند. ساختار جدید
این هلدینگ مالی بلغاری در سال ۲۰۰۷ و پس از
ادغام Hebrus Bank و Bulbank، Biochim شکل
گرفت. دفتر مرکزی یونی کردیت بول بانک در
صوفیه قرار دارد. این بانک که حدود یک پنجم
کل دارایی های صنعت بانکداری بلغارستان را
در اختیار دارد، در حال حاضر، با ۳۶۰۰ کارمند
در ۱۵۲ شعبه در سراسر بلغارستان، به حدود یک
میلیون مشتری خود، خدمات رسانی می کند.
یونی کردیت بول بانک یکی از نهادهای بانکی
پیشرو در زمینه بانکداری دیجیتال و فناوری های
مالی مبتنی بر فین تک در بلغارستان و اروپا
است.

• شرکت خدمات مالی و بانکداری بلغاری بانک دی اس کی (DSK Bank)

شرکت خدمات مالی و بانکداری بلغاری بانک
دی اس کی، با ارزش دارایی ۲۹ هزار میلیارد
لوی بلغارستان، در جایگاه دومین بانک بزرگ
تجاری کشور بلغارستان قرار گرفته است. این
شرکت خدمات مالی و بانکداری که در ابتدا به



مجوز الحاق بانک های بلغارستان به اتحادیه بانکداری اروپا صادر می شود

بانک مرکزی اروپا اعلام کرده که با توجه به نتایج مثبت ارزیابی های جامع صورت گرفته
از شش بانک پیشرو در این کشور و کسب حدنصاب های استاندارد، احتمالاً در افق
کوتاه مدت پیش رو، مجوز پیوستن نظام بانکی بلغارستان به اتحادیه بانکداری اروپا صادر
می شود.

بانک مرکزی
اتحادیه اروپا
اعلام کرده
همه بانک‌های
بلغاری، قادر
به مقاومت در
برابر شوک‌های
احتمالی مالی
و ارزی در سطح
بالاتر از متوسط
هستند

کرد که اولین پلتفرم بانکداری باز بلغارستان را راه‌اندازی کرده است که مشتریان را قادر می‌سازد تا علاوه بر اضافه کردن حساب‌های بانکی دیگر خود به این بستر، خدمات مالی و بانکی مورد نیاز خود را به صورت دیجیتال و به راحتی دریافت کنند.

بازار خدمات صنعت بیمه در بلغارستان

پیش‌بینی می‌شود که سرعت رشد حق بیمه‌های عمر و بیمه‌های عمومی و تخصصی در بلغارستان در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو کاهش یابد. همچنین احتمال وقوع کاهش رشد شدیدتر در بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی از همتای خود یعنی بازار بیمه عمر در چشم‌انداز کوتاه‌مدت و در سال‌های آتی نزدیک به امروز، محتمل‌تر است. با این حال، ما انتظار داریم که سرعت رشد حق بیمه‌های عمر در افق میان‌مدت و بلندمدت، گذر از حق بیمه‌های عمومی و تخصصی شود و این صنعت تا پایان چشم‌انداز ۲۰۳۲، در مالکیت بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی قرار گیرد. پیش‌بینی می‌شود که ارزش بازار بیمه‌های عمومی و تخصصی بلغارستان در پایان افق کوتاه‌مدت، به ۱۰٫۷ میلیارد دلار برسد. همچنین انتظار می‌رود که ارزش کل حق بیمه‌ها در صنعت بیمه عمر، به مرز ۵۰۰ میلیون دلار برسد.

صنعت بیمه بلغارستان براساس استانداردهای اتحادیه اروپا، یک صنعت مالی کوچک و نسبتاً توسعه‌نیافته است، به طوری که در پایان سال ۲۰۲۳، ارزش کل حق بیمه‌های این صنعت از میزان ۱۰۱ میلیارد دلار تجاوز نکرد که نشان‌دهنده کوچکی بازار بیمه بلغارستان در منطقه یورو است. طبق آخرین گزارش کمیسیون نظارت مالی بلغارستان (FSC)، ۵۶ شرکت بیمه در این کشور مجوز فعالیت دارد که شامل ۴۵ شرکت داخلی و ۱۱ شعبه از شرکت‌های خارجی است. در صنعت بیمه بلغارستان، فعالیت ۱۸ شرکت متمرکز بر بازار بیمه عمر، ۳۸ شرکت متمرکز بر بیمه‌های عمومی و تخصصی و یک شرکت مختص بیمه اتکایی است. مانند صنعت بانکداری، بازار بیمه بلغارستان نیز تحت سلطه و مالکیت بیمه‌گران خارجی و اروپایی است.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در بلغارستان

صنعت مدیریت دارایی بلغارستان در سال ۲۰۲۳، دوران پُر فراز و نشینی را تجربه کرد. نیمه

عنوان یک بانک پس‌انداز دولتی در سال ۱۹۵۱ تأسیس شد، از سال ۲۰۰۳ تحت مالکیت گروه مالی و بانکی اروپایی OTP Bank قرار گرفته است. بانک دی‌اس‌کی دارای شرکت‌های تابعه در زمینه مدیریت دارایی، لیزینگ و امنیت مالی خصوصی است.

• بانک یونایتد بلغارستان

(United Bulgarian Bank)

بانک یونایتد بلغارستان، با ارزش کل دارایی ۱۵ هزار میلیارد لوی بلغارستان، به عنوان سومین بانک بزرگ تجاری این کشور شناخته می‌شود. این بانک از طریق ادغام ۲۲ بانک تجاری کوچک، تعاونی و محلی دولتی، تأسیس شد و به شکل امروزی درآمد. سهامدار اصلی بانک یونایتد بلغارستان، بانک ملی یونان بود که بیش از ۹۹ درصد از سهام آن را در اختیار داشت، اما در اواخر سال ۲۰۱۶، گول بانکی بلژیکی KBC، این بانک را به قیمت حدود ۶۱۰ میلیون یورو خریداری کرد. همچنین بانک یونایتد بلغارستان در سال ۲۰۲۲ با نهاد مالی Raiffeisenbank بلغارستان ادغام شد.

• یوروبانک بلغارستان (Eurobank Bulgaria)

یوروبانک بلغارستان که به عنوان پست بانک فعالیت می‌کند، با مجموع دارایی ۱۴۰۵ هزار میلیارد لوی بلغارستان، چهارمین بانک بزرگ تجاری در این کشور از منظر ارزش و حجم دارایی است. این نهاد مالی، بخشی از گروه بانکداری بزرگ اروپایی Eurobank Ergasias است که دفتر مرکزی آن در آتن یونان واقع شده است. یوروبانک بلغارستان محصول مجموعه‌ای از ادغام‌ها و تملک‌ها در چند سال گذشته است که آخرین اقدام در این نهاد مالی، خرید بانک پیرائوس بلغارستان در ژوئن ۲۰۱۹ بوده است.

• فرست اینوستمنت بانک بلغارستان

(First Investment Bank / FIBank)

فرست اینوستمنت بانک بلغارستان، با ارزش دارایی ۱۳۰۵ هزار میلیارد لوی بلغارستان، در جایگاه پنجمین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. این بانک در سال ۱۹۹۳ و پس از فروپاشی رژیم کمونیستی بلغارستان تأسیس شد و سهم بازار آن حدود ۱۰ درصد از کل دارایی‌های صنعت بانکداری بلغارستان است. فرست اینوستمنت بانک دارای شبکه‌ای متشکل از ۱۳۴ شعبه و بیش از ۶۰۰ دستگاه خودپرداز است. همچنین این بانک دارای یک دفتر نمایندگی در آلبانی (با ۱۰ شعبه) و یک دفتر مالی خارج از کشور در قبرس است. در نوامبر ۲۰۱۹، فرست اینوستمنت بانک اعلام





اول سال با مازاد مثبت در سود ناخالص این بازار و نیمه دوم سال، با زیان‌های هنگفت در دارایی‌های تحت مدیریت سپری شد که علت آن، بستر ملتهب اقتصاد داخلی و منطقه‌ای به دلیل پیامدهای منفی ناشی از مناقشه نظامی روسیه و اوکراین بود.

اندازه کوچک و محدود بازار مدیریت دارایی بلغارستان می‌تواند زمینه رشد محسوس را در افق میان‌مدت و بلندمدت فراهم کند، البته به شرطی که اقتصاد این کشور، با بهبود مولفه‌های کلان مالی و اقتصادی به ویژه در حوزه سرانه درآمد ملی و اشتغال در کنار کاهش تورم، روبرو شود.

از سوی دیگر، گزارش بانک مرکزی این کشور نشان می‌دهد که به دلیل التهابات تورمی در بلغارستان و اروپا، ممکن است با کاهش نسبتاً قابل توجه در تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در پایان افق کوتاه‌مدت روبرو شویم، به طوری که پیش‌بینی می‌شود از میزان ۱۵۰۸ صندوق کنونی، به کمتر از ۱۲۰۰ صندوق برسیم.

چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت مدیریت دارایی بلغارستان

صنعت مدیریت دارایی بلغارستان یک صنعت نسبتاً کوچک است که جریان‌های سرمایه‌گذاری در آن، توسط بازیگران اروپایی از طریق شعب و شرکت‌های تابعه آنها، هدایت می‌شود. طبق گزارش بانک مرکزی بلغارستان، حجمی در حدود ۲ میلیارد لیو بلغارستان، به عنوان بخش کوچکی از گردش مالی این بازار، در اختیار ۱۵۶ صندوق سرمایه‌گذاری مقیم این کشور قرار دارد.

از سوی دیگر، بیش از ۱۳۵۱ صندوق دارایی غیرمقیم، گردش‌ی معادل ۶ میلیارد لیو بلغارستان را در این صنعت مدیریت می‌کنند. صنعت مدیریت دارایی بلغارستان مانند سایر هم‌تایان منطقه‌ای خود، به دو فعالیت اصلی یعنی سرمایه‌گذاری‌های فعال و غیرفعال (منفعل) می‌پردازد. ریسک و سودآوری خالص در بخش سرمایه‌گذاری‌های فعال، به مراتب بیشتر از بخش سرمایه‌گذاری‌های منفعل است، اما در عین حال معاملات بخش فعال، کارمزد کمتری دارند.

در سال‌های اخیر رشد حوزه مدیریت سرمایه‌گذاری منفعل از همتای خود پیشی گرفته است، زیرا بستر سرمایه‌گذاری منفعل توانسته به دلیل ریسک بسیار پایین و تضمین

یک حاشیه سود معقول، طیف وسیع‌تری از سرمایه‌گذاران خرد به سمت خود جذب کند. در حال حاضر، صندوق‌های قابل معامله در بورس، به دلیل هزینه‌های پایین و دسترسی سهل‌الوصول، محبوب‌ترین خدمت و محصول در بخش مدیریت دارایی‌های منفعل محسوب می‌شوند.

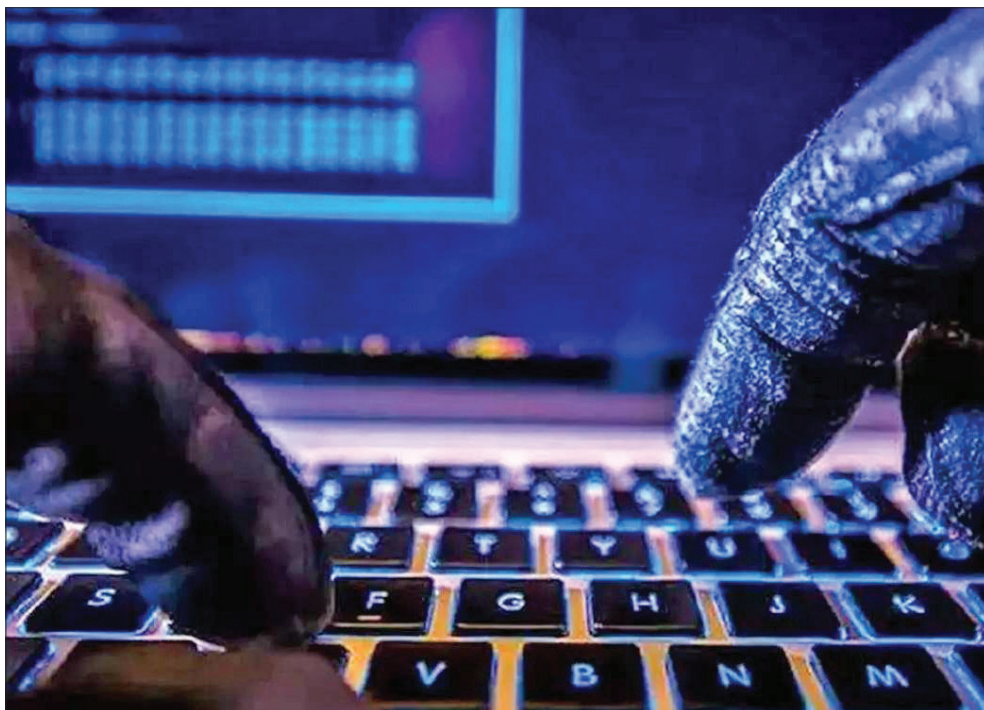
بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در بلغارستان

بورس اوراق بهادار صوفیه، یک بازار سهامی کوچک در مقایسه با سایر کشورهای اتحادیه اروپا است. شرکت‌های دارویی و خدمات مالی بر بازار بورس بلغارستان سلطه دارند. بیشتر شرکت‌های نمایه شده در بازار سرمایه بلغارستان، کسب‌وکارهای داخلی این کشور هستند و به همین دلیل، بیشترین حجم معاملات این بستر بورسی، متعلق به سهام شرکت‌های بلغاری است.

به نظر می‌رسد که در پایان افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، ارزش گردش مالی سهام شرکت‌های ممتاز فهرست شده در بورس صوفیه، نسبت به مدت مشابه کنونی، ۱۰۹۰۶ درصد افزایش یابد. براساس آخرین داده‌های بورس اوراق بهادار بلغارستان، پیش‌بینی می‌شود که ارزش کل سرمایه قابل معامله در تالار اصلی بورس صوفیه در پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت، به ۱۱۰۴ میلیارد لیو بلغارستان برسد.

بورس صوفیه بلغارستان (BSE-Sofia) در اکتبر ۱۹۹۷ توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار دولتی این کشور تأسیس شد و تنها پلتفرم سهامی فعال در بازار سرمایه بلغارستان است. این بستر بورسی میزبان مبادلات سهام، اوراق قرضه و سایر ابزارهای تخصصی اوراق بهادار، از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های قابل معامله در بورس است.

بورس صوفیه دو تالار فعال دارد: تالار یا بازار اصلی که شامل بخش‌هایی برای معاملات سهام‌های ممتاز است و تا به امروز، فقط ۱۰ شرکت و ناشر اوراق را در خود جای داده است. با این حال، حدود ۷۵ درصد از ارزش کل معاملات بازار سرمایه بلغارستان را در اختیار دارد. تالار یا بازار جایگزین (BaSE) که کوچک‌تر از تالار اصلی و شامل ۵۷ شرکت است و فقط مختص معاملات سهام‌های خاص و صندوق‌های سرمایه‌گذاری با اهداف ویژه است.



چالش‌های صنعت بانکداری جهان در سال ۲۰۲۵ (۱)

موج سنگین حملات سایبری بر علیه بانک‌ها

- تاکنون رویکرد و ابزار مشخصی برای ردیابی نتیجه‌بخش در یافتن مهاجمان سایبری و عاملان حملات فیشینگ به موسسات مالی و اعتباری طراحی نشده است
- ایالات متحده، چین و روسیه در رتبه اول تا سوم بیشترین تهدیدات امنیتی سایبری در سال‌های اخیر قرار داشته‌اند
- اطمینان از رعایت مقررات حفظ حریم خصوصی داده‌ها مانند GDPR و CCPA برای محافظت از اطلاعات مشتریان ضروری است
- میزان موفق بودن حملات صورت گرفته به زیرساخت‌های مالی و اطلاعاتی نهادهای بانکی و اعتباری هر ساله با نرخ تصاعدی در حال افزایش است

۷۳



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

حملات
فیشینگ و
نقض داده‌ها
خطرات قابل
توجهی برای
مؤسسات مالی
و بانکی کوچک
و بزرگ جهان
ایجاد خواهد
کرد

۷۴



اقتصاد

• شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ •

یکی از موضوعات و دغدغه‌های مهم نظام‌های مالی و بانکی بین‌الملل، چالش‌های مختلف، متعدد و بعضاً غیرقابل پیش‌بینی است که در افق کوتاه‌مدت، پیش‌روی بازارهای مالی قرار می‌گیرد. از آنجا که پیشرفت‌های تکنولوژیکی، فناورانه و نوآورانه از یک سو و نااطمینانی‌های اقتصادی، مالی، ارزی و سیاسی از سوی دیگر، همواره بستر جامع خدمات مالی به ویژه صنعت بانکداری جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اهتمام ویژه به آنچه که می‌تواند در آینده نزدیک، سایه ریسک‌های جبران ناپذیر را بر سر این صنعت سنگین نماید، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. لذا مبتنی بر این مهم، در پرونده جدید پژوهشی، به چالش‌های پیش‌روی صنعت بانکداری جهان در سال جدید میلادی پرداخته و ترندهای مثبت و منفی این صنعت در سال ۲۰۲۵ میلادی را تبیین می‌نماییم.

چالش‌های پیش‌روی صنعت بانکداری

جهان در سال ۲۰۲۵

تهدیدات امنیت سایبری و وقوع ناامنی‌های احتمالی برای حریم خصوصی داده‌ها

طبق اطلاعات رسمی استخراج شده از گزارش‌های عملیاتی منتشر شده توسط سازمان‌ها و نهادهای معتبر مالی و امنیتی جهان، صنعت بانکداری، مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف حملات امنیت سایبری در بین بازارهای مالی است که تهدیدات الکترونیک، دیجیتال و غیرفیزیکی علیه این صنعت، روز به روز به طور فزاینده‌ای در حال پیچیده‌تر شدن است و افزایش باج‌افزارها، حملات فیشینگ و نقض داده‌ها، خطرات قابل توجهی برای مؤسسات مالی و بانکی کوچک و بزرگ جهان ایجاد خواهد کرد. به طوری که متخصصان بانکی و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که در آینده‌ای نه چندان دور، امکان دفع و مقابله با برخی از این تهدیدات امنیت سایبری، عملاً وجود نخواهد داشت. در این بین، برخی آمارهای مرتبط با این چالش مهم، حاکی از وخامت اوضاع نظام بانکی بین‌الملل در سال میلادی پیش‌رو در صورت عدم اجماع بانکداران جهان بر طراحی و تدوین

یک برنامه جامع، فراگیر و مکانیزم کارآمد مقابله‌ای با این تهدیدات سایبری است.

آمارهای نگران‌کننده از موفقیت‌های چشمگیر مهاجمان سایبری

آمارها نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۴ ساله اکتبر ۲۰۲۰ تا اکتبر ۲۰۲۴، تعداد حملات موفق سایبری به نظام بانکداری جهان، بیش از دو برابر حملات صورت گرفته در بازه زمانی ۲۰ ساله از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ بوده است. همچنین در همین دوره زمانی ۴ ساله، شدت آسیب‌پذیری بانک‌های بزرگ و مشهور جهان نسبت به حملات فیشینگ و تهدیدات سایبری، با وجود داشتن بسترها و سازوکارهای امنیتی به مراتب قوی و کارآمد، بسیار بیشتر از بانک‌های کوچک و متوسط و بانک‌های محلی بوده است. اطلاعات منتشر شده دیگری نشان می‌دهد که ایالات متحده، چین و روسیه در رتبه اول تا سوم بیشترین تهدیدات امنیتی سایبری در سال‌های اخیر قرار داشته‌اند. نکته نگران‌کننده اینجاست که بر مبنای برخی گزارش‌ها، میزان موفق بودن حملات صورت گرفته به زیرساخت‌های مالی و اطلاعاتی نهادهای بانکی و اعتباری در این کشورها، هر ساله با نرخ تصاعدی در حال بالا رفتن است. همچنین پیش‌بینی شده است که تا پایان سال ۲۰۳۰، میزان اقدامات سایبری علیه مؤسسات بانکی و نهادهای مالی و اعتباری در اقصی نقاط جهان بیش از ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر انتظار می‌رود که پیچیدگی‌های طراحی شده در این نوع از دستبردهای امنیتی سایبری در سال‌های آتی، به مراتب بیشتر شده و در نتیجه، موفقیت این نوع از حملات به صنعت بانکداری، افزایش خواهد یافت.

به همین دلیل است که نظام بانکی بین‌الملل پس از فروکش کردن تبعات منفی ناشی از بحران همه‌گیری کرونا، از اواسط سال ۲۰۲۲ میلادی اقدامات جدی خود در جهت اصلاح زیرساخت و عملکردهای اجرایی را آغاز کرده است. به عنوان نمونه، مقررات در حال تحول حفظ حریم خصوصی داده‌ها، مانند قانون حفاظت از داده‌های عمومی (GDPR) در اتحادیه اروپا و قانون حفظ حریم خصوصی مصرف‌کنندگان کالیفرنیا (CCPA) در ایالات متحده، الزامات سخت‌گیرانه‌ای را در مورد نحوه مدیریت بانک‌ها بر داده‌های مشتریان، اعمال خواهد کرد.

راهکارهایی که صنعت بانکداری را در مقابل حملات سایبری، ایمن تر خواهد کرد

• سرمایه‌گذاری هدفمند در سامانه‌ها و

چارچوب‌های پیشرفته امنیت سایبری

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پیشگیرانه در حال انجام در جهت مقابله با تهدیدات بانکداری دیجیتال، سرمایه‌گذاری کشورهای مختلف در زمینه طراحی، تدوین و عملیاتی‌سازی سامانه‌ها و چارچوب‌های پیشرفته امنیت سایبری است. به عنوان مثال، بانک‌های معتبر جهان به ویژه هلدینگ‌های مالی، گروه‌های بانکی و شرکت‌های خدمات مالی و بانکی فعال در نظام مالی ایالات متحده از اواخر سال ۲۰۲۲ و اوایل سال ۲۰۲۳ میلادی، چارچوب‌های امنیت سایبری خود را با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و ابزار ماشین لرنینگ، در جهت شناسایی و پاسخ به تهدیدات موجود و آتی، ارتقا داده‌اند. همچنین بانک‌های بزرگ و مشهور منطقه یورو در ۱۸ ماه اخیر، به برگزاری منظم و دوره‌ای تست‌ها و آزمون‌های نفوذ و سنجش و ارزیابی میزان، علل و چگونگی آسیب‌پذیری‌های خود در بستر بانکداری دیجیتال پرداخته‌اند. در چین و روسیه نیز متخصصان علوم کامپیوتر و هوش مصنوعی، در حال طراحی سامانه‌های پیشرفته‌ای موسوم به پدافندهای مالی سایبری هستند که مهم‌ترین ویژگی این سامانه‌ها، دریافت ضعیف‌ترین سیگنال‌های فیشینگ و صدور هشدارهای امنیتی متعدد تا قبل از آغاز حمله اصلی مهاجمان و ایمن‌سازی داده‌های مشتریان و اطلاعات امنیت مالی بانک‌ها در هنگامه وقوع این حملات امنیت سایبری است.

• دانش‌افزایی و آگاهی‌بخشی کارکنان صنعت بانکداری نسبت به حملات سایبری و فیشینگ

دومین راهکار که به نظر می‌رسد از آن می‌توان به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اقدامات این صنعت برای مقابله با چالش‌های مهم امنیتی بانکداری دیجیتال نام برد، برگزاری دوره‌های آموزشی فراگیر و جامع دانش‌افزایی، آگاهی‌بخشی و مهارت‌آموزی به کارکنان صنعت بانکداری در اقصی نقاط جهان در مورد جدیدترین رویکردها و ابزارهای مهاجمان سایبری، بهترین شیوه‌های امنیت سایبری و شناخت

الگوها و رویه‌های مقابله با تهدیدات نوظهور در این زمینه است. برنامه‌های آموزشی مستمر و نظام‌مند، به سبب ایجاد زنجیره‌ای از مهارت‌های فردی و گروهی و چینش خطوط دفاعی مسئولیت‌پذیرانه، ریسک خطای بشری را کاهش داده و آمادگی نیروی انسانی متخصص را برای مواجهه با چالش‌های غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی، ارتقا می‌دهد.

نمونه مهم اقدامات صنعت بانکداری در این زمینه، تشکیل آکادمی مشترک آموزش‌های ضد امنیت سایبری مالی توسط دو سازمان مرکزی تأثیرگذار در این صنعت، یعنی فدرال رزرو ایالات متحده و بانک مرکزی اروپا بود. در اکتبر ۲۰۲۲، در نشست مشترک شورای حکام هر دو نهاد، آسیب‌شناسی‌های انسانی قابل وقوع در حوزه حملات سایبری بررسی شد و در جهت کاهش هدفمند این چالش‌ها، سازمانی متمرکز در جهت ارائه آموزش‌های نوین در این زمینه، آغاز به کار کرد. برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی این آکادمی هر ساله در دو بخش تئوری و عملی و در قالب آموزش‌های حضوری و آنلاین با به کارگیری اساتید، متخصصان و صاحب‌نظران برجسته بانکی، مالی، اقتصادی و ارزی در سرفصل‌های آموزشی تدوین شده‌ای که همگام با تغییرات و پیچیده‌تر شدن تهاجمات سایبری، مورد بازطراحی و به‌روزرسانی قرار می‌گیرد، برگزار می‌شود. همچنین بانک مرکزی اروپا از ابتدای سال ۲۰۲۴، در جهت بهبود عملکردهای اجرایی و بالا رفتن میزان آمادگی برای اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای، حضور تمامی کارکنان، سرپرستان، مدیران میانی و ارشد و اعضای هیات مدیره و ارگان شورای مرکزی تمامی نهادهای مالی و بانکی تحت نظارت و عضویت منطقه پولی یورو را در این دوره‌های آموزشی الزامی کرده و معیار ارتقا شغلی و ترفیع اداری را در برخی سازمان‌ها و موسسات مالی و بانکی، منوط به موفقیت در گذراندن این برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی قرار داده است.

• اجرای سیاست‌های حاکمیت داده‌ها در نظام بانکی

یکی دیگر از برنامه‌های بانکداران مرکزی و سیاست‌گذاران پولی جهان در جهت مقابله با اقدامات مجرمانه در زمینه امنیت

متخصصان
بانکی و
صاحب‌نظران
اقتصادی
معتقدند که
در آینده‌ای نه
چندان دور
امکان دفع و
مقابله با برخی
از این تهدیدات
امنیت سایبری
عملا وجود
نخواهد داشت



پیش بینی
شده تا پایان
سال ۲۰۳۰
میزان اقدامات
سایبری علیه
موسسات بانکی
و نهادهای مالی
و اعتباری جهان
بیش از ۴۰ درصد
افزایش خواهد
یافت

سایبری مالی، استقرار سیاست‌های حاکمیت داده‌هاست. در حقیقت، منطبق با آراء کارشناسان و صاحب‌نظران صنعت بانکداری، پیاده‌سازی سازمان‌مند و مدون سیاست‌های حاکمیت داده، انطباق عملکردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای بانک‌های مرکزی همگام با مقررات حفظ حریم خصوصی داده‌ها را تضمین می‌کند. این سیاست‌ها شامل رمزگذاری داده‌ها، ذخیره‌سازی امن داده‌ها و پروتکل‌های مدیریت داده‌های شفاف است. این نوع از سیاست‌گذاری داده‌محور در راستای ارزیابی کنترل‌های فرآیند و به‌روزرسانی طبقه‌بندی اطلاعات مشتریان و اطلاعات امنیت مالی بانک‌ها صورت می‌پذیرد که رصد و نظارت دقیق و یکپارچه بر هر دو بخش، برای گزارش‌دهی کارآمد و مناسب به تنظیم‌کننده‌ها و رگولاتورهای امنیت سایبری نظام بانکی بین‌الملل، ضروری هستند. در حقیقت، از آنجایی که بانک‌ها هر ساله فناوری‌های جدیدی را اتخاذ می‌نمایند، تنظیم‌کننده‌های حوزه امنیت بانکداری دیجیتال، بر اهمیت حفظ استانداردهای انطباق و حاکمیت داده‌ها برای محافظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده مشتریان و اطمینان از پایداری به مقررات و لوائح حقوق مالی تأکید می‌کنند و به همین دلیل است که اطمینان از رعایت مقررات حفظ حریم خصوصی داده‌ها مانند GDPR و CCPA برای محافظت از اطلاعات مشتریان را ضروری می‌دانند.

تدوین و اجرای احکام قضایی سنگین برای مجازات عاملان حملات سایبری

با آنکه تا به حال، رویکرد و ابزار مشخص و مدونی برای ردیابی نتیجه بخش در جهت یافتن مهاجمان سایبری و عاملان حملات

فیشینگ به موسسات مالی و اعتباری طراحی و ایجاد نشده است، اما در صورتی یک اجماع کلی در بین سازمان‌های حقوقی و قضایی بین‌المللی، بانکداران مرکزی و حاکمیت‌های سیاسی در راستای تهیه لوائح حقوقی و مفاد قانونی لازم‌الاجرا در باب تعیین مجازات‌های سنگین در قبال عملکرد مجرمان سایبری مالی انجام پذیرد، می‌توان امید داشت که شاهد کاهش قابل توجه و معنادار تهدیدات امنیت سایبری و جلوگیری از وقوع ناامنی‌های احتمالی برای حریم خصوصی داده‌ها و اطلاعات مشتریان صنعت بانکداری در جهان باشیم. اما همانطور که می‌دانیم اجرای چنین طرح و برنامه‌ای در افق‌های بلندمدت امکان‌پذیر است و احتمال پیاده‌سازی آن در چشم‌اندازهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت، کم‌رنگ است.

منابع:

1. <https://www.pwc.com/gx/en/industries/financial-services/publications/financial-services-in-2025/retail-banking-2025.html>
2. <https://www.intuition.com/top-5-operational-risks-for-banks-in-2025/>
3. <https://strands.com/blog/2025-banking-trends/>
4. <https://www.oracle.com/financial-services/driving-success-in-retail-banking-banking/>
5. <https://strands.com/blog/2025-banking-trends/>
6. <https://www.grantthornton.ie/insights/factsheets/banking-2025-emerging-risks-and-the-regulatory-agenda/>
7. <https://www.heimmeyerconsulting.com/risk-and-regulation-2024-and-2025/>
8. <https://startups.epam.com/blog/challenges-in-banking-industry>



برنامه‌های پیشگیرانه کشورها برای ارتقاء امنیت سایبری

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پیشگیرانه در حال انجام در جهت مقابله با تهدیدات بانکداری دیجیتال، سرمایه‌گذاری کشورهای مختلف در زمینه طراحی، تدوین و عملیاتی‌سازی سامانه‌ها و چارچوب‌های پیشرفته امنیت سایبری است.



چالش‌های صنعت بانکداری جهان در سال ۲۰۲۵ (۲)

خیز بانک‌های جهان برای استفاده از هوش مصنوعی

- صنعت بانکداری اگر بخواهد توسط مشتریان و متقاضیان هدف خود دیده شود، نمی‌تواند به رویکردهای سنتی اکتفا کند
- مشارکت بانک‌ها با شرکت‌های فین‌تک می‌تواند منجر به خلق نوآوری در نظام‌های بانکی داخلی و بین‌الملل شود
- بانک‌ها می‌توانند از قدرت رسانه‌های اجتماعی برای افزایش ترافیک ارائه خدمات و مراجعه کاربران به شعبات فیزیکی و دیجیتال خود استفاده کنند

پیشرفت‌های تکنولوژیکی در نظام بانکی و چالش‌های احتمالی ناشی از اختلالات فناوریانه مالی

پیشرفت سریع فناوری و ظهور شرکت‌های فین‌تک در عرصه‌های مالی و اقتصادی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای بانک‌های سنتی ایجاد کرده و خواهد کرد. ابزارها و رویکردهای فین‌تک، اغلب راه‌حل‌های نوآورانه و مشتری‌محور ارائه می‌دهند که می‌تواند مدل‌های نظام بانکداری سنتی را دچار اختلال کند. از سوی دیگر، پذیرش فناوری‌های نو ظهور مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین توسط فعالان صنعت بانکداری در جهان می‌تواند به مثابه نقطه عطفی در تحولات طرف تقاضا در این صنعت عمل نماید. در

در بخش اول از پرونده پژوهشی حاضر، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های چالش‌آفرین بانکداران جهان در سال میلادی پیش‌رو یعنی تهدیدات امنیت سایبری، حملات فیشینگ و وقوع ناامنی‌های احتمالی برای حریم خصوصی داده‌ها و اطلاعات مشتریان و داده‌های مالی امنیتی بانک‌ها پرداختیم و برخی راهکارهای موثر و کارآمد قابل اجرا و در حال برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی در این زمینه را تبیین کردیم. حال در بخش دوم از این پژوهش عملیاتی، به سراغ بخش دیگری از چالش‌های پیش‌روی صنعت بانکداری جهان در سال ۲۰۲۵ می‌رویم.

۷۷



اقتصاد

● شماره ۶۳-آبان ۱۴۰۳ ●

حقیقت، در سال میلادی پیش‌رو، بانک‌هایی بایست با سرمایه‌گذاری در توسعه به کارگیری ابزارهای مدرن مانند رایانش ابری، تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها و روندهای های‌تک، تا قبل از آسیب‌پذیر شدن نسبت به جهان پرشتاب فناوریانه مالی، تحولات دیجیتال را در آغوش بگیرند. این اقدام نه تنها کارایی عملیاتی در سراسر صنعت بانکداری را افزایش خواهد داد، بلکه نقشه راه تجربیات مشتریان را به شکل ملموسی، بهبود خواهد بخشید. از سوی دیگر، مشارکت بانک‌ها با شرکت‌های فین‌تک می‌تواند منجر به خلق نوآوری در نظام‌های بانکی داخلی و بین‌المللی شود و بانک‌ها را قادر به ارائه محصولات و خدمات رقابتی‌تر در سال آتی کند. همچنین تمرکز بر تجربه مشتری از طریق خدمات شخصی‌سازی شده، بانکداری تلفن همراه و رابط‌های دیجیتال یکپارچه می‌تواند به حفظ و جذب مشتریان بانک‌های سنتی در مواجهه با بستر به شدت رقابتی بانکداری مبتنی بر سازوکارهای فین‌تک در سال ۲۰۲۵ میلادی، کمک کند. با این حال، بانکداران مرکزی و مدیران بانکی در سراسر جهان می‌بایست ریسک‌های عملیاتی مرتبط با این حوزه، از جمله شکست‌های محتمل در روندهای فناوریانه، عدم پشتیبانی مستمر رویکردهای به روز شده و فین‌تک و مسائل مربوط به یکپارچگی داده‌ها را به دقت مدیریت کنند و در این مسیر، بانک‌ها و موسسات و نهاد‌های مالی می‌توانند با پیاده‌سازی چارچوب‌های قوی و نظام‌مند حاکمیت فناوری اطلاعات، از طریق انجام ارزیابی‌های کامل مولفه‌های تشخیص و اندازه‌گیری ریسک و اطمینان از پشتیبان‌گیری و مکانیزم‌های بازیابی اضطراری، با امنیت بیشتری در سال آتی میلادی به استقبال ابزارها و رویکردهای فناوریانه بروند.

گسترش بانک‌های مجهز به فناوری روز و رنگ خطر برای بانکداران سنتی

در چشم‌انداز مالی امروز، رقابت، اسم رمز موفقیت در صنایع مختلف بانکی و اقتصادی است. یک دهه پیش، استارت‌آپ‌های مالی با رویکرد نوآورانه خود در توسعه نرم‌افزارهای فین‌تک و مجهز به فناوری‌های جاذب و ایده‌های تازه‌ای که موانع ورود به سطوح مختلف بستر جامع خدمات مالی و بانکی را از بین می‌بردند، وارد صحنه شدند. آنها یک سلاح مخفی مهم در اختیار دارند، تجربیات کاربرپسندی که در سال جدید میلادی، قطعا بیش از پیش بانکداران سنتی را به چالش خواهد کشید. زیرا امروزه فناوری‌های مالی و بانکی مبتنی بر رویکردهای نوآورانه و در بسترهای فین‌تک و های‌تک، از خریدهای فروشگاهی در دور افتاده‌ترین نقاط جهان تا نظام‌های پرداخت، سپرده‌ها، وام‌دهی، مدیریت ثروت، مشاوره سرمایه‌گذاری و کارگزاری بورس، در همه جا حضور

پُررنگ دارند و به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره ما تبدیل شده‌اند. این به اصطلاح اخلاک‌گران دیجیتالی بانکداری سنتی، فقط زمین بازی را تغییر نداده‌اند، بلکه آنها در حال بازنویسی قوانین و تغییر در مفاهیم بنیادین مالی و بانکی هستند. تمرکز بانک‌های مجهز به فناوری روز بر یک اصل مهم استوار است و آن، راحتی و سهولت الوصول بودن مسیر مشتریان در دریافت یکپارچه تمامی خدمات مالی و بانکی است و این مسئله، یک چالش واقعی و تمام عیار برای بانکداران سنتی خواهد بود. حال بانکداران سنتی برای عقب‌نماندن در این رقابت تنگاتنگ در سال جدید میلادی و افاق‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت پیش‌رو، می‌بایست از چارچوب‌های فکری خود خارج شده و تقاضا و خواست کاربران و مشتریان خود را به شیوه‌های متفاوت از قبل، در مرکز توجه قرار دهند. زیرا بسترهای رقابتی آتی، اتمسفری است برای برآورده کردن انتظارات در حال تغییر شهروندان که بازگشت به ابزارها و ساختارهای قدیمی و سنتی به معنای حذف سریع از بازار توسط رقباي قدرتمند مجهز به فناوری‌های روز است. همچنین از آنجا که حوزه خدمات مالی و بانکی، همه چیز به سرعت در حال تغییر است و ما در میانه یک دوره گذار اقتصادی-اجتماعی در مسائل اقتصادی-فرهنگی هستیم، لذا نیاز به آمادگی بانک‌ها برای همگام شدن با تغییرات سریع شکل فرهنگی پول، به شدت احساس می‌شود.

کلاهبرداران مالی و بانکی از رگ کردن به ما نزدیک‌ترند

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی صنعت بانکداری جهان در سال جدید، افزایش نرخ بی‌اعتمادی مشتریان و کاربران به موسسات مالی و نهاد‌های بانکی است که توسط زبده‌ترین کلاهبرداران و مجرمان، از طریق همین فناوری‌های پیشرفته و به روز شده، مورد دستبرد های کلان قرار می‌گیرند. در حقیقت، کلاهبرداری‌های آتی در عرصه ارزی، اقتصادی و بانکی، چالشی رو به رشد برای تمامی بخش‌های بستر جامع خدمات مالی و بانکی در جهان محسوب می‌شود که به سبب احاطه کامل این مجرمان و بزه‌کاران بر جدیدترین و نوین‌ترین استراتژی‌های تکنولوژیکی و فناوریانه مالی روز، مقابله با آنها در افاق‌های پیش‌رو، دشوارتر خواهد بود. در نظر سنجی اخیر موسسه اعتبارسنجی مالی KPMG مبنی بر چالش‌های نظام بانکی در افاق ۲۰۲۵، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان در سطح جهان، افزایش حجم و ارزش کل کلاهبرداری‌های مالی و عدم امنیت سایبری را عامل اصلی کاهش تمایل خود به استفاده از خدمات و محصولات صنعت بانکداری در سال جدید اعلام کرده‌اند. این روندها نشان دهنده یک چشم‌انداز

یکی از
مهم‌ترین
چالش‌های
پیش‌روی
صنعت
بانکداری جهان
افزایش نرخ
بی‌اعتمادی
مشتریان و
کاربران به
موسسات مالی
و نهادهای
بانکی است

مشتریان خود به وسیله روند پیچیده و پیشرفته‌ای از تجزیه و تحلیل داده‌های آنها استفاده می‌کنند. هوش مصنوعی، نظام بانکداری را برای کاربر شخصی سازی کرده و همواره در خدمت مشتریان قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی به سوالات و نگرانی‌های مخاطبان در زمان واقعی و مناسب پاسخ می‌دهد، مشاوره‌های مالی اختصاصی شده را در اختیار آنها قرار می‌دهد، پیشنهادات هدفمند در انتخاب محصول و خدمات مالی به کاربر می‌دهد و حتی به راحتی می‌تواند در شناسایی پیشگیرانه کلاهبرداری‌های سایبری به وی کمک نماید. بنابراین این فناوری، به مثابه یک دستیار و مشاور شخصی، اختصاصی و حرفه‌ای در کنار کاربران قرار می‌گیرد تا سفر بانکی خود را به بهترین نحو ممکن، ادامه داده و به پایان برسانند. در مقابل، این رویکرد فناورانه محاسن زیادی نیز برای موسسات مالی و نهادهای بانکی دارد. در حقیقت، هوش مصنوعی و ماشین لرنینگ، نگهبانان مکانیزم‌ها و سازمان‌دهی‌های مالی بانکداران هستند. آنها به طور خستگی ناپذیر در پشت صحنه فعالیت می‌کنند، اقدامات مجرمانه مالی را شناسایی کرده و حفره‌های امنیتی خطرآفرین را مسدود می‌کنند و بدین ترتیب علاوه بر به حداقل رساندن ریسک‌های سیستماتیک، در ایمن تر کردن تجربه مالی آنلاین بین کاربر و بانک نیز نقش بسزایی ایفا می‌کنند. آخرین گزارش‌های نهادهای ناظر مالی حاکی از آن است که حدود ۸۰ درصد بانک‌ها، مزایای بالقوه هوش مصنوعی را شناخته و تأثیر آن را خیره‌کننده اعلام کرده‌اند، به طوری که به نظر می‌رسد ارزش افزوده بالقوه حاصل از به‌کارگیری هوش مصنوعی در صنعت بانکداری جهان در سال ۲۰۲۵، به بیش از یک تریلیون دلار برسد.

منابع:

1. <https://www.pwc.com/gx/en/industries/financial-services/publications/financial-services-in-2025/retail-banking-2025.html>
2. <https://www.intuition.com/top-5-operational-risks-for-banks-in-2025/>
3. <https://strands.com/blog/2025-banking-trends/>
4. <https://www.oracle.com/financial-services/driving-success-in-retail-banking/>
5. <https://strands.com/blog/2025-banking-trends/>
6. <https://www.granthornton.ie/insights/factsheets/banking-2025-emerging-risks-and-the-regulatory-agenda/>
7. <https://www.heimeyerconsulting.com/risk-and-regulation-2024-and-2025/>
8. <https://startups.epam.com/blog/challenges-in-banking-industry>

پیچیده و کلافی سردرگم در آینده نظام‌های مالی و بانکی در سطح جهان است که توجه و اهتمام بیشتری برای مقابله با چنین شرایطی را می‌طلبد.

اهتمام ویژه به قدرت رسانه‌های اجتماعی در جذب هدفمند مشتریان بان به صنعت بانکداری

رسانه‌های اجتماعی در قرن بیست و یکم، رایج‌ترین نوع بستر ارتباطی عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان هستند و بستر جامع خدمات مالی، به ویژه صنعت بانکداری اگر بخواهد توسط مشتریان و متقاضیان هدف خود دیده شود، نمی‌تواند به رویکردهای سنتی اکتفا کند. با افزایش روندهایی مانند محتوای تولید شده توسط کاربر، بانک‌ها می‌توانند از قدرت رسانه‌های اجتماعی برای افزایش ترافیک ارائه خدمات و مراجعه کاربران به شعبات فیزیکی و دیجیتال خود استفاده کنند. تولید محتوای جذاب در رسانه‌های اجتماعی مانند یک دعوت‌نامه اختصاصی برای مشتریان بالقوه عمل می‌کند. در این مواقع توصیه می‌شود که بانکداران از حضور مستقیم در تبلیغات تلویزیونی، رادیویی و فیزیکی خودداری کرده و به قلب رسانه‌های پرمخاطب یعنی سوشال می‌دیاها، پُربازدید امروزی، متکی باشند. پست‌های جذاب بصری، تبلیغات انحصاری و اشتراک‌گذاری لحظات ناب مشترک با مخاطبان و کاربران، علاقه آنها را بر می‌انگیزد و مشتریان را وادار می‌کند تا موقعیت فیزیکی سازمان مالی و بانکی شمارا کشف کرده و تعامل دیجیتال خود با شما را به مراجعات در دنیای واقعی تبدیل کنند. بنابراین به فعالان صنعت بانکداری گوشزد شده است که در سال جدید میلادی، حتماً از قدرت تبلیغات مبتنی بر لوکیشن در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی استفاده کنند. زیرا رسانه‌های بسیار پُربازدید مانند اینستاگرام، توییتر و فیس‌بوک به کسب و کارهای مالی و بانکی اجازه می‌دهند تا تبلیغات هدفمندی را به طور خاص به کاربران در مجاورت جغرافیایی خود ارائه کنند.

الزام غیر قابل چشم‌پوشی نسبت به پذیرش مفهوم هوش مصنوعی در ارکان مختلف نظام بانکی

در دنیای آتی صنعت بانکداری، پذیرش هوش مصنوعی (AI) فقط یک روند نیست، این پذیرش به معنای یک تغییر بزرگ در زمین بازی بزرگ‌تر است و درب‌های زیادی را به روی مجموعه‌ای از مزایا و ویژگی‌های منحصر به فرد باز می‌کند. در حقیقت، هوش مصنوعی بازوی قابل اتکا و یکپارچه فکری و اجرایی صنعت بانکداری جهان در افق‌های آتی خواهد بود. حضور هوش مصنوعی در نظام بانکداری، با شناسایی کامل هویت و ویژگی‌های مخاطبان و کاربران این صنعت آغاز می‌شود. در واقع، بانک‌ها از هوش مصنوعی برای درک ترجیحات و نیازهای

بانک‌واره توسعه تعاون

شعبه غیر حضوری شما



- افتتاح حساب آنلاین
- پرداخت انواع تسهیلات و اعتبارسنجی آنلاین
- صدور گواهی امضاء دیجیتال
- ارائه خدمات کیف پول الکترونیکی
- افتتاح حساب ارزی (دلاری و یورویی)
- مدیریت تسهیلات تفاهم نامه ای
- زائر کارت و بسیاری از مزایا و خدمات بانکی دیگر

نسخه PWA برای گوشی های غیر اندرویدی، تبلت و رایانه به آدرس Bankvareh.ttbank.ir

نسخه اندرویدی از  [www.ttbank.ir](https://play.google.com/store/apps/details?id=ttbank)  [myket](https://apps.apple.com/app/id1234567890)  بازار  ۰۲۱-۶۴۳۸۰۰۰۰